

آتش در مدیترانه

جنگهای بالکان

مترجم

داود مؤید امینی

از انتشارات

شرکت تضامنی علمی

چاپ اول

تیر ماه ۱۳۲۰

شرکت چاپخانه علمی

پوه

وکتور کینخ

دندان

نظام پزشکی ۱۳۵۲

1



۵۰۰۰/۱۸۴

مدیترانه در آتش

جنگهای بالکان

مترجم

داو دمؤید امینی

چاپ اول

پرو

دکتر

از انتشارات

پرشک

نظام پزشکی ۳۸۵۲

شرکت تضامنی علمی

دکتر کیخسرو وصال‌حبور

دندانپزشک

نظام پزشکی ۳۸۵۲

شرکت چاپخانه علمی

دیباچه

کتابی که تحت عنوان «مدیترانه در آتش و جنگهای بالکان» تقدیم خوانندگان گرام میشود تنها يك کتاب جنگی نبوده بلکه حاوی کلیه پیش آمدهای سیاسی است که از روز دخول دولت ایتالیا به جنگ در این قسمت از قاره اروپا و شمال افریقا رخ داده است.

با آغاز کشمکش در ناحیه بالکان و پیدایش اختلاف نظر بین ایتالیا و یونان که دامنه آن بسی توسعه یافته و سر انجام با نبرد های خونین واحد های آلمان و یوگوسلاوی و یونان و شکست دودولت اخیر پایان یافت معلوم شد که دریای مدیترانه در جنگ کنونی اروپا نیز اهمیت زیادی دارد.

دریای مدیترانه که در میان سه قاره اروپا و آسیا و افریقا قرار گرفته و مهم ترین راههای کشتی رانی دنیا از وسط آن عبور میکنند در جنگ کنونی اهمیت فوق العاده پیدا کرده است و بدین مناسبت است که کشور های محور از يك طرف و امپراطوری انگلیس از سوی دیگر در حفظ موقعیت خود در این دریا کوشش و فداکاری میکنند.

لشکر کشی به گرت که در تاریخ جنگهای دریائی و هوائی بی مانند بود بدون هیچ ابهامی ثابت کرد که تکیه گاهها و نقاط لشکر کشی مدیترانه تاچه پایه مهم و شایان توجه است.

این کتاب علاوه بر جزئیات لشکر کشی بالکان و جنگ های مدیترانه و افریقای شمالی شامل مطالب سودمند جغرافیائی راجع به تنگه ها و گذرگاههای مهم دریای رم است که کشور های ذیعلاقه برای نگهداشتن آنها این همه فدا کاری می نمایند.

امیدوارم این کتاب نیز مانند سایر تالیفات مورد توجه و استفاده هم میهنان گرام واقع شود.

داود مؤید امینی

توجه باینکه جنگ در منطقه بالکان و کرانه های دریای مدیترانه خاوری چگونه و با چه شرایطی آغاز و پایان رسیده مبحثی است بسیار مهم که در ضمن بررسی دقیق حوادث میتوان با اهمیت نظامی و سیاسی آن پی برد .

جنگ بالکان در حقیقت متضمن يك سلسله نبردهائی است که سراسر صحنه آرام دریای مدیترانه را دچار آشفتهگی ساخته و همه جای آنرا فرا گرفت .

از آنجائی که مدیترانه برای همه کشور های کرانه های آن اهمیت خاصی دارد باین جهت بجنگی که در این دریا شروع شده بایستی با نظردقت نگریست . جنگهائی که در کرانه های این دریاچه در شمال افریقا و چه در بالکان رخ داده مانند رشته زنجیری بهم دیگر ارتباط دارد بنا بر این خالی از فایده نخواهد بود عملیات جنگی را که در تمام کرانه های مدیترانه رخ داده مورد مطالعه قرار دهیم و پیش از هر چیز بموقعیت جنگی و جغرافیائی کشورهای ذی علاقه در این قسمت از قاره اروپا و سر زمین هائی که میدان کار و زار و محل تمرکز لشکریان دولتهای ذی علاقه است توجه نمائیم .

اینک برای اینکه اطلاعات دقیقی در این مورد بدست آید و خوانندگان این کتاب باشکالی برنخورند جنگ در کرانه های مدیترانه و بالکان را از نظر لشکر کشی و سیاسی بچند بخش بشرح زیر تقسیم و درباره هر يك جداگانه اطلاعاتی میدهم .

۱ - جنگ ایتالیا و یونان .

۲ - نبرد در شمال افریقا و بستگی آن با حوادث بالکان .

۳ - جنگ کشور های محور با یوگسلاوی و یونان .

بخش نخست

جنگ ایتالیا و یونان

پس از روشن شدن آتش جنگ در اروپا دولت ایتالیا اظهار تمایل کرد با همسایه ناحیه بالکانی خود «یونان» پیمان عدم تعرضی بسته و بدین وسیله بخش خاوری مدیترانه از منطقه جنگ دور نگاهداشته شود.

دولت ایتالیا پس از دخول در جنگ برای حمله بردن به حساس ترین قسمت امپراتوری انگلیس یعنی ترعه «سوئز» دست بکار شد و لشکریان متمرکز در مرزهای «لیبی» را که فرماندهی آن بعهدہ مارشال «گرازیانی» واگذار شده بود به فعالیت واداشت نخستین مرحله لشکرکشی ایتالیا در این قسمت تا موضع «سیدی برانی» عملی و همانجا متوقف شد.

چون در این قسمت هیچگونه موفقیت بدست نیامد و پیشروی در بیابان سوزان با مشکلاتی مواجه شد ستاد ارتش ایتالیا خاور دریای مدیترانه را برای عملی ساختن نقشه های خود مناسب دیده و از همین جا منشاء اختلاف نظر با کشور یونان پیدا شد.

همانطوریکه اختلاف نظر جزئی در کشور همسایه بالکان هر روز روبو خامت میگرائید ایتالیا در این مدت «که ۵ تا ۶ ماه طول کشید» وضعیت واحدهای متمرکز در آلبانی را بهبودی بخشیده و تا میتوانست آنها را تقویت کرده و راه های نظامی را ترمیم نمود، این تدارک با دقت و تانی فوق العاده انجام مییافت ارتش متمرکز در آلبانی از نظر جنگی و تجهیزات تقریباً هیچگونه نقصی نداشت و به کوچکترین اشاره ممکن بود از مرز گذشته و بحمله دست زند.

سرانجام در شب ۲۸ اکتبر ۱۹۴۰ که روابط دو کشور خیلی تیره شده بود دولت ایتالیا بوسیله سفیر خود ساعت ۳ بعد از نصف شب اتمام حجتی تسلیم نخست وزیر فقید یونان سرلشکر «متاکراس» نموده و بطور خلاصه خاطر نشان ساخت که چون انگلیس ها در جنوب نقاط لشکرکشی مهمی را بدست آورده اند که برای

استقلال ایتالیا خطر زیادی دربردارد بنا بر این لازم است ارتش یونان تسلیم و امور آن تحت نظر ایتالیا اداره شود نخست وزیر یونان این پیشنهاد را رد کرد و روز ۲۸ اکتبر ۱۹۴۰ یعنی درست چند ساعت پس از تسلیم اتمام حجت واحدهای ایتالیا از مرزهای یونان گذشته و به پیشروی شروع کردند.

نیروی جنگی طرفین و آئین جنگی آنها

کیفیت جنگ بر حسب علل و موجبات آن و اهمیت منافع طرفین و قدرت وسایلی که بکار میاندازند فرق میکند چه قوایی که بکار میافتد بعضی مادی و برخی اخلاقی و روحی بوده و با هم تفاوت کلی دارند بویژه هنگامی که جنگ جنبه ملی پیدا کند تمام قوای کشور را وادار به مبارزه می کند از این رو کیفیت آنها به منتهای شدت خواهد رسید پس برای اینکه مطلب روشن شود در درجه اول باید متوجه باشیم که نیروی جنگی طرفین و آئین آنها چگونه بوده و هر يك از طرفین با چه نظری وارد میدان کارزار شده اند.

۱ - اوضاع جنگی و سیاسی و جغرافیائی ایتالیا

کشور ایتالیا در منطقه اروپائی خود ۳۱۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت داشته و در حدود ۴۵ میلیون نفر جمعیت دارد.

از ۲۰ سال باین طرف ضمن اصلاحاتی که در ایتالیا صورت گرفته زمامداران ایتالیا بآموزش و پرورش افراد ارتش خود اهمیت دادند.

چون منطقه جنگ آلبانی و قسمتی از یونان بوده باین جهت از بحث در اطراف موقعیت جغرافیائی خود سرزمین ایتالیا صرف نظر و متوجه میشویم که کشور آلبانی دارای چه نوع موقعیت جغرافیائی است.

وضعیت کشور آلبانی

سرزمین آلبانی که در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۱۸ بتصرف ایتالیا درآمد در زمان گذشته قسمتی از امپراتوری پیشین عثمانی را در بالکان تشکیل میداد طول آن ۵۰۰ و پهنای آن ۲۰۰ تا ۴۰ کیلومتر مربع بوده و مساحت آن رویهمرفته در حدود ۲۷۵۳۸ کیلومتر مربع و شماره سکنه آن تا يك میلیون بالغ است که بطور تقریب ۳۸ نفر در هر کیلومتر مربع زندگی مینمایند طبق سرشماری دقیقی

که در این سرزمین بعمل آمده دو سوم اهالی مسلمان و بقیه مسیحی میباشد .
این منطقه از طرف شمال و خاور با کشور یوگوسلاوی و از جنوب بیونان و
در سمت باختر بدریای آدریاتیک محدود است بخش شمالی و خاوری آن کوهستانی
است ولی در سمت باختر زمین تا حدی صاف و بلندیها کم میباشد . و در کرانه دریای
آدریاتیک جلگه صاف و هموار میباشد .

سلسله کوههای آلبانی همان امتداد ارتفاعات بسنی و دالماسی است که بلندترین
قله آن در سمت دریاچه (اخیریدا) قرار گرفته و معروف ترین آنها قله کامی به
بلندی ۲۱۵۰ متر و (آلبانیتا) بلندی ۲۲۸۰ متر میباشد که در ضمن حرکت بسمت
شمال از بلندی آنها بطور محسوس کاسته می شود . در قسمت مرکزی نیز امتداد بلندی
های « پیندوس » با سم کوهستان « تروتیزا » از « ترینی » گذشته و تا برات ادامه
یافته و بلندترین نقطه آن تا ۲۴۰۰ متر میرسد

در جنوب باختری سرزمین آلبانی بوسیله بلندیهای (شامارا) پوشیده شده
و در بقیه قسمت ها ارتفاعات با یک شیب ملایم تری بسوی دریای آدریاتیک متوجه
و پایان یافته و جلگه های صافی را از خود باقی میگذارند .

رودخانه هائیکه از این رشته کوهستانها جاری است بشرح پائین است : درین
مائی . اسکومنی . سن و جوزا . دولی که بطور عموم جهة خاوری باختری داشته و
چون آب همیشه در آنها جاری است دارای پهنا و عمق کافی نیز بوده و در سر راه
موانعی را بوجود میآورند که عبور از آنها در هر حال مستلزم کوشش فراوانی است
« البته در مواقع غیر عادی و جنگ . »

خطوط ارتباطی که از نظر جنگی ارزش زیادی داشته باشد در این قسمت خیلی
کم و راههای مهم آلبانی بشرح پائین است :

۱ - جاده اسکوتاری در شمال بطرف اسکوب .

۲ - راه آلباسان بسمت پوکرادت و کورتیزا .

۳ - راههای والونا بسوی ارژیر و کاستر و ژانینا .

علاوه بر اینها زمامداران ایتالیا بمنظور سرعت کار چند رشته راه آهن

نیز در این کشور ایجاد و دو راه پیشین دور از و والونا را تکمیل و بطرف جنوب پیش برده اند.

بنادر مهم آلبانی بشرح زیر است :

۱ - بندر دور ازو .

۲ - بندر والونا .

۳ - بندر ساتتی کارانتا .

که کلیه نیازمندیها و تدارکات جنگی بایستی بوسیله این ۳ بندر که بترتیب از حیث اهمیت در درجه اول و دوم و سوم قرار گرفته اند برطرف شود . و کشتی-های حامل مهمات و افراد در این بنادر لنگر انداخته و از آن یس بداخله کشور رهسپار شوند .

منابع ثروت

منبع ثروت مهم آلبانی در درجه نخست نفت میباشد که محصول آخرین سال آن در حدود ۳۰۰۰۰۰ تن بوده است .

کانه‌های نفت آلبانی در دره « دولی » قرار گرفته و نفت خام از این محل بوسیله يك لوله بدر ازای ۷۵ کیلو متر ببندر والونا انتقال یافته و از آنجا بایتالیا منتقل و دریالشکاههای بزرگ تصفیه میشود .

محصول غلات و روغن های نباتی آلبانی نیز که بمقدار زیاد بدست آمده وبایتالیا فرستاده میشود قابل توجه میباشد .

وضعیت جغرافیائی و جنگی یونان

کشور یونان را نمی‌توان از نظر جغرافیائی با سایر کشورهای اروپائی مقایسه کرد زیرا این شبه جزیره را از سه طرف یعنی خاور باختر جنوب آب احاطه کرده و پیرامون آن را جزایز بزرگ و کوچکی که بیشتر در سمت خاور یعنی در دریای اژه واقع شده اند فرا گرفته است .

با اینکه یونان در اصل یکی از کشورهای باستانی گیتی بشمار میرود با اینهمه کشوری که اکنون بنام یونان شناخته میشود در آغاز سده نوزدهم تشکیل شده است

در حقیقت در این هنگام بود که یونان از زیر فرمان امپراتوری پیشین عثمانی بدرآمده و در ۱۸۳۰ توانست استقلال خود را بجهانیان اعلام بدارد.

باید دانست که یونان نوین در آغاز استقلال خود تنها حاوی قسمتی از سرزمین های یونان قدیم در کرانه های مدیترانه بود.

در آغاز کار خاک یونان محدود ببخشی از شبه جزیره کنونی یونان بود که در پائین تر از ترعه « کورنت » واقع شده است. سراسر کرانه های این شبه جزیره کوچک که با گردنه باریکی بقسمت شمالی شبه جزیره بالکان وصل می گردد پراز جزیره های کوچک و بزرگ است که بیشتر ساکنان آنها از اصل یونانی نژاد می باشند.

باستثنای کرانه « ایپروس » خلیج های بزرگ و کوچک و گودی در پیرامون آن یافت میشود بطوریکه این پیشرفتگی را در دریای مدیترانه می توان به انگشتان دست تشبیه کرد.

در یونانی بودن این جزایر جای هیچگونه تردیدی نیست زیرا تمدن «هلن» یا یونان باستانی در اصل - يك تمدن دریائی بوده است بهمین جهت در جزایر مورد بحث آثار تمدن باستانی بیش از همه جای دیگر مشهود است وضع جغرافیائی جزایر مزبور از این قرار است.

(۱) جزایر سیکلید، این جزایر که در جنوب دریای اژه واقع شده اند بحلقه های يك زنجیر گسسته ای می نمایند که از خاور به باختر کشیده شده اند.

این جزایر بطور کلی به پل شکسته ای شباهت دارد که در روزگاران پیش آسیا را باشبه جزیره یونان بهم پیوسته بود بزرگترین آنها جزیره ایست بنام ناکسوس که مساحت آن به ۱۴۷ میل مربع بالغ میشود.

۲ - جزائر دودکانز - در يك مسافت دورتری از این جزایر در جهت جنوبی نیم دایره دیگری از جزایر قرار گرفته که بنام (دودکانز) شناخته میشود.

این جزیره ها مانند حلقه های گسسته شده زنجیری هستند که از زمان باستان آسیا را با خاک یونان مربوط میکرد. بزرگترین آنها جزیره کرت است که در مدخل



ژرژ ششم پادشاه یونان

دریای اژه موقعیت جغرافیائی و لشکر کشی مهمی داراست باید متوجه بود که قسمتی از این جزیره ها یعنی رودز و کارپاتوس در دست دولت ایتالیا بوده و تکیه گاههای دریائی و هوائی مهمی بشمار می روند که اکنون مورد استفاده نیروی دریائی و هوائی ایتالیا است.

جزیره کرت از حیث مساحت بزرگترین جزیره ایست که در خاور دریای مدیترانه و در مدخل دریای اژه واقع شده و مساحت آن به ۳۳۲۸ میل مربع بالغ می گردد.

۳ - جزایر سپورادس یا جزایر پخش شده این جزایر که در انتهای شمالی دریای اژه واقع شده اند بواسطه تسلط بمدخل داردانل اهمیت لشکر کشی مهمی را حائز میباشند. دریای اژه در حقیقت دریائی است که از جهت فزونی جزیره ها و وضعیت پر پیچ و خم کرانه از سایر دریا ها متمایز است. گذشته از جزایر مزبور عدۀ دیگری از جزایر روبروی کرانه های باختر شبه جزیره یونان واقع شده که جزایر « ایونی » نامیده میشود و بزرگترین آنها جزیره کورفو است که تکیه گاه مهم دریائی بوده و بدریای اردیاتیک مسلط است.

در آغاز استقلال یونان قسمت بزرگ سرزمین هائی که در آن نژاد یونانی بسایر نژادها فزونی داشت در دست یونان نبود همچنین این کشور تازه تشکیل شده زمین های حاصلخیزی نداشت که بتواند همه نیازمندیهای خود را بر طرف ساخته و پایه امور اقتصادی خود را محکم تر کار نهد. ولی در سالهای میان ۱۸۳۰ و ۱۹۲۳ در شبه جزیره بالکان تحولات زیادی رخ داده و دولت یونان بتوسعه خاک خود موفق گشت.

یونان اصلی یا یونان ۱۸۳۰ عبارت بود از شبه جزیره پلوپونز و قسمتی از شبه جزیره یونان و برخی از جزایر اژه در ۱۸۶۴ یونان برای نخستین بار موفق شد جزایر « ایونی » را بدست آورد.

دشت تسالی نیز در سال ۱۸۷۸ به تصرف یونان در آمد در دوره جنگ های بالکان یونان نه تنها باشغال جزایر بیشتری بانضمام « کرت » نایل گردید بلکه توانست

بجاهائی مانند مقدونیه و تراس نیز دست یابد. تصرف این سرزمین ها سود های اقتصادی زیادی برای یونان داشت زیرا در نتیجه این عمل یونانی که در سال ۱۸۳۰ کشور کوچک و ناتوانی بود بیک کشور بزرگ و بی نیازی مبدل شد در آغاز سال ۱۹۲۵ تمام سرزمین هائیکه جزو یونان باستانی بشمار می رفت دارای سکنه یونانی نژاد شده و بکشور اصلی ملحق گردید تنها توده های کوچکی از یونانیان در خارج کشور خود ماندند.

مهاجرت یونانی نژاد ها از جنگ بالکان شروع و در ۱۹۲۲ تا ۲۴ بدرجه شدت رسید و در این دو سال تقریباً در حدود ۱۳۵۰۰۰۰ تن یونانی از آسیای صغیر بیونان مراجعت نمودند.

مساحت خاک یونان پس از تحولات پیش گفته تقریباً تا ۱۴۰۱۳۵ کیلو متر مربع بالغ گشته و بنا بآماریکه در ۱۹۲۶ برداشته شده نفوس این کشور در حدود ۷ میلیون برآورد شده است. علت کمی آن بیشتر کوهستانی و بایر بودن این سرزمین است.

مساحت مرزهای یونانی در خشکی از ۱۱۲۱ کیلو متر تجاوز نمیکند ولی کرانه های آن بسیار پهناور بوده و دارای بنادر زیادی است که در بازار گانی دریائی آن کشور تأثیر بسزائی دارد.

حدود یونان بشرح پائین است.

«۱» در طرف خاور ترکیه و دریای اژه

«۲» در طرف شمال بلغارستان و یوگوسلاوی.

«۳» در طرف باختر دریای ایونی و آلبانی.

«۴» در طرف جنوب دریای مدیترانه.

گذشته از این حدود همه جزایر دریای اژه باستثنای جزیره «ایمتروس و آندوس که در داخل تنگه در دانیل واقع شده و جزایر دودکانز و لمنس - میتی لن شیو - نیکار تا - ساموس در کرانه های آسیا بقیه بکشور یونان متعلق است.

تمام جزایر و شبه جزیره یونان از کوههای بلند و رنگارنگی پوشیده شده است که ارتفاع بلند ترین قله های آن از سطح دریا تقریباً سه هزار متر میرسد و بطور کلی باستانی بخش مقدونی و جلگه های بزرگ و حاصلخیز « تسالی » بقیه خاک یونان کوهستانی است .

یکی از رشته های اصلی آن « به پندوس » است که بلندی ۲۵۰۰ متر میباشد و جلگه های تسالی را از ناحیه « ایروس » جدا میسازد . اغلب این کوهستانها خالی از سکنه بوده و تنها از نظر لشکر کشی و نظامی اهمیت دارد .

وضعیت اقتصادی این کشور

یونان بطور کلی يك کشور کشاورزی است و تقریباً سه چهارم اهالی آن کشور با کشاورزی زندگی میکنند ولی در نتیجه کوهستانی بودن خاک کشور تنها ۲۲ درصد از زمین های آن قابل کشت و کار است .

باینکه یونان دارای کان های بی شماری است ولی بهره برداری آنها چندان زیاد نبوده و حتی بعضی ها اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته اند . صنایع این کشور نیز در نتیجه کمی زغال و نبودن سرمایه پیشرفت زیادی نکرده است .

فرستاده های عمده آن عبارت است از توتون و روغن زیتون و نوشابه و بادام زمینی و رسیده های آن به نسبت فرستاده ها بسیار زیاد است ولی این تفاوت از درآمد کشتی رانی و سودهای بازرگانی و سایر منابع دیگر جبران میشود ، تا سال ۱۹۱۶ یونان چندان ارتباطی با اروپا نداشت ولی پس از ۱۹۱۶ راه آهن های آن از راه سالونیک « به نیش » و « بلغراد » با راه آهن های بزرگ اروپا ارتباط حاصل کرد و راههای عمده آن بشرح زیر میباشد .

- (۱) راه آهن بین المللی که به استانبول ممتد میشود .
- (۲) دو رشته راه آهنی که بطرف یوگوسلاوی امتداد مییابد .
- (۳) راه آهن داخلی که نقاط مهم کشور (آتن - پیره - موره) را بهم متصل

می سازد .

جاده های شوسه در این کشور خیلی کم یاب و بواسطه کوهستانی بودن

منطقه تهیه آن مشکل است. در صورتیکه ارتباط دریائی آن با همه جای دنیاخیلی سریع و سهولت انجام پذیر است.

نیروی جنگی یونان

کشور یونان برای حفظ موقعیت خود به نیروی دریائی و زمینی خود خیلی اهمیت می‌داد و چون بیشتر سرزمین یونان کوهستانی است باین جهت قسمت عمده نیروی زمینی از واحدهای کوهستانی تشکیل یافته اند سرباز یونانی گذشته از آنکه روحیه خوبی دارد جسور و خونسرد بوده وظیفه خود را بوجه خوبی انجام می‌دهد.

ارتش زمان صلح این کشور طبق مدارك مختلف قدری باختلاف ذکر شده که درپائین درج میشود.

طبق مدارك ایتالیائی: ارتش این کشور در زمان صلح ۴۹۸۲۰ و در هنگام بسیج ۵۰۰۰۰ نفر است.

نیروی دریائی ۹۴۱۸ نفر هوائی ۳۱۸۰ نفر و ۱۳۵ هواپیمای صف جنگ طبق مدارك فرانسوی. ارتش این کشور ۸۰۰۰۰ نفر در زمان صلح ۶۰۰۰۰ نفر در زمان جنگ و بسیج عمومی.

طبق مدارك انگلیسی: ارتش یونان شامل ۱۴ لشکر پیاده و يك لشکر سوار در حدود ۲۵۰ هواپیمای صف جنگ.

وسایل دفاعی یونان

وسایل دفاعی این کشور خط متناظر اس بود که ساختمان آن در سال ۱۹۳۶ در سراسر مرز شمال - شمال باختری یونان آغاز یافت و برای ساختن این خط ستاد ارتش یونان هزینه ورنج‌های زیادی را متحمل شدند و هنگامیکه ایتالیا آلبانی را تصرف کرد این خط از هر جهت تقویت شده و از نقاط سخت گذر کوهها در پوشاندن خط استفاده شایانی شد.

طرح عملیات واحدهای ایتالیا و یونان

برای پی بردن بمقاصد جنگی و نقشه‌های لشکر کشی پیش از همه چیز باید

متوجه بود که طرح عملیات واحد های دوطرف جنگجو چگونه بوده و هر کدام از آنها برای چه منظوری بچنگ دست زده و باچه روشی در نظر دارند نقشه های خود را اجرا کنند . تا اینجا باندازه کافی فهمیده شد که منابع ثروت و اوضاع جغرافیائی و سیاسی و تهیه های مقدماتی ایتالیا و یونان از چه قرار بوده است اینک باید طرح های جنگی ارتش یونان و ایتالیا را دانست که چگونه بوده است . در این مورد نخست بطرح جنگی ایتالیا نظری افکنده سپس از روش دفاعی یونان گفتگو خواهیم کرد .

طرح ستاد ارتش ایتالیا

پس از يك سلسله تهیه هائی که ستاد ارتش ایتالیا در آلبانی دیده بود بطور کلی آرایش عملیات جنگی که میبایستی در یونان انجام پذیرد بشرح پائین بود .
(۱) پیشروی بسوی مقدونیه که در حقیقت اساس لشکر کشی به یونان را تشکیل می داد .

این حمله بعهد ستون اول واحد های ایتالیا وا گذار شده بود که باید برای انجام آن یکی از دوره پائین را پیش گرفته و بداخله یونان نفوذ کنند .
اول راهی که از (کرتیزا) بسوی خاور امتداد یافته و در مجاورت قصبه (رولیا) پیچ خورده بطرف گردنه (پیسواری) و از آنجا به فلورینا متوجه میشد این راه از داخله کشور یونان عبور کرده و از سد کوهستانی و رینون که دربخش باختری خود ارزش جنگی فراوانی دارد میگذرد .

راه دوم از موناسیتر - کنائی به فلورینا ممتد شده ولی از این نقطه کوهستانی نگذشته و درحقیقت موضع « و رینون » را دور میزند برای پیشروی از این راه لازم میشود که از جاده های یوگوسلاوی استفاده شود و چون ایتالیائی ها درصدد نبودند در يك آن با ارتش دو کشور روبرو شوند بهمین جهت از این جاده صرف نظر کرده و تنها یورش اصلی خود را از جاده کرتیزا - فلورینا بسوی هدف مهم « مقدونیه » آغاز نمودند .

ستون اول واحد های ایتالیا وظیفه دار بود تراس باختری را که تنها محل

زرخیز و انبار گندم یونان است اشغال کند و با سرعت زیاد ارتباط این کشور را با ترکیه و بلغارستان قطع و پیشروی خود را در کرانه های خاوری بطرف دشت معروف تسالی و پایتخت یونان «آتن» ادامه دهند.

۲ - ستون دوم میبایستی از راه اسمولیکاروی در ارتفاعات «پیندو» بسوی متزاوا حرکت کرده و در این منطقه کوهستانی سخت گذر یگانه راه ارتباطی جلگه تسالی را با ایبر قطع و با ستون اول تماس پیدا کنند.

۳ - ستون سوم واحدهای ایتالیا ماموریت داشتند در منطقه «ایبر» عملیات شروع کرده و بدین وسیله کار پیشروی دو ستون دیگر را تسهیل و از همه مهمتر از رسیدن واحدهای کمکی یونان بسایر جبهه ها جلوگیری کنند.

منطقه عملیات ستون ۲ و ۳ واحدهای ایتالیا بوسیله بلندبهای غیرقابل عبور پیندو و ازهم جدا شده و تنها نیروی هوائی ممکن بود بین آنها ارتباط برقرار سازد برای اجراء این عملیات ستاد ارتش ایتالیا در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر در کشور آلبانی تمرکز داده بود که شامل ۱۱ لشکر پیاده و یک لشکر زره دار بود و یک لشکر کوه نورد «شاسور» بود گذشته از این هاچند واحد از پیراهن سیاهان و قسمتی از سربازهای «برسا» نیز برای شرکت در نبرد بآلبانی گسیل شده و از هر جهت برای تعرض آماده بودند.

قسمت مهم این ارتش پیش از آغاز جنگ در آرژیلو کاسترو و قسمت کمتر آن در «گرتیزا» متمرکز بوده و بترتیب سه سپاه ۹ و ۱۰ و ۱۱ را تشکیل می دادند که فرماندهی آن بمعهد سرلشکر «ویکونت براسی» واگذار شده بود.

آرایش دفاعی یونان

در برابر جنگ طرحی ایتالیا که جنبه تعرضی بسیار شدیدی را داشت و پوشش واحدهای حمله بعد از زیادی از هواپیماهای تندرو سپرده شده بود واحد های یونان متکی به آرایشهای دفاعی خود بودند و شاید هم ستاد ارتش این کشور هیچوقت جنبه تعرضی لشکر کشی را اصلا مورد بررسی قرار نداده بود.

یونان با ترکیه و یوگوسلاوی پیمانهای داشت بهمین جهت از مرزهای خود در این دو قسمت اطمینان کامل داشت و در مورد بلغارستان موضوع مشکوکتر بود و چون ممکن بود در آتیه مرزهای بلغار و یونان میدان پیکار گردد باین جهت ستاد ارتش یونان صلاح در آن دید چند دسته مهم از لشکریان را بحفظ این مرزها مأمور نماید.

در مرزهای یوگوسلاوی بطوری که در پیش اشاره رفت اقدام ارتشی و تمرکز نیروی لژیون نداشت بنابراین ستاد ارتش یونان طرح کلی عملیات جنگی را چنین در نظر گرفته بود.

دفاع در مواضع کوهستانی «پیندوس» و «رینون» این دفاع بیشتر متکی برشته استحکامات محکم خط متاکزاس بود که یونان برای ساختن آن هزینه زیادی صرف کرده بود.

هنگام روشن شدن آتش جنگ در مرزهای آلبانی و یونان فرماندهی ارتش بشور یونان با ژنرال «متاکزاس» و ریاست ستاد آن بمعهد سر تیب «پاپا کوس» افسر صنف سوار واگذار شده بود.

روشن شدن آتش جنگ

روز ۲۸ اکتبر ۱۹۴۰ پس از آنکه سر لشکر «متاکزاس» نخست وزیر یونان انعام حجت ایتالیا را رد کرد واحد های ایتالیا مطابق نقشه ای که از پیش تنظیم شده بود از مرز گذشته و پیشروی دست زدند.

حمله هوایی

از آنجائیکه پوشش نیروی زمینی علاوه بر توپخانه سنگین بنیروی هوایی سپرده شده بود، شماره زیادی از هواپیما های بمب افکن و شکاری در همان ساعت سخت شروع جنگ پیرواز آمده و در داخله سرزمین یونان بچند ده و شهر حمله برده و از این راه در صدد بودند ترلزلی در روحیه مدافعین ایجاد کنند ستاد ارتش ایتالیا بیشتر در نظر داشت از روش جنگهای برق آسا استفاده کرده و بسیج عمومی ارتش یونان را دچار تعویق نموده و جنگ را هر چه زودتر پایان بخشد ولی موقعیت جغرافیائی

سررمین یونان از انجام این نقشه جلو گیری کرده و حملات هوائی بر خلاف پیش بینی ستاد ارتش طرف هیچگونه تزلزلی در روحیه مدافعین ایجاد نکرد .

با وجود این حمله های هوائی در پیشروی واحد های زمینی ایتالیا که بطور عمیق در خاک یونان رسوخ کرده بودند تأثیر فراوانی داشت زیرا لشکر های ایتالیا پس از انجام يك سلسله نبرد های مرزی مقداری در یونان پیشروی کرده و به پیروزی هائی نائل آمدند .

عبور از خط رودخانه گالاباس

بمحض اینکه مناسبات سیاسی و دوستانه دو کشور قطع شد واحد های ایتالیایی در داخله یونان رسوخ کرده و پیشروی شروع کردند . هوا نسبتاً خوب و چون هنوز موسم زمستان با سرمای شدید خود آنهم در نواحی کوهستانی یونان فرا نرسیده بود از همه مهمتر شماره پادگان مرزهای یونان نسبت به لشکر های ایتالیا کم بود واحدهای ایتالیا موفق شدند در همان روز های نخست پیشرفتهائی نایل آیند لشکریان یونان برای احتراز از غافلگیری و رفع نوافس کار های خود در همه جای قطعه « ایبر » عقب نشسته و بمحل های مستحکم نواحی کوهستانی رسیده و در بسیاری از نقاط جبهه که متکی بآرایشهای دفاعی خط متاکراس بود موضع گرفتند .

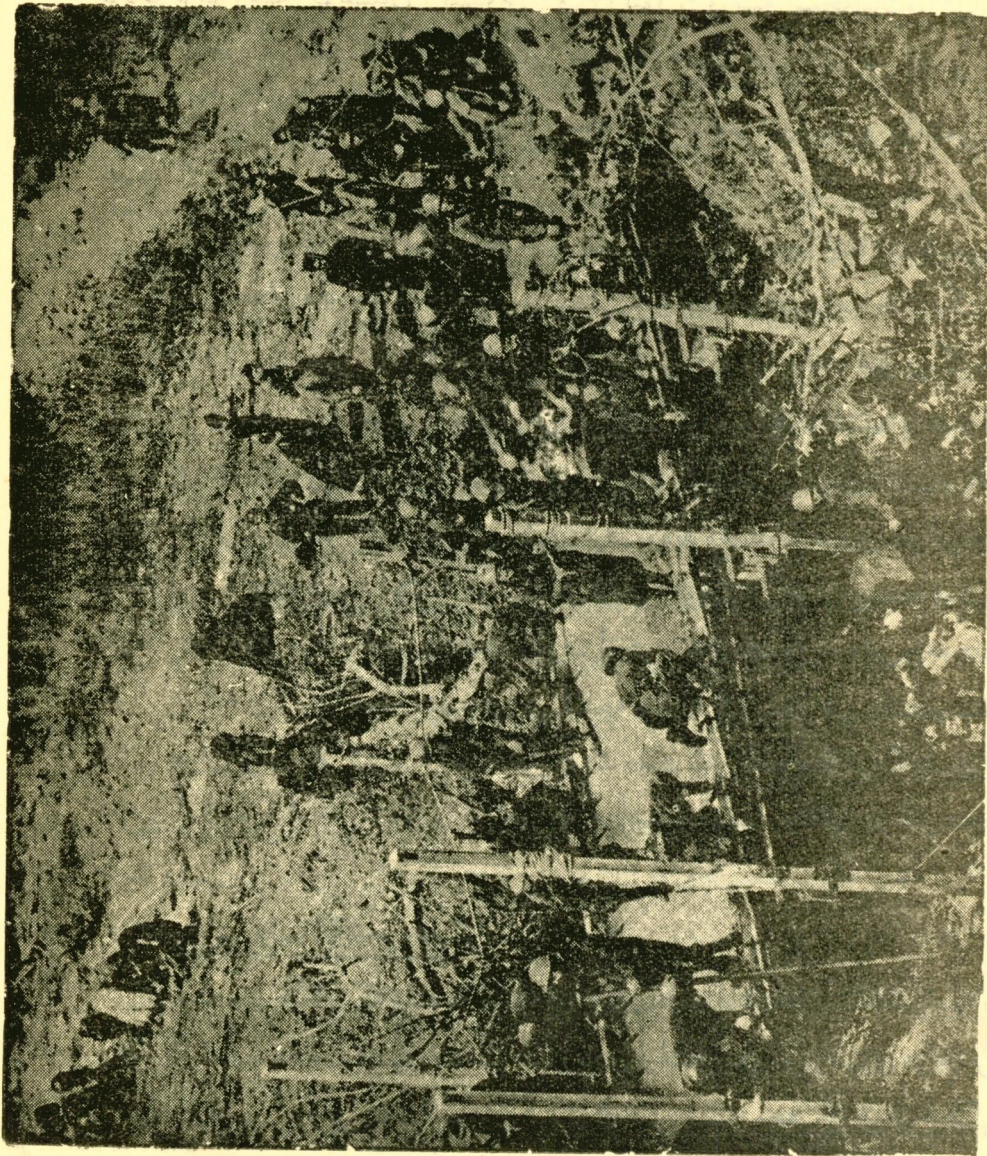
واحدهای یونان در نخستین روزهای جنگ با اشکال فراوان روبرو بودند زیرا میبایستی در ضمن انجام عقب نشینی سریع خود را از دید نیروی هوائی طرف مصون داشته و بکار خود ادامه دهند .

اوضاع جغرافیائی ویژه یونان ستاد ارتش این کشور را در تهیه وسایل دفاع و انجام بسیج عمومی پینهایت کمک و یاری کرده و از شدت عملیات جنگی ایتالیا که در نظر داشته جنبه برق آسا بآن دهند کاست .

نیروی هوائی یونان با اینکه با هواپیماهای جنگی ایتالیا از حیث شماره و ساختمان جنگی قابل مقایسه نبود با یتادگی شروع کرده و پشتیبانی واحد های پیاده را بمعده گرفت .

حمله های هوائی ایتالیا هر چند جنبه تهدید آمیز و شدید داشت ولی خیلی

مؤثر واقع نشده و نتوانست با مور جنگی و تهیه مقدمات بسیج ارتش یونان لطمه فراوان وارد آورد و در این مورد بیشتر باید در نظر گرفت که کوهستانی بودن این



پس از ترش واحد های ایتالیا برزهای یونان سربازهای مهندس ایتالیا پلی را که خراب شده و مانع پیشروی بود تعمیر میکنند

سرزمین این همه مزایای جنگی را نصیب واحد های یونان کرد .
لشکر های ایتالیا که در سه ستون از مرز یونان گذشته بودند در بخش باختری

پس از درهم شکستن مقاومت واحدهای کوچک یونان توانستند برود کالاباس نزدیک شده و از این مانع نیز عبور کنند ولی ستون دیگر ایتالیا که مأمور جبهه مرکز بود در برابر رشته کوهستان « بیندوس » و « رینون » ورشته استحکامات متاکزاس توقف کرده و نتوانست از این مانع تجاوز نماید در قسمت های خاور نیز لشکریان ایتالیا نیز توانستند تا جنوب دریاچه « برسیه » و « مالک » رسیده و مواضعی را اشغال کنند.

این پیشروها که در آغاز کار جنبه شدید داشت در نتیجه اشکالات طبیعی و جغرافیائی میدان های کارزار چنانچه پیش بینی شده بود با موفقیت هم آهنگ نگشت در مدت ۲۶ روز یعنی از ۲۸ اکتبر تا ۲۴ نوامبر ۱۹۴۰ واحدهای برگزیده ایتالیا نه در سه ستون بطرف داخله یونان حرکت کرده بودند توانستند با عبور از خط رودخانه کالاباس در ناحیه باختری « اپیر » ۳۰ کیلو متر پیشروی کنند و يك جنگ حقیقی برق آسا که همه پیش بینی کرده بودند رخ نداد نیروی هوائی نیز برخلاف میدانهای نبرد « باختر » نتوانست در نواحی کوهستانی یونان بیشینه فعالیت خود را در مورد فرسوده ساختن واحدهای طرف از خود نشان دهد با وجود این واحدهای هوائی ایتالیا بویژه در حمله بشهرهای مهم اسلحه خطرناکی بشمار می رفتند و ستاد ارتش یونان برای جلوگیری از این خطر بیدرنگ دست بکار شده و در درجه نخست از نیروی انگلیس کمک گرفته و نیز بخرید هواپیما و مهمات جنگی از امریکا دست زد.

واحدهای پیاده انگلیس در کرت

در همان هنگام که نبرد در مرزهای یونان ادامه داشت دولت انگلیس بیونان وعده کمک و مساعدت داده و بلافاصله عده زیادی از لشکریان امپراطوری در جزیره « کرت » که در بازرسی ناحیه خاوری مدیترانه نقش بسیار مهمی را از نظر جنگی بهعهده دارد پیاده شدند فرود گاه های یونان نیز مبداء عملیات جنگی بر علیه ایتالیا شد.

پیشرفت امر بسیج دریونان

هنگام روشن شدن آتش جنگ در بالکان تنها در حدود ۸۵۰۰۰ نفر از سرباز های یونان زیر پرچم بودند و لازم بود که بیدارنگ امر بسیج عمومی بموقع اجرا و عمل درآید برای موفقیت در این امر شرایط زیادی لازم بود ولی سر زمین یونان بیشتر این شرایط را دارا بود بهمین جهت در همان روزهای اول پوشش مرز ها بعهده چند لشکر واکگذار شده و برنامه بسیج بقیه قسمت ارتش که در مرحله ۲ و ۳ و ۴ بانجام کارهای مهمی موفق شدند باتانی ولی بانظم و ترتیب بسیار پیشرفت نمود و چند طبقه بتدریج زیر پرچم احضار شده و شماره لشکریان را بپایه زمان جنگ رساندند توقف پیشروی واحد های ایتالیا پیدا شدن واحد های دریائی و هوائی انگلیس در یونان و پیرامون این کشور و پیشرفت کار های مربوط به بسیج عمومی مرحله اول جنگ ایتالیا و یونان را از سایر مراحل مشخص تر می سازد زیرا پس از پایان این ۲۶ روز لشکریان ایتالیا در طول مرز های یونان حالت دفاعی بخود گرفته و از آن پس به عملیاتی دست زدند که مرحله دوم جنگ را تشکیل می دهد ضمن انجام نخستین مرحله جنگ واحدهای ایتالیا برخلاف پیش بینی خبره های جنگی نتوانستند ضربه مؤثری بیونان وارد سازند و چون سازمان دفاعی یونان از هر حیث پا برجا و آماده کار بود برنامه دفاع از سرزمین کشور بوجه خوبی پیشرفت نمود.

تعرض واحد های یونان

توقف پیشرفت لشکریان ایتالیا و رسوخ کم اینها در سر زمین یونان از همه مهمتر و موثر نبودن حمله های هوائی فرصتی بستماد ارتش یونان داد که نقشه تقویت واحد های خود را عملی سازد از روز ۳۰ نوامبر ۱۹۴۰ لشکر های یونان که در همه جا با واحد های اعزامی تقویت شده بودند از دفاع دست کشیده و به تعرض دست زدند.

بسوی مرز آلبانی

پس از پایان نخستین مرحله جنگ واحدهای ایتالیا به تصرف چند شهر کوچک و قصبه مرزی یونان موفق شده و خط آتش خود را در برخی نقاط به ۳۰ کیلو - متری داخل کشور پیش بردند ولی این عملیات برق آسا تا همین جا پایان پذیرفت.

این بار ستاد ارتش یونان که توانسته بود لشکر های زیادی را برای جنگ آماده کند و چون در اثر حمله نیروی هوائی و سایر پیش آمدها به بسیج عمومی ارتش لطمه ای نخورده بود بعملیات خود جنبه تعرض داده و ابتکار جنگ را بدست گرفت. روز ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۰ فشار واحد های یونان در سراسر جبهه جنگ محسوس تر شده و ایتالیا آنها را گزیر از زمین هائیکه بدست آورده بودند دست کشیده و با در پیش گرفتن حالت دفاعی بسوی مواضع مرزی عقب نشستند.

۳۰ کیلومتر راه پیمائی جنگی

واحد های یونان مجبور بودند در داخله کشور خود راه پیمائی کرده و نخست سرزمین هائی را که در مدت تقریباً یکماه از طرف لشکر های ایتالیا اشغال شده بود بدست آورند، عقب نشینی روز های اول جنگ خیلی هم در روحیه افراد تأثیر نیکی نبخشیده بود ولی چون همه می دانستند که این عمل صرف از نظر جنگی انجام یافته باین جهت باصل قضیه اهمیت نداده و منتظر پایان یافتن برنامه بسیج و رسیدن واحد های کمکی و لشکر های تازه نفس بودند.

روز اول ماه دسامبر لشکر های تازه تشکیل یافته یونان که تجهیزات و اسلحه خوبی در اختیار خود داشتند پس از تقویت چند لشکر پادگان مرزها که در برابر فشار واحد های ایتالیا عقب نشینی کرده بودند به تعرض شروع کردند. از همین روز سی کیلومتر راه پیمائی جنگی واحد های یونان در سرزمین کشور آغاز گشت دو لشکر پیاده که با تیپ توپخانه کوهستانی پشتیبانی میشد و پوشش آن به نیروی هوائی سپرده شده بود در قطعه ایمر و سایر قسمتهای نزدیک مرز راه افتاده و تقریباً یکروز زود تر از سایر واحد ها بمرز آلبانی رسیدند - این نوع راه پیمائی جنگی خیلی مشکل بود زیرا دسته های زیادی از بمب افکن های طرف همیشه روی جبهه جنگ پرواز کرده و به حمله های شدیدی مبادرت می جستند ولی برخی اوقات دخالت شکارپها از شدت حمله آنها میکاست و از همه مهمتر مساعد نبودن هوا و فرار سیدن موسم زمستان به این مرغهای پولادین بر اجازه نمی داد مطابق میل خود همه جا را

مورد تعرض قرار دهند هر چند آخرین روز های موسم پائیز بود و هوا بشدت سرد شده و بویژه شبها توقف در نقاط کوهستانی طاقت فرسا بود با وجود این نقشه طرفین انجام می پذیرفت .

در راه کرتیزا

پس از چهار و پنج روز نبرد شدید بمحض اینکه لشکرهای ایتالیا از مواضع خود دست کشیده و راه مرز آلبانی را پیش گرفتند لشکریان یونان در سرتاسر جبهه پیش رانده و با استفاده از این پیروزیهای محلی در نقشه دفاعی خود تغییراتی داده و - بداخل آلبانی تعرض کردند ، ستون نیرومندی از لشکرهای یونان مأموریت یافت ضمن پیشروی « کرتیزا » را که از نظر لشکرکشی اهمیت بسیاری برای ایتالیا داشت و اسلحه و مهمات زیادی در این محل برای حمله به یونان گردآوری شده بود تهدید کرده و در صورت امکان این موضع مهم را اشغال کند دفاع منطقه « کرتیزا » به عهده سپاه ۱۱ ایتالیا گذارده شده بود و یونانیها در مقابل این سپاه نخست سه لشکر پیاده و یک تیپ توپخانه کوهستانی داشتند ولی در روزهای ۲ و ۳ دسامبر ۱۹۴۰ یک لشکر پیاده دیگر با چند آتشبار کوهستانی مأمور پوشش نواحی مرزی شده و این واحد ها را بوجه شایانی تقویت کردند .

لشکرهای ایتالیا پس از عقب نشینی از خاک یونان در مرزهای آلبانی به - مستحکم ساختن مواضع خود دست زده و موانع بسیاری در سر راه سربازهای یونان ایجاد کردند .

صدای توپخانه در این ناحیه کوهستانی هنگامه بی مانندی بر پا کرده بود . مسلسل های سنگین و سبک در یک جبهه بدرازی ۲۰ کیلو متر به تیر اندازی شروع کرده و جنبه بسیار شدیدی به عملیات جنگی بخشیده بودند ارتفاعات چندی بدست واحدهای یونان افتاده و اینان در نظر داشتند بیشینه استفاده را از این اولویت جنگی بدست آورند ، نیروی هوایی با اینکه میدان مناسبی برای پرواز نداشت با وجود این در تمام رزم ها شرکت می جست ، بسیاری از شهر ها و قصبه های مرزی یونان در همان روز های اول آغاز نبرد بمباران شده و موزه جنگ را چشیده بودند .

در این گیر و دار که هر دو طرف سعی داشتند منظور خود را عملی سازند لشکر های یونان از هر جهت تقویت شده و با رسیدن لشکر های تازه نفس آماده تعرض بودند، واحد های ایتالیا نیز که از روز نخست با وسایل جنگی نیرومندی داخل میدان کارزار شده بودند از این پس سعی می کردند جلو پیشروی طرف را گرفته و تا میتوانند او را فرسوده سازند.

برای موفقیت در این امر دامنه حمله های هوایی هر روز توسعه می یافت و بمب افکن ها و شکارها بطور مستقیم در عملیات جنگی شرکت نموده و وسایل جنگی طرف تلفات زیادی وارد می آوردند.

روز چهارم تعرض عمومی لشکر های یونان بسمت « کورتیزا » آغاز یافته و استحکامات مرزی آلبانی بتصرف در آمد با پایان تصرف گرتیزا دومین مرحله جنگ ایتالیا و یونان خاتمه یافت، از آن پس سومین و چهارمین مرحله جنگ همه اش در خاک آلبانی رخ داد.

پیشروی در يك معبر کوهستانی

کوهستانی بودن میدان جنگ بیش از حد تصور بر اشکالات جنگی افزوده بود در بخشهای سخت گذر کوهستانی پیشروی کردن کار بسیار پرحمت و طاقت فرسائی بود ولی در ضمن اینکه نبرد های سختی در پیرامون « کراتیزا » جریان داشت و یونانیها باین موضع مهم دست یافته و در نظر داشتند در سه ستون بداخل آلبانی پیشرفته و تا زمستان و سرما های زحمت افزای آن فرا نرسیده واحد های ایتالیا را باندازه کافی از مرز های خود دور سازند لشکر های عقب نشسته در گذر گاههای تنگ و محکم کوهستانی موضع گرفته و از هر طرف بستونهای یونان حمله می بردند.

ساعت ۸ صبح بود دو لشکر یونان پس از ورود به « کورتیزا » و اشغال این شهر مأموریت داشتند در دامنه يك کوه بلند پیشروی کرده و پس از طی در حدود ۲۵ کیلو متر گذر گاه کوهستانی مهم و قابل ملاحظه ای را که بعد ها میبایستی محل عبور سایر لشکر ها قرار گیرد تصرف کرده و در حقیقت جلو داری سایر واحد

های دیگر را بعهده گیرند .

بر خلاف شب که هوا خیلی سرد و غیر قابل تحمل بود اکنون چگونگی اوضاع جوی رو به بهبود گذارده و درجه حرارت در ارتفاع ۵۰۰ متر ۶ درجه بالای صفر را نشان می داد . راه پیمائی در يك ناحیه کوهستانی آنهم با وسائل جنگی زیاد کار مشکلی بود ولی هیچ چاره ای نبود و این مأموریت بایستی انجام شود .

در بلندی ۶۵۰ متر قسمتهای هموار کوه کمی زیاد تر شده واحدهای دولشکر توانستند کمی از آوردن فشار بهمديگر دست کشیده و خط دشتبان وسیع تری را تشکیل دهند سازمان این دولشکر که بعنوان جلو دار مأموریت ویژه داشتند از نظر جنگی نقصی نداشت ولی در هیچ يك از قسمتهای آن موتور بنظر نمی رسید آتشبار - های توپخانه کوهستانی مسلسل های ضد هوایی و توپهای ضد ارابه و سایر آلات - جنگی خود کار همه بدون استثناء بوسیله قاطر ها حمل میشدند یعنی بغیر از اینهم چاره نبود .

در این نقطه کوهستانی که سنگهای بزرگ بنفش رنگ سر با آسمان کشیده و دره های عمیق در هر طرف خود نمائی میکرد بجز قاطر با هیچ وسیله دیگر حمل اسلحه و مهمات مقدور نبود ...

با اینکه محل حرکت سر باز ها خیلی هم برای راه پیمائی تند مناسب نبود با وجود این در مدت يك ساعت و نیم ۱۲ کیلو متر در پیچ و خم کوه پیشروی شده ولی با هیچیک از واحدهای طرف مقابلهی رخ نداده و بر خورد نشده بود .

ابر زیادی همه جا را گرفته و تشخیص نواحی دور دست بویژه تنگه کوهستانی را که بایستی اشغال شود دچار زحمت ساخته بود بنا بود بمنظور اکتشاف و اطلاع از موضع طرف هوا پیمایهای شکاری مورد استفاده قرار گیرند ولی هنوز این ماشینهای تیز پر نرسیده بودند بهمین جهت نگرانی زیادی بهمه دست داده و بیشتر سر بازان در این فکر بودند که مبادا غفلتاً مورد حمله توپخانه دور زن یا بمب افکن های ایتالیا قرار گیرند چیزیکه مسلم بود اینکه لشکرهای ایتالیا خیلی هم از این نقطه دور - نیستند و قطعاً برای نگهداری این معبر پر اهمیت کوهستانی که با تصرف آنجا جلگه

وسیعی مورد خطر واقع میشد یا فشاری خواهند کرد .

راه پیمائی هم چنان ادامه داشت افراد دو لشکر با دوستون درازی که تشکیل داده بودند تقریباً فاصله ۶ کیلومتر از این قطعه کوهستانی را فرا گرفته و با آرامش کاملی در حال استتار پیمش میرفتند سکوت مطلق در سرتاسر کوهستان حکمفرما بود تنها صدای منظم پای سربازان و قاطرها این آرامش نا بهنگام را بهم میزد هوا خیلی سرد نبود ولی شروع باد سردی که از سمت جلو «جلگه» وزیدن گرفته بود تا اندازه مزاحم افراد شده بود .

ساعت ده صبح پس از ده دقیقه استراحت باز راه پیمائی آغاز گردید همه افراد آماده بودند که بیک فرمان خیز برداشته و در پشت سنگهای بزرگ موضع گرفته و به تیراندازی شروع کنند زیرا همه آنها بخوبی میدانستند که این منطقه خیلی هم امن نیست و در هر لحظه ممکن است هزاران خمپاره و کلوله و بمب بر سروروی آنها فرو ریزد .

در تمام این مدت همه چشمها با آسمان دوخته شده و نگران خاور و باختر بودند در هر دقیقه احتمال میرفت واحدهای چندی از نیروی هوائی خودی و یا دسته ای از بمب افکنهای ایتالیا در این قسمت از آسمان پیدا شده و محل دولشکر را اکتشاف نمایند ساعت ده و نیم صبح که هوا هم خیلی روشن و صاف نبود و تکه های بزرگی از ابر های تیره رنگ در آسمان بحرکت آمده و در اثر وزش باد باین سوی و آنسوی روان بودند ناگهان یکدسته بمب افکن که از ۱۵ هواپیما تشکیل یافته و بشکل مثلث در آسمان پرواز میکردند از پشت ابرها بیرون آمده و همچنان پیش می آمدند لحظه دیگری ۱۲ هواپیمای دیگر که تندتر از دسته اول پرواز میکردند و معلوم بود که شکاری میباشند در گوشه دیگر آسمان در بالای قله کوه (۲۴۵۰ متر ارتفاع) پیدا شدند .

این هواپیماها همه شان به نیروی هوائی ایتالیا اختصاص داشت زیرا بنا نبود برای راهنمائی دو لشکر یونانی ۲۷ هواپیمای بمب افکن و شکاری پرواز کنند ، بیدرنک به تمام واحدها دستور داده شد خود را برای مقابله با حمله هوائی آماده

ساخته و در پشت سنگها موضع نگیرند ، با وجود اینکه نهایت چالاکی بکار بسته شد و سربازها با منتهای سرعت خود را پشت سنگهای بزرگ مخفی ساختند با اینحال سه تا از شکاریها که تقریباً در حدود ۱۰۰۰ پا بلندی پرواز میکردند جنبش واحد ها و بویژه قاطرها را تشخیص داده و چگونگی امر را به بمب افکن ها اطلاع دادند . بلافاصله بمب افکنها بحمله سختی که هیچ انتظار نمیرفت شروع کردند شکاریها با مسلسل های خود و بمب افکنها با بمبهای آتشزا و انفجاری خود بواحد های پیاده که در پناه سنگهای بزرگ جا گرفته بودند حمله بردند . صدای تیراندازی شدید و انفجار بمبها هنگامه عجیبی در این ناحیه کوهستانی برپا کرده بود .

قاطرها که هیچوقت با چنین پیش آمدی روبرو نشده بودند سخت مضطرب شده و در صدد فرار بودند در همین هنگام چندمسلسل ضد هوایی در پشت يك سنگ بزرگ موضع گرفته و هوا پیمایها را بباد آتش گرفته بود خونسردی چند واحد جلوی به هنگهای عقبی اجازه داد بدون اینکه خود را ببازند در مقام دفاع برآمده و با وسایلی که در اختیار دارند بسوی ماشین های پرنده دشمن شلیک کنند .

در مدت چند ثانیه این ناحیه کوهستانی به يك میدان کارزار بزرگی تبدیل یافته بود .

درحینى که حمله بمب افکن ها با پشتیبانی شکاریها ادامه داشت چند نیروی هوایی یونان در کنار افق پیدا شدند که با سرعت زیادپیش میامدند اینها همه شکاری بودند و بنا بر این میتوانستند بوجه خوبی در مقام مبارزه برآمده دست کم هواپیماهای ایتالیا را از میدان در کنند ولی برخلاف پیش بینی کار به آنجاها نکشید و رزم هوایی صورت نگرفت زیرا بمحض اینکه هواپیماهای مهاجم نزدیک شدن هواپیماهای یونان را دیدند چون بمبهای خود را ریخته و باندازه کافی دولشکر را از انجام اموریت باز داشته و از همه مهمتر محل حرکت آنها را تشخیص داده بودند باین جهت مراجعت کرده و پیش از اینکه با شکاریهای یونان روبرو شوند راه فرودگاه خود را پیش گرفتند . محل حرکت دولشکر تشخیص داده شده و ادامه راه پیمائی در همان مسیر تقریباً برخلاف عقل و نقشه جنگی بود بهمین جهت بیدرنك بهمه واحدها دستور

داده شد در حدود ۴۰۰ متر بطرف قله کوه صعود کرده و از آن پس راه دیگری را بمنظور رسیدن به هدف پیش گیرند .

درپناه مه و ابرهای متراکم

واحد های دولشکر بیدرنك با اجرای دستور رسیده شروع نمودند ولی چهار صد متر بالا روی بطرف قله کوه و رسیدن به آن محل امن تر خود کار مشکلی بود ولی هیچ چاره ای نبود در مقابل اکتشاف هوائی طرف انجام این نقشه از هر جهت ضروری بنظر میرسید ساعت ۱۲ ظهر این حرکت دورانی دره پیچ و خم کوه شروع شده و تقریباً در حدود یک ساعت طول کشید همین چهار صد متر بالا روی کافی بود که واحد های هر دو لشکر را درپناه مه غلیظ و ابرهای متراکم قرار دهد از این همه افراد در پناه بودند و نیروی هوائی طرف باین زودیها نمیتوانست مزاحم عملیات جنگی آنها بشود .

معبری که بنا بود بوسیله دولشکر جلو دار تصرف شود از نظر جنگی خیلی اهمیت داشت . زیرا این گذرگاه کوهستانی کاملاً به جلگه وسیعی مسلط بود و با در دست داشتن این نقطه مهم توپخانه کوهستانی قسمت زیادی از این جلگه را میتواند مورد تهدید قرار داده و از جنبش ستونهای طرف جلوگیری کند .

نخستین برخورد توپخانه ها

ساعت ۲ بعد از ظهر واحد های جلو پس از استراحت آغاز حرکت کرده و در نظر داشتند تا شب فرا نرسیده خود را به ۸ کیلو متری هدف رسانیده و با توپخانه کوهستانی بحمله دست زنند در بلندی ۱۰۰۰ متر هوا خیلی سرد تر بنظر میرسید در قسمتهای بلند تر کوه نخستین برف زمستان دیده میشد و همین توده های سفید ثابت میکرد که عملیات جنگی از این پس با بکرشته اشکالات طبیعی روبرو شده و خیلی هم بسرعت پیشرفت نخواهد کرد .

سربازها بخوبی حس میکردند که باید خود را برای يك جنگ ممتد موسمزستانی آماده کنند در این کوهستان پیشروی میکردند ولی معلوم نبود کی و چه روزی و با چه شرایطی مراجعت خواهند کرد . . .

هر اندازه که پیشروی ادامه می یافت مه غلیظتر شده و به تیرگی ابرها افزوده میشد بطوریکه واحدها در پیچ و خم راه های باریک و سخت کوه بتشخیص همدیگر قادر نبودند چون ممکن بود خطری پیش آید موقتاً از راه پیمائی صرف نظر شد ولی هنوز چند لحظه نگذشته بود که چهار خمپاره بزرگ زوزه کشان از بالاسر سربازها رد شده و در ۲۰۰ متری عقب منطقه حرکت دولشکر زمین خورد معلوم بود که واحد های هوائی حرکت و ناحیه تمرکز دولشکر را بتوپخانه کوهستانی ایتالیا خبر داده اند.

در دومین مرحله تیر اندازی خمپاره ها تقریباً در ۱۰۰ متری سربازها منفجر شد.

بیدرنک تمام واحد های پیاده آرایش دفاعی بخود گرفته و در پشت سنگهای بزرگ مخفی شدند ولی توپخانه کوهستانی موضع گرفته در مقام پاسخ بر آمد در حدود سه ربع تمام تیر اندازی بسیار شدیدی بین توپخانه دو طرف رخ داده از آن پس سکوت کاملی در این جبهه کوهستانی حکم فرما شد. چنان بنظر میرسید که مدافعین « پو کردات » و ارتفاعات ۲۱۵۰ بیش از وقت حسابهای خود را کرده و مناطق لشکر کشی مهم را اشغال کرده اند. زیرا ستونی که بتصرف « کرتیزا » موفق شده بود مأموریت داشت بطرف « پو کردات » و بلندیهای ۲۱۵۰ پیشرفته و مقاومت واحد های طرف را درهم شکنند...

این دولشکر که در مقابل گذرگاه کوهستانی توقف کرده و دست بکار جنگ شده بودند جلو دارهای همین ستون بودند. در صورتیکه ستون دوم واحدهای یونان پس از انجام يك سلسله نبرد های سخت در نواحی کوهستانی پیندوس و راندن واحد های طرف بسوی پریمتی مأموریت داشت بدژ جنگی « تومورتیزا » در بلندی ۲۴۵۰ که تقریباً ارتفاعات مرکزی آلبانی را تشکیل میدهد نزدیک شود.

ستون سوم نیز پس از انجام نبرد های شدید در ناحیه اپیر بسوی بندر سانتی کراتتا حرکت و از آنجا میبایستی روی جاده کرانه به طرف شیا ما را پیش رود... ساعت ۵ بعد از ظهر یعنی پس از دو ساعت سکوت باز توپخانه ها به تیر اندازی

شروع کردند و چون تیراندازی خیلی شدید بود باین جهت خیلی زود پایان یافت و در ضمن صدای موتور هواپیما ها نیز بگوش میرسید ولی ابرهای تیره و مه زیاد که سراسر کوهستان را احاطه کرده بود مانع از تشخیص این مرغهای پولادین پسر بود در هر حال بود و نبود آنها چندان تأثیری در طرز نبرد این دو لشکر جلودار نداشت زیرا در ناحیه کوهستانی پیدا کردن هدف خیلی مشکل بود و بمب افکن ها نمی توانستند آنچه‌نانکه شاید و باید وظیفه خود را انجام دهند.

پس ازدومین مرحله تیراندازی سکوت کامل همه جا را فرا گرفت بواسی بواش شب فرا رسیده و واحد های جنگی را از هر نوع جنبشی باز داشت.

شش روز جنگ در ناحیه کوهستانی

شب فرا رسیده و تاریکی وحشت انگیز آن همه جای میدان جنگ و نواحی کوهستانی را میپوشاند. توپخانه ها دست از تیر اندازی برداشته و لسی پیوسته مراقب اوضاع و حاضر به تیر بودند. جبهه کوهستانی بر خلاف جلگه های وسیع شگفت زیادی در افراد تولید میکند. شب هنگام که تاریکی همه جا را فرا میگردد سنگ های بزرگ و کوچک مانند سایه افراد متحرکی جلوه گر شده و ای بسا باعث تیراندازی بی خودی و بکار افتادن مسلسل ها میشود. افرادی که در يك چنین منطقه جنگی بیاسداری شبانه كمارده میشوند. بایستی خیلی تیزبین، حساس، خون سرد بوده و سنگ را بجای سرباز واحدهای دشمن مورد شلیك قرار ندهد.

بر حسب تصادف يك چنین پیش آمدی شب هنگام رخ داد. ساعت ۱۱ بعد از ظهر پس از عوض کردن پاسدار ها افسر نگهبان دستور های لازم را بگروهبان پاسدار داده و در پشت سنگ بزرگی مشغول استراحت شد. سکوت کامل در همه جا حکم فرما و تاریکی محض سراسر کوهستان را فرا گرفته بود. پاسدار پس از کمی گردش در ۲۰۰ قدمی سایه مبهمی را تشخیص داده که در پناه سنگها پیش می آید. آیا یکی از افراد دشمن است که در دل شب تصمیم بدستبرد جنگی گرفته ؟ چون گروهبان پاسدار و سایر افراد گروهبان پاسداری در حدود ۸۰ متر از منطقه این سرباز دور بودند بدون اینکه چگونگی امر را اطلاع دهد با تفنگ بشلیك شروع میکند صدای

تیر اندازی در تمام اردو پیچیده و بلا فاصله يك هنك به تیر اندازی دست میزنند . نورافکن ها بکار افتاده و همه خطوط جلو را روشن و بجستجوی سرباز های طرف دست میزنند ولی بجز سنگهای سیاه نشکن جز دیگری بنظر نمی رسید . سرانجام پس از بازجوئی های زیاد معلوم شد که سایه مبهم متحرك مورد نظر سرباز پاسدار جز يك تخته سنگ سیاه چیز دیگری نبوده است در نتیجه يك بی مبالانی در حدود ۳۵۰۰۰ فشك و مقدار زیادی برق و نیروی بدنی بمصرف رسید در صورتیکه کوچکترین سودی از این همه کار بدست نیامد تنها نتیجه این عمل بی خوابی و بیدار ماندن تمام افراد تا بامداد بود .

بمحض اینکه هوا روشن شد جنبش واحدها ارتفاع شروع شده و دو گردان بمنظور اکتشاف بطرف معبر کوهستانی فرستاده شد . پس از یک ساعت خبر رسید که چند ستون بزرگ از واحدهای طرف در حال پیشروی بطرف این ناحیه کوهستانی هستند و تیر اندازی بین دو گردان و آنها آغاز گشته است برای تقویت موقعیت دو گردان بیدرنگ دو هنگ پیاده و چهار آتش بار کوهستانی بطرف خط آتش فرستاده شده و سایر قسمت های دو لشکر نیز آماده حرکت شدند .

در ضمن به عمده قوای یونان که از عقب سر بحر کت آماده بوده خبر داده شد تا میتوانند در راه پیمائی عجله کرده و بسرعت مواضع جنگی را اشغال کنند . ساعت ۹ صبح خطر آتش هر دو طرف تقریباً ثبت شده و توپخانه کوهستانی بتیر اندازی بسیار شدیدی دست زد .

غرش موتور هواپیما های بمب افکن و شکاری و صدای گوش خراش توپخانه و مسلسل های سنگین و سبك حاکی از شدت رزمی بود که در این ناحیه کوهستانی میان سنگها شروع شده بود هر لحظه خمپاره بزرگی بیک قسمت از کوه بر خورده و تکه های بزرگ سنگ باین طرف و آنطرف پرتاب میکرد .

بمب افکن ها در این جبهه کوهستانی نیز هنرنمایی کرده و محل تمرکز و حرکت و پناهگاه های واحدها را بمباران کرده و بباد مسلسل خود میگرفتند ۰۰۰ ولی توپهای سبك ضد هوائی و مسلسلها نیز در خدمت کردن به بمب افکن ها از هیچ

گونه فداکاری روگردان نبودند و گلوله های آنها پیوسته سد آتش خطرناکی در جلو بمب افکنها تشکیل میداد .

رزم هوایی

پس از سه ساعت تیر اندازی و جنگ معلوم شد که پیشروی در این قسمت از جبهه جنگ خیلی مشکل است ولی با يك شرط انجام پذیر است و آن اینکه واحد های کمکی زیادی بقسمت های مأمور خط آتش ملحق و حمله را از سرگیرند . بهمین جهت هر دو جبهه از تیر اندازی دست برداشته و مثل این بود که منتظر رسیدن واحد های نیرومندی هستند ، ولی بمب افکنهای ایتالیا همچنان پیرواز خود ادامه میدادند .

ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۱۳ شکاری یونان که برای برگشت بجبهه اعزام شده بودند در بالاسر واحد های دو لشکر پیرواز آمده و کمی نیز بطرف پائین تر خطوط ایتالیا آنها پیش رفتند در این هنگام دو دسته نیرومند بمب افکن و شکاری طرف در گوشه افق پیدا شده و باین هواپیماها نزدیک میشدند ، جنگ غیر قابل احتراز بود و شکاری های یونان مجبور بودند دست بکار دفاع و حمله « هردو » شوند .

درست ۱۵ دقیقه بعد این ماشینهای تند رو بیالاسر یکدیگر رسیده و از فاصله زیاد بتیر اندازی شروع کردند .

طرز پرواز شکاریها و سرعت شگفت انگیز بمب افکن ها و تیر اندازی شدید آنها هنگام غریبی در آسمان ایجاد کرده بود . ۱۵ دقیقه دیگر این رزم خونین در حالیکه شش هواپیمای شکاری دو طرف سرنگون شده بود پایان پذیرفت در این گیرودار چند بمب افکن فرصت کرده مهمات و بمبهای خود را در منطقه جنگ فرو ریختند ولی خسارت جزئی وارد آمده و یکی از توپهای کوهستانی از کار افتاد . رزم در آسمان نیز پایان یافته و آرامش مرکبای سراسر جبهه را فرا گرفت .

در انتظار واحد های کمکی

پیش از رسیدن واحد های کمکی دست زدن بهر گونه عملیات جنگی برخلاف احتیاط بود باین جهت نه تنها لشکرهای ایتالیا از فشار شاید خود دست برداشتند بلکه

واحد های یونان نیز حالت دفاعی بخود گرفته و در انتظار رسیدن واحدهای کمکی که خبر حرکت آنها اطلاع داده شده بود بسر میبردند دومین شب این ناحیه کوهستانی آغاز شده و تاریکی همه جا را فرا گرفته بود نتیجه پیشروی و جنگهای ۴۸ ساعت اخیر تقریباً هیچ بود زیرا با اینکه مهمات زیادی بمصرف رسیده بود ولی از نظر جنگی هیچگونه پیروزی مهم که در پیشرویهای بعدی مؤثر باشد بدست نیامده بود. با فرارسیدن شب و تاریکی و بیدایش ابرهای تیره که سراسر افق جبهه را پوشانده و حتی يك ستاره هم برای نمونه در آسمان پیدا نمیشد با افراد دواشکر جلو دار اجازه داده شد استراحت کنند و از هیجان اعصاب خود که از ۱۲ ساعت پیش باینطرف بدست امواج جنگ سپرده شده بود جلوگیری کنند در جبهه جنگ آرامش بسیار کم نیز در روحیه سرباز تأثیر بسزائی دارد بدین مناسبت بمحض اینکه صدای گوش خراش توپخانه جبهه رو بخاموشی رفت و وقفه در امور رزم پدیدار گشت سرباز ها در هر جا که باشند کله پشتی خود را زیر سر گذارده و با استراحت مشغول میشوند این نوع آرامش ولو اینکه خیلی هم موقتی باشد نیروی افراد را تقویت نمود و آنها را برای مقابله با پیش آمد های دوباره آماده میسازد.

در این شب تاریک يك دوره آرامش آنی بلکه چند ساعت استراحت مفصل در اختیار افراد گذاشته بود و همین اندازه آرامش خاطر کافی بود که سربازها فردا بعمليات سخت تری شروع کنند.

شب دوم برخلاف شب پیش هیچ پیش آمدی رخ نداد واحدهای ایتالیا نیز با اینکه از موقعیت و محل استقرار لشکرها یونان اطلاع داشتند به دستبرد جنگی دست نزدند چنان بنظر میآمد که آنها نیز از جنگهای ۱۰۲ ساعته روز خسته شده و در صدد تکمیل وسایل جنگی خود میباشند.

فرمان نیمه شب

ساعت يك بعد از نصف شب رادیو گیرنده و دهنده ستاد لشکر از مرکز دهنده ستاد ارتش یونان فرمانی بشرح پائین دریافت داشت «بیدارنگ حرکت کرده و دست کم ۱۰ کیلومتری شبانه پیشروی کنید سه لشکر دیگر که توپخانه نیرومندی در

اختیار دارند چهار ساعت بعد با شما تماس پیدا خواهند کرد و بنیروی هوائی نیز دستور داده شد بامداد پرواز کرده و بطور مستقیم در جنگ و انجام منظور فرماندهی شرکت جوید^۲.

دستور رسیده بلافاصله از نظر فرمانده ستون گذشته و فرمان حرکت صادر شد. برای اینکه واحدهای طرف از حرکت دولشکر کوچکترین اطلاعی بدست نیاورد دستور داده شد که هنگام و قسمت های مربوطه با تانی و آهستگی تمام حرکت کرده و پس از پیمودن دو کیلومتر راه در امتداد معبر کوهستانی يك حرکت دورانی انجام داده بطرف قله کوه پیش بروند.

انجام این نقشه از نظر جنگی خیلی اهمیت داشت زیرا علاوه بر آنکه واحدهای یونان توانستند بطور مستقیم در عمق جبهه پیشرفته و ده کیلومتر راه پیمائی کنند موفق شدند مواضع بسیار مهمی را بدست آورده و با آتش توپخانه خود «معبر کوهستانی» را که هدف اصلی لشکرهاى جلو دار بود تهدید کنند.

رسیدن واحدهای کمکی

ساعت چهار و نیم بعد از نصف شب دو گردان جلو دار لشکرهاى کمکی بادهسته های عقب دار دو لشکر تماس پیدا کردند. این واحدها با سرعت زیاد از گردنه سختی گذشته و با نشانی دقیقی که از محل حرکت دو لشکر جلو دار داشتند خود را به آنها نزدیک ساخته بودند. ساعت ۶ و نیم که هوا کاملاً روشن شده ولی مه و ابرهای تیره رنگ مانع از نمایان شدن همه قسمت های کوهستانی بود واحدهای یونان تقریباً در بلندی ۱۲۵۰ متر موضع گرفته و آماده برای نبرد بودند.

ساعت ۷ صبح توپخانه کوهستانی مقدمات کار را از هر جهت فراهم آورده و منتظر بود پس از رسیدن دو دسته (۱۸ اتائی) از بمب افکن ها به تیر اندازی شروع کنند. قسمت های بلند کم کم نمایان شده و ابرها با سرعت در پشت قله از نظر دور می شدند. از دور جلگه وسیعی بنظر میرسید که با مه پوشیده شده بود ولی توده های بزرگی از این مه و ابرها نیز در حالت صعود بطرف کوهستان بوده و رفته رفته از روی جلگه رد میشد هوا بی نهایت سرد بود و چنان بنظر میرسید که برف خواهد آمد با وجود

این وقفه در تهیه های جنگی پدیدار نشده و کار ها بطور عادی جریان داشت ساعت ۸ و ربع نخستین دسته بمب افکن ها که علائم جنگی آنها از فاصله خیلی کم بخوبی معلوم بود در بالا سر لشکرهای یونان پیرواز آمدند هنوز طولی نکشیده بود که دسته دوم نیز سررسیده و در فاصله ۳۰۰ متری دسته اول شروع به پرواز بطرف جبهه نمودند ۰۰۰ موقع آن بود که توپخانه کوهستانی آتش خود را روی هدف متمرکز ساخته و حمله را شروع کند .

گذشتن از این ناحیه کوهستانی و تصرف این معبر مهم و دسترس پیدا کردن جلگه از جمله آرزو های افراد این ۵ لشکر بود ولی همه میدانستند که انجام این کار آسان نیست زیرا واحد های نیرومند طرف در انتظار بودند که بمحض تماس با لشکر های دشمن به نبرد های شدیدی دست زنند ساعت ۹ دو دسته بمب افکن که به همراهی چند شکاری پرواز میکردند مأموریت یافتند بطرف هدف پرواز کرده و در صورت امکان از موقعیت و چگونگی وسایل دفاعی واحد های ایتالیا و شماره تقریبی آنها اطلاعی بدست آورده و در صورت لزوم به حمله شروع کنند بنا بود پس از شروع حمله بمب افکن هواپیماهای شکاری اطلاعات لازم را به ستاد ستون برسانند درست ۲۰ دقیقه بعد صدای انفجار های شدیدی در قسمت های پائین کوه بگوش رسیده و معلوم شد بمب افکن ها به حمله پرداخته اند پس از ۱۵ دقیقه اطلاعات لازم بدست آمده و توپخانه پس از يك تهیه طولانی بتیر اندازی آغاز کرد .

بمحض اینکه نخستین گلوله توپ پرتاب شد غرش مخوفی در سراسر جبهه پدیدار گردید و کوهستان بلرزه درآمد . زیرا تمام اسلحه های خودکار ناگهان به تیراندازی دست زده بودند . ولی شگفت انگیز تر از همه این بود که جناح راست واحد های یونان از ارتفاع ۱۵۰۰ متر مورد حمله پیاده نظام قرار گرفته بود . این پیش آمد ناگوار نگرانی زیادی در همه جا ایجاد کرد زیرا میرساند که واحد های طرف آخرین بلندبها را اشغال کرده و از نظر جنگی امتیاز زیادی را بدست آورده بودند . دیگر اجرای نقشه جنگ با آن طرحی که پیش بینی شده بود غیر ممکن

بنظر میرسید . میبایستی لشکر های پیاده و توپخانه کوهستانی بجای تهدید معبر کوهستانی نخست بلندی ها را اشغال از آب پس بانجام سایر قسمت های نقشه دست زدند .

برای موفقیت در این امر لازم بود مقدمه کار فراهم آید زیرا گذشتن از راه های باریک کوهستانی خیلی مشکل بود و گردانهای پیاده و آتشبار ها ممکن بود هر لحظه غافلگیر شده مورد بمباران توپخانه و یا نیروی هوائی قرار گیرند . در این مورد از چگونگی اوضاع جوی استفاده شده و مه و ابر مترا کمی که در گوشه و کنار کوهستان وجود داشت بمنظور پوشش مورد استفاده قرار گرفت چهار صد و پنجاه متر بالا رفتن تقریباً دو ساعت و نیم طول کشید و ساعت ۱۳ چند گردان بارتفاع ۱۶۰۰ رسیده و از آخرین حد مواضع واحد های طرف گذشتند واحدهای کوه نورد این مانور جنگی را با کمال چالاکی بدون اینکه ابراز خستگی بکنند انجام دادند چهار گردان و چند آتشبار مأمور این قسمت شده بودند پس از آنکه بموقع معین رسیدند مراتب بستاد ستون اطلاع داده شده و همه در انتظار بودند که حمله دیگری در سراسر جبهه آغاز گردد .

وزم شبانه

پیشروی در نقاط مرتفع کوهستان و بدست آوردن مواضع جنگی بهتر بواحدهای کوه نورد اجازه داد با بکار بردن مهمات کم بیشینه استفاده را بدست آورده و با گردانهای طرف بمقابله پردازند روز بسرعت پایان می یافت و آغاز شب سوم این ناحیه کوهستانی نزدیک میشد ، مقدماتی که از ظهر باین طرف فراهم آمده بود ثابت میکرد که امشب برخلاف دو شب پیش که نسبتاً آرام بود با سکوت کامل برگزار نخواهد شد .

ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر که هوا به نهایت درجه سردی رسیده بود به دو گردان کوه نورد که بلند ترین قسمت های کوه را در دست داشتند مأموریت داده شد پس از نیم ساعت که تاریکی همه جا را کاملاً فرا گرفت بعملیات دست زده و از دره باریکی که در برابر مواضع واحدهای ایتالیا قرار داشت عبور کرده و بمنظور آزمایش نیروی

مقاومت طرف به تیراندازی و حمله شبانه دست زنند . پس از سپری شدن موعد مقرر دو گردان در پناه سنگها راه افتاده و به عبور از دره تنگ شروع نمودند هیچگونه ارتباطی با سایر واحدها برقرار نبود تنها گلوله های افشان ممکن بود مورد استفاده قرار گیرد . بنا بود پیش از آغاز تیراندازی دو گردان پیاده توپخانه با آتش خود واحدهای پیاده را تقویت نماید بهمین جهت پس از نیم ساعت راه پیمائی به توپخانه خبر داده شد دست بکار شده و به تیر اندازی شروع کند به محض اینکه نخستین گلوله توپ انداخته شد غرش شکفت انگیزی در سراسر جبهه در گرفته و تمام ناحیه کوهستانی بارزه در آمد واحدهای پیاده و آتش بار ها ناگهان به تیر اندازی شروع نمودند با این وضعیت پیشروی قطعی و رسیدن بیک نتیجه مهم امکان پذیر نبود زیرا آتش از هر سوی کوهستان فرو میریخت و از همه بدتر نور افکن های نیرومند بکار افتاده و بیشتر نواحی مظنون را روشن ساخته و جنبش واحدهای پیاده را با دشواری زیادی مواجه ساخته بودند .

در این رزم شبانه توپخانه سهم مهمی داشت و خمپاره های سنگین خود را هر آن بیک جا ریخته و با آتش هولناک خود هر دقیقه قسمتی از کوهستان را هدف قرار میداد ، دو گردان در ته دره باریک موضع گرفته و تگرات اوضاع بودند ، مسئله پیشروی و همچنین باز گشت هر دو با اشکالات فراوانی روبرو شده بود زیرا ممکن بود توپخانه طرف از محل حرکت و چگونگی اوضاع واحدهای پیاده اطلاعی بدست آورده و آتش خود را بدانسوی متمرکز سازد . هوای سرد کوهستانی آغاز زمستان از همه بدتر وزش باد سرد تاریکی مطلق همه اینها دست بدست هم داده و منظره وحشت آوری باین شب بخشیده بود ، خمپاره های بزرگ و کوچک بافاصله های منظم از بالا سر سرباز های پیاده رد شده و در نزدیکی مواضع توپخانه منفجر شده و صدای رعد آسائی در سراسر کوه ایجاد میکرد ، مثل این بود که در تمام قسمتهای این کوه بلند تیراندازی شروع شده است آتشبار های سنگین کوهستانی هر چند دقیقه دست از تیراندازی کشیده و پس از چند لحظه سکوت باز فعالیت خود را از سر میگرفت . تاریکی شب به منتهی درجه شدت خود رسیده و وجود ابر و مه ادامه عملیات جنگی

را از هر جهت مشکل ساخته بود ولی امتیاز جنگی کوچکی بدست آمده و ممکن بود واحد های پیاده پیشروی کرده و به سنگر های طرف نزدیک شوند.

ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر تصمیم گرفته شد نه بطرف عقب بلکه پیشروی بسوی سنگر های طرف آغاز گردد. فرمانده آتشبار های کوهستانی از چگونگی نقشه فرمانده واحد های پیاده اطلاع یافته و با شدت هر چه تهاوتر به تیراندازی دست زد ، شدت تیر اندازی توپخانه واحد های پیاده را در اجرای منظور خود کمک بسیار مؤثری بود زیرا پس از نیم ساعت سرباز ها کوه نورد با تحمل زحمات فراوان از دره بیرون آمده و در پشت تخته سنگهایی قرار گرفتند که تقریباً در ۸۵۰ متری سنگر های طرف قرار داشت ، و اگر با اسلحه های خود کار به تیر اندازی شروع میکردند آتش آن مؤثر بود.

پس از بدست آمدن این موضع مهم تیر اندازی توپخانه هر دو طرف قطع شده و گردانهای پیاده نیز صلاح در آن دیدند عجالتاً از هر گونه عملیات جنگی دست کشیده و منتظر فرا رسیدن بامداد باشند ، رزم سه ساعته شبانه تنها با موفقیت های محلی دو گردان پیاده پایان یافت .

حمله در سراسر جبهه کوهستانی

در ناحیه کوهستانی جنگ با روش خاصی صورت میگرفت که در اینگونه جبهه ها سرباز های کوه نورد واحد های « شاسور » مهمترین نقش را بازی کرده و بکار انداختن چرخ های عظیم نیرو را بعهده میگیرند و لشکر یونانی پس از اینکه مواضع جنگی نسبتاً پر اهمیتی را در مدت سه روز و سه شب راه پیمائی و پشتیبانی توپخانه بدست آوردند چهارمین روز با حمله عمومی در سراسر جبهه کوهستانی آغاز گردید .

هوا هنوز خوب روشن نشده همه جای کوه را ابر های تیره رنگ و مه غلیظی احاطه کرده واحد های آماده بحمله را در پناه خود قرار داده بود سربازان آماده کار بودند زیرا امروز قرار بود بهر نحوی شده پیشروی کرده و بسوی هدف نزدیک شوند برخلاف شب پیش که غرش توپخانه در تمام جبهه پیچیده و صدای گوش خراش آن

همه را بوحشت انداخته بود بامداد امروز جنگ با روش نوینی شروع شد نخست واحد های مقدم خط آتش بیک سلسله تیراندازی مقطع شروع کردند که بلا فاصله بتیراندازی جدی همه واحد ها مبدل شد از آن پس صدای منظم مسلسل های سنگین و سبک نیز بگوش رسید در این هنگام توپخانه دست بکار شد خمپاره های کالیبر بزرگ خود را با فاصله های منظم بطرف مواضع واحد های طرف یرتاب نمود این تیراندازی هر لحظه شدید تر شده و واحد های پیاده در پناه آن به یورش دست زدند پیشروی در پیچ و خم سنگهای بزرگ کار آسانی بود و تیرانداز های طرف هر اندازه هم درکار خود ماهر بودند نمی توانستند کاری از پیش ببرند ولی آتش توپخانه ایتالیا خیلی شدید و سریع بود و باندازه کافی از حرکت دسته جمعی سرباز های پیاده و کوه نورد جلوگیری میکرد در این گیرودار که توپخانه ها سخت با همدیگر در نبرد بودند و مواضع یکدیگر را زیر آتش قرار داده و بمباران مدعشی شروع نموده بودند گردان های هجومی با استفاده از موقع هر آن جلو تر رفته و به هدف اصلی خود که همان « معبر کوهستانی » باشد نزدیک تر میشدند و سائل دفاعی این تنگه باریک خیلی نیرومند بود و همین امر ثابت میکرد که ایتالیائیها باین رهگذر کوهستانی که مسلط بجلگه وسیعی بود، بی نهایت اهمیت میدهند، پس از چهار روز جنگ در ناحیه کوهستانی تازه پیروزی های خیلی جزئی بدست آمده و معلوم نبود از این پس نقشه نبرد چگونه دنبال خواهد شد ولی يك مسئله مشخص بود و آن اینکه حمله عمومی لشکر شروع شده و واحد ها از دو ساعت باین طرف در حال پیشروی بودند.

باد سردی از سمت شمال وزیده و امواج سرد آن مزاحمت همه را فراهم آورده و میرساند که همین روزها نخستین برفهای موسم زمستان کوهستان را سفید پوش خواهد کرد امواج جنگ با تندی زیادی سرباز های یونان را بسوی خود کشانیده و هر روز آنها را از سر زمین کشور دور میساخت آنها برای دفاع از میهن با شتاب تمام همه موانع را زیر پا گذارده و تا آخرین حد آماده فداکاری بودند.

در ضمن اینکه پیشرفت عمومی واحد های پیاده با پشتیبانی آتش توپخانه با تائی ولی با دقت بسیار انجام میگرفت چند دسته از بمب افکن های یونان در آسمان

آلبانی پیدا شده و پس از پیدا کردن هدف در رزم زمینی شرکت نمودند عملیات بمب افکن ها خیلی رضایت بخش بود ولی پیدا شدن چند شکاری ایتالیا نقشه آنها را بهم زد طولی نکشید که نبرد هوایی بسیار جدی رخ داده و دو بمب افکن در حالیکه دود غلیظی از قسمت عقب آنها بلند میشد بسوی دره عمیقی سر ا زیر شد ولی هنوز چند دقیقه سپری نشده بود که یکی از شکاری ها نیز دچار همین سرنوشت شده و روی تخته سنگ بزرگی افتاده و قطعه قطعه شد در حدود ۱۵۰۰ متر پیشروی انجام گرفته ولی در مقابل دو بمب افکن از دست رفته و تلفات مختصری نیز بواحد های پیاده وارد آمده بود در میدان جنگ بجز تلفات و مرگ و کشته شدن نباید چیز دیگری مورد نظر باشد همین جهت هنگامی که در مقابل تلفات جزئی بیشینه پیروزی بدست می آید زمامداران جنگی این نوع عملیات جنگی را بقال نیک میگیرند.

ساعت ۱۲ ظهر بدون اینکه وقفه ای در امور جنگی رخ دهد گردانهای پیاده از يك گذرگاه بسیار باریک عبور کرده و در حالیکه آتشبارهای ایتالیا سخت بمب باران شروع کرده بودند در حدود ۲۰۰ متر دیگر پیشرفت کردند ولی در این حد آتش توپخانه طرف شدید تر شده و گردان های پیاده خط دشتبان وسیعی در پشت سنگها تشکیل داده و حالت دفاعی بخود گرفتند روز چهارم نیز دو کیلو متری بسوی هدف جلو رفته و همچنین شب نیز در این محل توقف کردند.

عبور از گذرگاه کوهستانی

پس از شش روز پایداری سر انجام واحد های یونان موفق شدند گذرگاه کوهستانی را تحت تسلط خود قرار داده رواحدهای پیاده و توپخانه خود را از آنجا عبور دهند، این پیشرفت با اینکه به کندی صورت گرفته و با تلفات نسبتاً مهمی توام بود با وجود این از نظر جنگی ارزش بسیاری داشت زیرا گذرگاه کوهستانی تقریباً کلید جلگه وسیعی بشمار می رفت که به «آرژبروکاسترو» بزرگترین جنگی نظامی آلبانی منتهی میشد واحد های طرف با وجود مقاومت سختی که در روز های نخست از خود نشان میدادند پس از دست دادن گذرگاه مورد بحث در پی تهیه خط دفاعی

مستحکمی بر آورده و مقدار زیادی عقب نشینی کردند. گاهی در پشت تپه ماهورهای این جلگه پایداریهائی دیده میشد و با اینکه کمی دامنهدار بود با اینهمه واحدهای یونان را از انجام نقشه باز نمیداشت.

سه ستون از واحدهای یونان همچنان به پیشرفت خود ادامه میدادند و چون لشکرهاى ایتالیا ایستادگی جدی نمیکردند چنان بنظر می رسید که ستاد ارتش ایتالیا تصمیم گرفته پس از يك سلسله عقب نشینی و کشیدن واحدهای یونان بداخل آلبانی با تهیه وسعتی که خواهد دید بحمله متقابله سخت شروع کند.

ستون اول ارتش یونان که پس از بدست آوردن « کرتیزا » و پایان دومین مرحله جنگ بسوی پو کردات و بلندی های ۲۱۵۰ حرکت کرده بود پس از انجام نبرد های خونین و بردن رنجهای فراوان « پو کردات » را که موقعیت جنگی بسیار مهمی دارد اشغال نمود و در بلندی های ۲۱۵۰ موضع گرفتند.

ستون دوم که در بخش « پیندوس » حرکت کرده پس از درهم شکستن نیروی ایستادگی واحدهای طرف بسوی « پریمتی » و دژ جنگی « تومورتیزا » ۲۴۰۰ که بلندیهای مرکزی آلبانی را تشکیل میداد حرکت کرده بود ۱۱ روز پس از سقوط « پو کردات » به هدف خود رسیده و این دو موضوع مهم را اشغال نمود.

پس از انجام این سلسله عملیات جنگی سومین مرحله جنگ ایتالیا و یونان پایان یافت - در حالیکه واحدهای یونان بمناسبت بدست آوردن دومرکز مهم جنگی « کرتیزا » و « آرژیروکاسترو » امتیاز زیادی بدست آورده مهمات و اسلحه زیادی بچنگ آنها افتاده بود.

در ضمن بدورشته کوهستانی مهم « کامی » در خاور آلبانی و « پریمتی » در مرکز دست یافته نقاطی از سرزمین آلبانی را تحت تسلط خود قرار دادند که در انجام نقشه های جنگی آینده تاثیر بسزائی داشت.

در نتیجه این عملیات جنگی در حدود يك چهارم سرزمین آلبانی اشغال شده و بندر والونا که مهمترین بندر جنگی بود مورد حمله های هوائی سختی قرار گرفت این تنها بندری بود که واحدهای جنگی ایتالیا میتوانستند در آنجا پیاده شوند و بداخل

آلبانی رهسپار کردند.

در خلال این روزها که واحدهای ایتالیا در آلبانی عقب نشینی کرده و در مواضع جدیدی استقرار بسته بودند رزمهای خونینی نیز در افریقای شمالی رخ داده و آنجا نیز لشکرهاى سرلشکر (ویبول) به پیروزیهایى نائل آمده بودند و این امر منجر به تغییرانی در ستاد ارتش ایتالیا گردید.

مارشال بادو کلیو از مقام خود کناره گیری کرد و فرمانده نیروی دریائی این کشور نیز عوض شد و سرلشکر کابلرو بجای بادو کلیو برگزیده شد و بیدرنك بجبهه آلبانی رفت و زمام امور جنگی را بدست گرفت.

مرحله چهارم جنگ

پس از پیروزیهایى که واحدهای یونان بدست آوردند بر خلاف پیش بینی محافل صلاحیتدار در چهارمین مرحله جنگ لشکرهای یونان نتوانستند سرعت هدف های خود را تصرف کرده و عملیات جنگی را تکمیل نمایند در حقیقت پس از پایان سومین مرحله نبرد پیشروی واحدهای یونان خیلی کند شد زیرا محل حرکت لشکرها کوهستانهای سخت کذر و بلند بود که بواسطه فرا رسیدن موسم زمستان بیشتر جاهای آن باچند پا برف پوشیده شده و شدت سرما و ایرهای تیره رنگ دائمی از پیشرفت امور جنگ بکلی جلو گیری میکرد. لشکرهای پیاده و توپخانه کوهستانی هفته های متمادی در میان برف و طوفان سخت محصور مانده و بانجام هیچ گونه عملیات جنگی قادر نبودند رساندن خوار و بار و لوازم جنگ خیلی مشکل بود زیرا لشکرهای یونان ضمن پیشروی تند خود بلندبهای مهمی از کوهستانهای مرکز آلبانی را بدست آورده مجبور بودند برای نگهداری آنها فداکاری نمایند و چون جاده شوسه منظم و وسایل باربری تند رو در دسترس نبود باین جهت جبهه جنگ بیشتر اوقات ساکت و خاموش بود تنها برخی اوقات توپخانه ها به نیر اندازی پرداخته و در نتیجه انفجار خمپاره ها بهمن های مصنوعی در نقاط کوهستانی بوجود می آمد. در این سرمای شدید مهمترین خدمت جنگی بمهده قاطرها و اکدار شده و این چهار پاهای جسور بیشتر نیازمندیهای واحدهای جبهه را برطرف می ساختند.

ایستادگی ایتالیاییها

پس از تغییراتی که در ستاد ارتش ایتالیا رخ داد واحدهای کمکی زیادی بآلبانی فرستاده شد از آن پس روش جنگی لشکرهاى ایتالیا عوض شده و ایستادگی آنها شدت پیدا کرد، چون خطر بزرگی سراسر آلبانی را تهدید میکرد و اگر لشکرهای یونان در چهارمین مرحله نبرد نیز بییشرفت های سریع و سهل نائل میشدند اوضاع لشکر کشی این سامان بکلی عوض میشد باین جهت گردانهای کوه نورد ایتالیا باحرارت بیشتری داخل میدان کارزار شدند و در سراسر جبهه یونانی ها را متوقف ساختند.

در دره های (اشکوبی) (دولی) (کلی سرا) جنگهای خونینی رخ داده و تلفات زیادی بهر دو طرف وارد آمد. این ایستادگی جدی واحدهای یونان را از وصول بههدف باز داشت.

و اینها فقط به اشغال (کیا مارا) که در ۳۵ کیلو متری بندر مهم (والونا) قرار دارد موفق شدند. سرمای سخت زمستان و افتادن برف های سنگین که در برخی از بخش های این سر زمین بچند متر میرسید از این پس ازیشرفت عملیات جنگی هر دو طرف جلو گیری نمود در دومین ماه زمستان سه ستون واحد های یونان که از هر جهت نیرومند بودند و واحدهای کمکی بسیاری بآنها رسیده بود بشرح پائین پیشروی خیلی کندی انجام میدادند.

(۱) يك ستون از (یوگرا دتز) بسوی (الباسان)

(۲) ستون دیگر (که ستون مرکزی نامداشت) از رشنه (نرادتیزا) که در

حقیقت قلب آلبانی بشمار است بطرف (برات)

(۴) ستون سوم که جناح چپ واحدهای یونان را تشکیل میداد از کرانه

(سانتی کارانتا) (کیا مارا) بطرف بندر مهم (والونا) پیش میرفت.

ستاد ارتش یونان با اینکه بموفقیت های زیادی نایل آمده بود با وجود این

از سرانجام نیروهای آلبانی نگرانی داشت بهمین جهت سعی میکرد در همان موسم

زمستان از نظر جنگی امتیاز بیشتری بدست آورد و تهدید واحدهای ایتالیا را

بکلی دور کند بدین مناسبت به عملیات جنگی ستون مرکزی که میبایستی بلندی های مهم (تروئیزا) را که در ۲۴۰۰ متری است اشغال کنند خیلی اهمیت می داد .

واحد های یونان بر خلاف دومین و سومین مرحله جنگ در چهارمین مرحله جنگ با سرمای بسیار شدید و طوفان های برف و ایستادگی شدید گردانهای ایتالیا روبرو شدند و چون نزدیک شدن لشکر های یونان به (والونا) بندر مهم و جنگی (دورازو) را که بیشتر نیازمندیهای ارتش ایتالیا از آنجا بر طرف میشد مورد تهدید قرار داده بود بدین جهت واحد های ایتالیا با شهادت بسیاری در برابر یونانی ها - جنگ می کردند. بهمین جهت لشکر های یونان تا روزی که لشکر های آلمان در جنگ دخالت کردند بموفقیت مهمی نایل نیامدند .

بخش دوم

جنگ در افریقای شمالی

از آنجائی که جنگهای افریقای شمالی با پیش آمد های سیاسی در بالکان و جنگ کشور های محور با یوگوسلاوی و یونان از نظر لشکر کشی رابطه مستقیمی داشت بدین مناسبت جریان جنگهای این سامان نیز بطور خلاصه از روزی که دولت ایتالیا داخل جنگ شد مورد بررسی قرار میگیرد. برای اینکه در این باره اطلاعات دقیق تری در دسترس قرار گیرد نخست دریای مدیترانه و اوضاع لشکر کشی و چگونگی وضعیت گذرگاههای این دریا و اهمیت آن در جنگ کنونی یاد میشود و از آن پس بشرح اصل موضوع میپردازیم.

اهمیت دریای مدیترانه از نظر لشکر کشی.

تا روزی که دولت ایتالیا داخل جنگ نشده بود دریای مدیترانه آرامتر و - ملایمتر از همیشه بنظر میرسید ولی بمحض اینکه در روز ۱۷ ماه ژوئن ۱۹۴۰ دولت ایتالیا بفرانسه و انگلیس آگهی جنگ فرستاد و دوش بدوش آلمان در جنگ اروپا شرکت نمود آن صلح و آرامش ممتد دریای «رم» از بین رفته و طوفان جنگ این دریا را دستخوش آشفتهگی نمود.

دریای مدیترانه از آن جهت که در میان سه قاره بزرگ قرار گرفته و آنها را بهم دیگر مربوط میسازد اهمیت بسیار دارد و راه دریائی بزرگی بدرازای دوهزارمیل از آن میگذرد که با راه دریائی دریای سیاه ب سه هزار میل بالغ می شود. سه قاره بزرگ آسیا و اروپا و افریقا در نقاطی از کرانه های این دریا قرار دارند و با سهل ترین وسیله بیکدیگر مربوط می شوند.

روز ۱۷ ژوئن ۱۹۴۰ هنگامی که دولت ایتالیا داخل جنگ شد و پس از چند روز فرانسه با امضای پیمان متار که جنگ از نبرد با کشور های محور دست کشیده امتیاز جنگی بسیاری از نظر لشکر کشی نصیب دولت ایتالیا شد و این کشور همه واحدهای دریائی خود را برای مقابله با نیروی دریائی انگلیس

آماده ساخت. در مستعمره های آفریقائی نیز ایتالیا از پیش آمد اخیر استفاده کرده و توانست بجای اینکه بالشکریان فرانسه و انگلیس داخل نبرد شود واحد های زمینی و هوائی و دریائی خود را تنها برای حمله بجبهه لشکر های انگلیس آماده سازد. کشیده شدن جنگ بافریقا و مسئله باربری در دریای مدیترانه که اساس جنگ در افریقا را تشکیل می دهد بار دیگر مسئله در دست داشتن گذرگاه های مهم این دریا را پیش کشید زیرا برای ادامه جنگ و بدست آوردن پیروزی قطعی در این جبهه های پهناور تسلط بر مناطق لشکری مهم دریای مدیترانه از ضروریات است بهمین جهت از روزیکه دریای رم منطقه جنگ اعلان شد، تمام نبرد های دریائی و هوائی بزرگ و کوچک که در این دریا رخ داده تنها برای منظور بالا بوده است و پس پس بنا بر این جا خواهد داشت که مراکز مهم لشکرکشی و گذرگاه های دریای مدیترانه یکایک مورد بررسی قرار گیرد.

۱ - تنگه جبل الطارق

تاریخ جبل طارق از هزار و دویست سال پیش آغاز میگردد. در این سال نیروی اعراب به فرماندهی طارق نام پس از عبور از گذرگاه باریک دریای مدیترانه شبه جزیره اسپانیا را بدست آورده و سران «کت» را از این سرزمین بیرون کردند و بیاد بود این پیروزی درخشان تخته سنگ بزرگی که نیروی اعراب در کنار آن پیاده شدند بنام طارق فرمانده سپاهیان اعراب موسوم گردیده و از آن تاریخ این گذرگاه باریک که دریای آرام مدیترانه را با اقیانوس خروشان اطلس مربوط میسازد جبل طارق خوانده شد.

از آن زمان تا کنون جبل طارق سه مرحله تاریخی مهم را پیموده است از سال ۷۱۱ تا ۱۶۴۲ یعنی در حدود هفت سده و نیم جبل طارق در دست اعراب بود.

از سال ۱۴۶۲ تا ۱۷۰۴ یعنی در حدود دو قرن و نیم دولت اسپانیا در - این سرزمین فرمانروائی میکرد از ۱۷۰۴ تا امروز این تنگه مهمترین کلید نیروی دریائی انگلیس در اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه بشمار میرود.

با کمی توجه و دقت به نقشه دریای مدیترانه این نکته روشن میشود که گذرگاه جبل طارق مهمترین تکیه‌گاه این دریاست. در نزدیکی این گذرگاه دریائی نواحی دیگری نیز از قبیل « کوتا » و « طنجه » در افریقا و « قادس » در اسپانیا را میتوان بمنزله ایستگاه دریائی بکار برد لیکن هیچ يك از آنها مانند جبل طارق از نظر لشکر کشی و بویژه امور دفاعی مهم و مستحکم نیستند.

دولت انگلیس از دیر زمانی احساس کرده بود که در آب های مدیترانه نیازمند ایستگاه نیرومندی است. در زمان سلطنت خانواده « تودر » کشتیهای بازرگانی انگلیس که بطور مرتب به بنادر دریای مدیترانه آمد و شد میکردند بیشتر اوقات گرفتار دزد های دریائی الجزیره و تونس و اسپانیا و غیره شده و جان و مالشان همواره در خطر بود.

علاوه بر ملاحظه های بازرگانی سبب های دیگری دولت انگلیس را بر آن داشت که بطور جدی درصدد تأمین تفوق خود در دریا بر آید همه میدانند اروپا شبه جزیره ایست که دو دریای مهم در شمال و جنوب آنرا محدود میکند نالو - هائیکه که تکیه گاه آنها کرانه های انگلیس بود بخوبی بر دریا های شمال اروپا مسلط بودند لیکن برای آنکه انگلیس در هنگام خطر بتواند ارتباط اروپا را با جهان خارج کاملاً قطع نماید لازم بود که بر دریای مدیترانه مسلط گردد.

در کلیه جنگهای بزرگ و خطرناکی که برای انگلیس رخ داده بازرسی در دریای مدیترانه بهمان اندازه تسلط بر اقیانوس اطلس واجد اهمیت بوده است.

اما نگهداری دریای مدیترانه نیز بدون داشتن ایستگاههای کافی و نیرومند غیر عملی بود « کرهول » در زمان زمامداری خود « بلیک » را مأمور نمود که راهزن های دریای مدیترانه را گوشمالی داده و کشورهای کرانه ای این دریا را از نیرو و توانائی واحد های دریائی انگلیس آگاه سازد.

بلیک پس از شروع بکار دریافت که جبل طارق از نظر لشکر کشی خیلی اهمیت دارد ولی از اقدامات خود نتیجه بدست نیاورد و نتوانست این ایستگاه مهم دریائی

را بدست آورد و بهمین جهت با دولت پرتغال داخل گفتگو شده و برای پیشرفت منظور خود از «لیزبن» اجازه کافی بدست آورد و بدیهی است تا این اندازه موفقیت بهتر از هیچ بود با این حال چندان تأثیری در بازرسی دریای مدیترانه نداشت.

شارل دوم در اثر وصلت با «کاترین براکانزا» شاهزاده خانم پرتغال طنجه را به عنوان هدیه عروسی بدست آورد و در نتیجه آن طنجه مدت ۲۰ سال در تحت تسلط انگلیس در آمده و نفوذ این کشور را در دریای مدیترانه بیش از پیش افزود اما بی پولی پادشاه را بر آن داشت که از این ایستگاه گرانها چشم پوشد زیرا نگهداری پادگان مهم در این محل خیلی مشکل بود بدین مناسبت در سال ۱۶۸۴ نیروی انگلیس طنجه را تخلیه کردند.

تا ۲۰ سال پس از این پیش آمد دولت انگلیس هیچ ایستگاه مهمی در دریای مدیترانه نداشت و بیش از پیش حس میکرد که نیاز بداشتن چنین ایستگاهی دارد در سال ۱۶۹۳ يك قطار بزرگ از کشتیهای بازرگانی انگلیس بعنوان حق حمایت از طرف نیروی دریائی فرانسه تصرف گردید.

تاریخچه تصرف جبل الطارق از طرف انگلیس

درست مدت دو سال بود که جنگ برای انتخاب پادشاه اسپانیا ادامه داشت در سال ۱۷۰۴ مقرر شد ارشیدوك شارل که از طرف انگلیس برای تصاحب تاج و تخت اسپانیا برگزیده شده بود، به پرتغال اعزام گردد (سر جرج روك) که مأمور انجام این امر شده بود به بهانه جلوگیری از شورش که دربارسلن روی داده بود بعد از از نیروی انگلیس دستور داد که بسوی شهر نامبرده حرکت کرده و شورش را بخوابانند ولی پیش از ورود نیروی انگلیس به «بارسلن» شورش بر طرف شده و سر- جرج برای استقرار واحد های دریائی انگلیس در این نواحی هیچ بهانه ای نداشت برخی از همراهان سر جرج پیشنهاد کردند که نیروی انگلیس به قادس حمله برد ولیکن فرمانده ناوهای انگلیس این پیشنهاد را رد نموده و تصمیم گرفت بجبل طارق حمله کند زیرا نخست اینکه پادگان این ایستگاه خیلی کم بود دوم اینکه در اثر این اشکال این موضوع مهم اسپانیائی ها تا گزیر میشدند به پادشاهی ارشیدوك شارل

نن در دهند .

برای اجرای این تصمیم جنگی روز ۲۱ ماه ژوئیه واحدهای دریائی انگلیس داخل خلیج طارق شده و در حدود ۱۸۰۰ نفر از جلو دار های انگلیسی بفرماندهی شاهزاده «هس» در برزخ شمال پیاده شده و در حقیقت پادگان اسپانیا را محاصره کردند اسپانیائی ها با اینکه اسلحه و مهمات کافی در اختیار نداشتند تصمیم گرفتند تا آخرین لحظه ایستادگی نمایند فرمانده نیروی دریائی انگلیس روز ۲۳ ژوئیه امر به شلیک داده و توپهای ناوها و تفنگدار ها شروع بتیر اندازی کردند . این حمله ۶ ساعت تمام بطول انجامید و سرباز های اسپانیا با وجود شهادت و دلیری بیمانند ناگزیر تسلیم شدند . پس از آن فرماندار جبل طارق قرار داد تسلیم نیروی اسپانیا را امضا کرد در ۲۴ ژوئیه شاهزاده هس (ارشیدوگ شارل) را مالک جبل طارق اعلام داشته و شهر بنام ملکه (آن) بتصرف نیروی انگلیس درآمد .

واکنش تصرف جبل طارق

در آن روز ها تصرف جبل طارق واکنش بدی در انگلیس پدیدار ساخته و (سرجرج روک) بجای آنکه در نتیجه این اقدام بزرگ مورد تقدیر قرار گیرد مخالفین زیادی پیدا کرد زیرا بسیاری از نمایندگان پارلمان انگلیس بر آن بودند که نگهداری این تنگه جز زیان پولی سود دیگری برای انگلیس ندارد . (بیشپ برون) نویسنده مشهور درباره جبل طارق چنین مینگارد (عده زیادی این موضوع را مورد بحث قرار قرار داده اند که آیا تصرف جبل طارق بحال ما سود آور است یا زیان بخش ؟) لیکن رفته رفته مردم با اهمیت آن ایستگاه بزرگ دریائی پی بردند زیر اسپانیائی ها که ارزش واقعی آنرا میدانستند برای پس گرفتن آن از انگلیس کوشش بسیاری بکار بستند .

بمحض اینکه پادشاه اسپانیا جبل طارق را از دست داد با اهمیت جنگی آن پی برد و برای جبران غفلت خویش کوشش بسیار نمود . یکبار نیروی زیادی از اسپانیائی ها این تنگه را محاصره کردند ولی ملوانان انگلیسی با اینکه غافلگیر شده بودند و وسیله دفاع کافی نداشتند ششماه تمام ایستادگی کرده و سرانجام سرباز های اسپانیا

را وادار به خودداری از اقدام خود کردند مدت يك قرن از زمان سلطنت لوئی چهاردهم تا دوره زمامداری ناپلئون کبیر پادشاهان فرانسه و کشور های دست نشانده آنها در جنوب اروپا در صدد تصرف جبل طارق برآمدند و مکرر در این مورد بعملیات جنگی توسل جسته ولی کامیاب نشدند.

اسپانیا که دمی از خیال بدست آوردن این گذرگاه مهم دریائی فارغ نبود برای نیل بمقصود رنج فراوان برد.

در سال ۱۷۱۸ پیشنهاد کرد که این تکیه گاه را خریداری نماید. در سال ۱۷۲۰ بطور ناگهان بآن حمله برد و ۷ سال بعد رسماً جبل طارق را تحت محاصره در آورد ولی همه این اقدامات بهدر رفت اما در سال ۱۸۷۹ نور امیدى در قلب ملت اسپانیا برای پس گرفتن جبل طارق راه یافت.

در این زمان دولت انگلیس با مستعمرات امریکائی خود در جنگ بود و بطور کلی انگلیس دوره بحران آمیز سختی را میگذراند. زمامداران این کشور چنان بنظر میرسید که قادر بفیصل دادن امور نیستند بهمین جهت خاندان (بوربن) از این فرصت استفاده کرده و بانگلیس آگهی جنگ فرستاد. فرماندهی پادگان تنگه در این هنگام با ژنرال (الیوت) بود که در حفظ این گذرگاه نهایت شهامت و خونسردی را بخرج داد و مدت ۳ سال و ۷ ماه تمام در برابر گلوله توپهای اسپانیا مقاومت کرده و سرانجام طرف را خسته نمود.

دشمن از خارج بشلیک شروع کرد و چنان بمبارانی روی داد که مانند آن تا کنون دیده نشده بود بطوری که حتی یکی از خانه های جبل طارق آباد نماند بعلاوه کمی خوار بار نیز هر روز موجب هلاکت بسیاری از سربازهای انگلیس شد و چون شماره پادگان هر روز کمتر می شد این امر باعث نگرانی ژنرال (الیوت) شده بود.

در سال ۱۷۸۰ هنگامی که پادگان انگلیس کاملاً گرسنه و خسته شده بودند دریا سالار ردنی بشکستن خط محاصره نایل آمده و برای پادگان انگلیس نیروی کمکی و خوار بار آورد چون فرماندهان نیروی اسپانیا از نیل بمنظور خویش مأیوس شدند از زیر دست ترین مهندسین خود درخواست کردند که برای شکست دادن دشمن وسیله

های جنگی نوینی اختراع کردند این مهندسين آتشبار های شناور ساختند ولی سرتیپ (الیوت) برای مقابلی با این اسلحه تازه تدبیر جدیدی اندیشید و آلتی درست کرد که بوسیله آن کلیه آتشبارهای طرف را دسته خوش حریق ساخت در این اثناء برای سومین بار یکدسته از نیروی انگلیس خط محاصره را درهم شکسته و خوار بار و مهمات کافی به دژ جبل طارق آوردند سرانجام واحد های اسپانیانا گزیر به امضای پیمان صلح شدند و تنگه از خطر نجات یافت پس از آن دیگر پیش آمدی در این دژ جنگی دریائی رخ نداد و انگلیس بیش از پیش مقام خود را در این ایستگاه تقویت نمود .

در زمان جنگ با ناپلئون دولت انگلیس در پرتو ایستگاه جبل طارق راههای دریای مدیترانه را کاملاً تحت بازرسی در آورده و اقدامات ناپلئون را برای پیماده کردن نیروی فرانسه در انگلیس عقیم ساخت .

در جنگ بزرگ گذشته نیز این ایستگاه بزرگ دریائی خدمت جنگی بسیار گرانبهائی بمتفقین کرد که در سرنوشت جنگ تأثیر کلی داشت

وضع کنونی جبل طارق

جبل طارق امروز اهمیت بسیاری پیدا کرده برای از پیش بردن امور جنگ در مدیترانه نقش بسیار مهمی را بازی میکند پس از پایان جنگ بزرگ گذشته از آزمون های جنگی استفاده و دریاداری انگلیس وسایل دفاعی نیرومندی در این گذرگاه شگرف دریائی گرد آورد و تا میتوانست در این راه کوشش بخرج داده بر شماره کارخانه های بزرگ ویژه تعمیر و حوضچه ها افزوده شده و یادگان آن چه از نظر شماره و چه از حیث تسلیحات تقویت شد .

برای بازرسی سراسر آبهای دریای مدیترانه و حرکت دادن قطارهای بزرگ کشتی های بازرگانی و مبارزه با بمب افکن ها و زیر دریائی ها گذرگاه جبل طارق وظیفه مهمی را بعهده دارد .

واحدهای دریائی بزرگ انگلیس که در اقیانوس اطلس مشغول انجام وظیفه هستند به سهولت میتوانند از این تکیه گاه استفاده نمایند .

جبل طارق در انتهای باختری دریای مدیترانه و تنگه گاه مالت در وسط اسکندریه و تنگه سوئز در بخش خاوری این دریای منزله دیدبان های دریائی هستند که پیوسته مراقب اوضاع دریای (رم) میباشند.

تنگه سوئز

تنگه سوئز که دروازه خاوری دریای مدیترانه نام دارد در جنگی که اکنون در این دریا جریان دارد اهمیت لشکر کشی آن بسیار است. اگر چند لحظه نقشه دریای رم را در برابر چشم خود قرار دهیم این حقیقت را درک خواهیم کرد که بدون داشتن دسترس بافریقا و دریای مدیترانه که وسیله ارتباط مابین دو قاره بزرگ است بسیاری از کشورهای بزرگ اروپا بر رفع نیازمندی های خود از حیث مواد خام و خواربار و سایر چیزهای ضروری که برای حیات صنعتی اروپا لازم است قادر نخواهند بود.

جنگی که امروز در قسمت بزرگی از کرانه های این دریا و دشت های سوزان افریقا در گرفته این مدعا را بخوبی ثابت و اهمیت لشکری گذرگاه دریائی سوئز را پیش از پیش روشن مینماید.

باید دانست که برای نگاهداری ارتباط باخاور میانه و سیادت در مدیترانه ترعه سوئز و جبل طارق هر دو لازم و ملزوم یکدیگر می باشند چنانچه پس از باز شدن تنگه سوئز با اهمیت لشکری جبل طارق و مالت یک بر چند افزوده شده است. پس از جنگهای دوره ناپلئون و عدم موفقیت این سردار تقریباً تا یک قرن جنگ بزرگی در اروپا رخ نداده و همه کشورهای اروپا توانستند در صلح و آرامش بسر ببرند.

روز ۱۷ نوامبر سال ۱۸۶۹ که پس از ده سال زحمت ترعه سوئز کشایش یافت برای بازرگانی دریائی باخاور زمین از راه دریای سرخ و اقیانوس هند خط دریائی مهم و نوینی بروی کشتی های بازرگانی باز شد و این خط در درجه نخست برای انگلیس که یک کشور دریائی بشمار میرود بی اندازه اهمیت پیدا کرد و از آن تاریخ بعقیده خبرگان لشکری روز بروز بر اهمیت و تنگه گاه دریائی جبل طارق افزوده شد. در پایان قرن نوزدهم انگلستان این امر را لازم دانست که همواره مواظب فعالیت های سیاسی و جنگی کشورهای اروپائی باشد. بیاری نیروی دریائی خود توانست

این منظور را اجرا و مقام خود را حفظ کند.

در جنگ بزرگ گذشته اهمیت لشکر کشی خطوط دریائی مدیترانه بمنظور دفاع از امپراطوری وسیع انگلیس بخوبی آشکار گردید زیرا صدها کشتی حامل سرباز ها و مهمات و خواربار از تنگه گاه جبل طارق که محل تمرکز آنها بود لشکر بر گرفته و بسوی جبهه های خاور میانه رهسپار میشدند این قطارهای بزرگ همواره در مشایعت ناوهای جنگی بودند که تنگه گاه همیشه آنها جبل طارق بود.

ترعه سوئز برخلاف گذرگاه جبل طارق يك راه دریائی مصنوعی است که در روز ۱۷ نوامبر سال ۱۸۶۹ گشایش یافته است و اکنون در ست ۷۳ سال از آن تاریخ میگذرد.

کدامین این گذرگاه دریائی که امروز اهمیت لشکر کشی و اقتصادی بسیاری بدست آورده در سال ۱۸۵۹ آغاز گردید و (فردیناند دولسپس) بایک کوشش خستگی ناپذیری نقشه کار را شروع و سرانجام پس از ده سال زحمت و بردن رنج فروان به مقصود خود نایل آمد.

روزی که گذرگاه سوئز باحضور خدیو مصر و مهمانان دیگر گشایش یافت پهنای ترعه در حدود ۲۲ متر و گودی آن ۸ متر بود ولی اکنون پهنای این گذرگاه مهم به ۶۰ متر رسیده و گودی آن نیز از ۱۳ متر متجاوز است.

در سال ۱۸۷۰ تنها ۴۸۶ کشتی با ظرفیت ۴۳۶۰۰۰ تن از این تنگه گذشته بود ولی در سال ۱۹۳۸ شماره کشتی هائیکه از ترعه سوئز گذشته اند به ۶۱۷۰ رسیده که ظرفیت کامل آنها ۱۷۰۰۰ ر ۳۴۴ تن بوده است بحرانی که در سالهای ۸۲-۱۸۱۸ رخ داد مسئله بیطرفی ترعه از طرف دولت مصر درخواست شده و ماه اوت همان سال چند هفته بجنگ بزرگ قل کبیر مانده چهار روز کشتی رانی در ترعه موقوف شد.

پس از این پیش آمد در انجمن بین المللی پیشنهاد های گوناگونی که برای تامین آزادی بین المللی ترعه داده شده بود مطرح گردیده سرانجام در ۲۹ اکتبر ۱۸۸۸ دولتهای بزرگ مانند انگلیس و آلمان و اتریش، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا

روسیه و هلاند و عثمانی در شهر استانبول پیمان ترعه را امضا کردند و مقصود از آن این بود که تنگه سوئز چه در زمان صلح و چه در هنگام جنگ بروی کشتی های بازرگانی و جنگی همه کشور ها باز باشد بموجب درخواست انگلیس تبصره ویژه ای به این قرارداد افزوده شد و شرط گردید که این قرارداد تا آنجا قابل اجرا خواهد بود که مطابق با وضعیت مصر بوده و به آزادی عمل انگلیس و سیادت آن دولت در ترعه آسیبی نرساند سپس در ۸ آوریل ۱۹۰۴ بر طبق قرار داد فرانسه و انگلیس دولت انگلیس الحاق خود را بقرارداد ترعه رسماً آگاهی داد و موافقت نمود که متن پیمان بموقع اجرا گذاشته شود.

در سال ۱۹۰۹ کمپانی سوئز بدولت مصر نزدیک شده و درخواست کرد قرار داد ترعه را که در سال ۱۹۶۸ پایان خواهد رسید تجدید کند مجلس ملی مصر این درخواست را رد کرد ولی آغاز جنگ بزرگ جهانگیر در سال ۱۹۱۴ اوضاع را بکلی دگرگون ساخت و در نتیجه سازمان دفاع و اداره کردن تنگه بمعهده افسر های انگلیسی وا گذار شد از آن پس ترعه سوئز مرکز لشکر کشی مصر شناخته شده و واحدهای جنگی فرانسه و انگلیس بحراست آن کمارده شدند، در دوره جنگ تنگه تنها بروی کشتی های کشورهای بیطرف و متفقین باز بود و تا پایان جنگ سر تا سر منطقه ترعه مانند امروز بیک اردوگاه بزرگ مبدل گشته بود.

پس از پایان جنگ برنامه تعمیر و تکمیل تنگه که بوفقه دچار گشته بودند با یک فعالیت زیاد تری از نو بموقع اجرا گذاشته شد به پهنای و کودی این گذرگاه دریائی افزوده شده و حوضچه ها و سدهای دیگری ساخته شد و مجرای آن بیش از پیش راست شد و از این پس بزرگترین کشتیهای اقیانوس ییما توانستند پهلو پهلو از آن بگذرند. از اصلاحات دیگر بنای شهر نویی در برابر یرت سعید بود و این شهر بنام بندر فؤاد نامیده شد و نخستین سنک بنای آن در دسامبر ۱۹۲۶ بدست مرحوم (اعلیحضرت ملک فؤاد اول) کار گذاشته شد و عملیات ساختمان آغاز گردید هر چند که دولت انگلیس ۷ شانزدهم سهام ترعه را در دست دارد ولی در اصل یک شرکت فرانسوی است و اداره امور ترعه در دست آنها است در اداره مدیریت

تمگه يك نفر هلندی ۱۰ تن انگلیسی و ۲۱ تن فرانسوی بعنوان مدیر کار میکنند ، ترعه سوئز يك گذرگاه مصنوعی است که درازای آن به ۲۰۰ کیلومتر میرسد این ترعه بندر پرت سعید را در کرانه های مدیترانه با بندر سوئز در دریای سرخ به همدیگر وصل میکند .

ایجاد پرت سعید در سال ۱۸۵۹ یعنی هنگامیکه (فردیناند دولسپس) نقشه خود را بموقع اجرا گذاشته و شروع بکار کرده بود رخ داده است . در این هنگام (لسیس) برای اینکه کارگران بزحمت دچار نشوند چند خانه چوبی در محل کنونی پرت سعید بنا کرد .

ولی رفته رفته که کار کنند تمگه پیشرفت نمود این کوی کوچک کرانه ای نیز بزرگتر شده و در سال ۱۸۶۹ که تمگه سوئز رسماً گشایش یافت شماره اهالی پرت سعید فقط ۸۰۰۰ نفر بود ولی امروز این شهر از بهترین بنادر کنار دریای مدیترانه شده و شماره ساکنین آن به ۱۲۵۰۰۰ نفر میرسد .

اسماعیلیه در سال ۱۸۶۲ در روی کرانه های دریاچه (تمساح) ایجاد شده است ولی در سال ۱۸۶۹ هنگامیکه کار کردن ترعه پایان یافته بود در این محل تنها چند خانه چوبی که پیوسته در معرض خطر طوفان های ريك بودند وجود داشت . امروز بندر اسماعیلیه با باغهای دلگشا و چمنزار های سبز و خرم خود در سراسر مصر شهرت بسزائی یافته و شماره ساکنین آن به ۴۰۰۰۰ نفر میرسد و بیشتر از این لحاظ که بندر اسماعیلیه مرکز عملیات و محل اداره های کمپانی ترعه است اهمیت بسزائی یافته است .

بندر توفیق که درست در دهانه ترعه کنار دریای سرخ ایجاد شده تنها محل سکونت کارکنان کمپانی ترعه میباشد . در مجاورت این بندر دولت مصر حوضچه هائی ساخته که برای لشکر انداختن کشتی های بزرگ بازرگانی و تعمیر آنها اختصاص دارد . بندر قدیمی سوئز از آنجائیکه کودی زیادی ندارد از این لحاظ نمیتواند کشتی های بزرگی را بپذیرد تنها کرجی ها و کشتی های کوچک که مخصوص حرکت در دریای سرخ و کرانه های این دریا میباشد می توانند در این دریا لشکر اندازند .

بندر بزرگ سوئز تقریباً از قدیمی ترین بنادری است که مورد استفاده قرار گرفته است در آن هنگام که بر حسب يك تصادف تصمیم گرفته شد تنگه سوئز کنده شود چون آب مشروب سوئز خیلی بد بود پیش از ۳۰۰۰ نفر در آنجا سکونت نداشتند و این عده نیز از آب رود نیل که به این بندر آورده میشد نیازمندی خود را برطرف میکردند ولی اکنون سوئز از بهترین شهرهای کرانه ای مصر بشمار میرود و شماره سکنه آن به ۵۰۰۰۰ نفر رسیده و بطور مستقیم بوسیله یکرشته راه آهن و يك جاده شوسه با قاهره مربوط گشته است.

بین اسماعیلیه و پرت سعید نیز در محل (قنطره) که در زمان های پیشین گذرگاه کاروان ها بوده است شهر کوچک ولی بسیار زیبایی احداث شده که خط آهن مصر و فلسطین از آنجا میگذرد قنطره در حدود چهار هزار نفر سکنه داشته و از نظر بازرگانی و مربوط ساختن مصر و فلسطین اهمیت شایانی دارد.

در مورد ایجاد خطوط ارتباطی نیز کوشش بسزائی بکار بسته شده نخستین خط راه آهن بین اسماعیلیه و بندر سوئز بوسیله دولت مصر کشیده شد کمپانی نیز بنوبه خود جاده شوسه ای بین پرت سعید و اسماعیلیه احداث و چون دراوان کار این راه خیلی باریک بود بعدها دولت مصر بهزینه خود این جاده را وسیع تر کرد و مورد استفاده قرار داد.

پس از جنگ بزرگ گذشته نیز کمپانی ترعه یکرشته جاده شوسه که پرت سعید را بابندر سوئز مربوط میساخت ایجاد نموده و بدین وسیله این دوبندر را که یکی در کنار دریای مدیترانه و دیگری در کنار دریای سرخ واقع شده و ۲۰۰ کیلو متر فاصله دارند بوضع مطمئن و راحتی بیکدیگر مربوط گردانید.

در نتیجه کنده شدن این ترعه تا کنون دوشهر بسیار زیبا که هر کدام بندر مهمی بشمار میروند در منطقه ای که ۷۲ سال پیش خشک و بی آب و علف بود ساخته شده و خطوط راه آهن و جاده های شوسه در این بیابان کشیده شده و بطور خلاصه برای آباد شدن این ناحیه سوزان بزرگترین فعالیت ها بکار رفته است. اینک تنگه سوئز از پراهمیت ترین گذرگاههای دریائی گردیده و هر روز هم که بر عمر آن بگذرد

بر ارزش آن افزوده می گردد .

موقعیت کنونی تنگه

جنگهای خونینی که امروز در دشت های خشك و سوزان افریقای شمالی در گرفته توجه همه دنیا را بیش ازپیش بموقعیت مهم ترعه سوئز معطوف داشته است . در جنگ بزرگ گذشته رزمهای شدیدی برای بدست آوردن این گذرگاه دریائی رخ داد . تنگه سوئز امروز مرکز فعالیت واحد های دریائی و کشتی های بازرگانی انگلیس است بویژه از روزیکه دریای سرخ از منطقه جنگ خارج شد و ناوهای ایتالیا در این دریا تکیه گاههای خود را ازدست دادند ترعه سوئز بیش ازپیش اهمیت یافت . اکنون کشتی های بازرگانی که از امریکای شمالی حرکت میکنند و بیشتر حامل مهمات و اسلحه می باشند از راه دریای سرخ به تنگه رسیده و اسلحه ومهمات خود را در دسترس واحدهای انگلیس می گذارند .

از آنجائیکه تنگه سوئز از بزرگترین راههای کشتی رانی است بنابراین در دست داشتن اینراه دریائی برای تسلط بر راههای مهم بازرگانی خیلی اهمیت داد و ارزش آن به اندازه ایست که کشور های داخل جنگ دریابانهای شنزار و کرم افریقای شمالی برای خاطر این گذرگاه بجنگهای خونینی دست زده اند .

ایستگاه دریائی مالت

ایستگاه دریائی مالت بین جبل طارق و تنگه سوئز واقع شده و از نظر لشکر کشی و حفظ ارتباط راههای دریائی مدیترانه اهمیت بسیاری دارد .

جزایر مالت که (لاوالت) مهمترین تکیه گاه آن بشماراست نسبتاً کوچک و بایراست و درنگاه نخست بچشم شخص کاملاً جای خشك و بی آب و علفی می نماید هر کسی که برای نخستین بار در تابستان ازدور مالت را به بیند تصور خواهد کرد که این تپه سنك و خاك بی مصرف و هیچ ارزشی ندارد ولی هنگامیکه از نزدیک بدان آشنائی پیدا کرد این اشتباه نظری خیلی زود برطرف میشود .

خود جزیره مالت جای سنگلاخی است و جزایر کوچکتر اطراف نیز مانند (کوزو) وغیره همین حال را دارد . قسمت عمده سطح جزیره از سنك آهکی تشکیل

شده و این سنگ نرم برای کندن شیب زمین بسیار مناسب می باشد در دوره های گذشته این شیب زمین هارا برای انبار کردن گندم و سایر حبوبات بکار میبردند و هنوز هم این انبارها برای نگهداری خوار بار بکاربرده می شود - در نتیجه همین وضعیت طبیعی است که درمالت از چند قرن پیش نوعی از داد و ستد انبار داری پیدا شده بود ولی فرمان روایان آن بعدها قانونی گذرانیدند و قرارداد کشتی هائیکه برای خرید غله بمالت می آیند در صورتی اجازه خرید داشته باشند که بار آنها خاك رس بوده و آنها در جزیره خالی کنند اجرای این قانون موجب آبادی و عمران جزیره مالت شده و مزرعه های حاصلخیزی بوجود آمد اینك بیشتر مزرعه های حاصلخیز مالت از خاکی تشکیل شده که بمروور زمان بروی تخته سنگهای جزیره پخش شده است .

برای آنکه گرد و باد های سخت این خاك را بدریا نبرد در سه ماهه نخست سال بادهای مخالف دیگری از سوی شمال خاوری وزیده و از خطر جلو گیری میکند روستائیان مالت برای حراست کشتزار های خود مقداری از سنگها را کنده و دیوار های بلندی در اطراف مزرعه خود میسازند . این دیوارها تنها چیزی است که مسافرین تازه وارد در صورت نگاه کردن ازدور می بینند و بهمین جهت پیش خود خیال میکنند که مالت جای خشك و بایری است ولی در میان همین دیوار سنگی از ژانویه تا ژوئن سه بار محصول برداشته میشود در این مزرعه ها همه قسم درخت های بارور و خوب پرورش می یابد بطوریکه مرکبات بویره پر تقال مالت بابترین پر تقالهای اسپانیا لاف برابری میزند .

مردمانی که در جزیره مالت زندگی میکنند نژاد قابل توجهی هستند اثری از خون حبشی در آنها پیدا میود . بیشتر آنها مردمان کار کن و خنده رو می باشند ، لهجه مردمان مالت بلهجه عربی بیشتر شباهت دارد و دانشمندان نژاد شناسی آنها را از لهجه (ساراسینی) نیز باستانی تر می پندارند ، می گویند این لهجه بی آلاش ترین نمونه از لهجه زبان فینیقی و کارتاژ می باشد ، پیش از پایان قرن گذشته این زبان هرگز روی کاغذ نیامده بود و نوشته از آن پیدا نمیشد و تا این اواخر بیش از ۸۰ درصد از اهالی مالت زبان دیگری نمیدانستند .

بیشتر اهالی این جزیره دریا نورد یاروستا هستند و به عمران و آبادی دلبستگی دارند بیشتر آنها بکشورهای کرانه مدیترانه پراکنده شده‌اند ولی هیچکس به اندازه آنها میهن پرست نیست و در هر جا بوده باشند منتهی آرزوی آنها اینست که با کیسه‌ای پراز زر بمیهن خود بازگردند.

در نتیجه این روحیه داشتن چنین اخلاق است که با وجود استیلاي مکرر بیگانگان اهالی مالت هنوز نژاد و استقلال ملی خود را از دست نداده‌اند.

در همان دوره ای که جزیره انگلیس بدست نورمانها افتاد جزیره مالت نیز از از طرف آنها اشغال شد و این جزیره قرن‌ها زیر تسلط پادشاهان (آراگون) باقی ماند تا اینکه در ۱۵۳۰ شارل پنجم آنرا بقهرمانان (سنت جون) بخشید.

در آن هنگام قهرمانان (سنت جون) که در جزایر رود ز بودند در برابر پیشرفت های مسلمانها تاب مقاومت نیاورده و از جزیره های رود ز رانده شدند پیش از برقرار شدن (سنت جون) در مالت آنها ناچار شدند مدتها در مقابل محاصره سخت تر کها در سال ۱۵۶۵ ایستادگی نمایند.

سر انجام سپاهیان ترك غلبه کرده و (سنت جون) از مالت رانده شدند ولی بیش از ۹۰۰ قهرمان جنگجو در این گيرودار کشته شد.

مالت سده‌ها بدین ترتیب در زیر فرمانروائی پیشوایان مذهبی باقی بود تا اینکه در ۱۷۹۸ ناپلئون در لشکر کشی خود بمصر بتصرف آن مبادرت ورزید.

استاد (لاوانت) کسی است که شهر زیبای (والنا) را بنا نهاد و پس از وی جانشین های او استحکامات بیمانند مالت را ساختند.

مالت جزیره ایست که پراز آثار دوره های میانه می باشد و در آن يك ردیف کامل از معبد های جالب توجه (منشئيك) پیدا شده است. در یکی از غار های آن چندی پیش استخوان های محجر فیل ماموت و سایر حیوانات معاصر آن کشف گردید.

همچنین دانشمندان دوره های پیش از تاریخ در این جزیره به آثار باستانی شگفت

آوری بر خورده اند .

چیزی که مالت را در نزد دولت انگلیس عزیز داشته بندرها و تکیه گاههای بی مانند آن میباشد هر چند که این تکیه گاه دریائی با اهمیتی که دارد مطابق سبك امروز ساخته نشده و كوچك است با وجود این لشكرگاههای آن چنان خوب و مناسب است که كشتی های بزرگ جنگی مانند (دار سپایت) و (کوین الیزابت) با آسانی میتوانند از آنها استفاده کنند . موج شکن هائی که در ۳۰ سال پیش ساخته شده است تا يك اندازه آن را از طوفان های سخت حراست میکنند بیشتر اوقات باد های سختی از جانب شمال خاوری وزیده و مدخلهای بندر را تهدید می کنند این سدها چنانچه شاید و باید کافی نیست .

و بدین جهت ممكن است در اثر طوفانهای سخت ارتباط كشتیرانی در بندر های مالت روزها بتأخیر دچار شود .

بندرگاه كشتی های بادی قهرمانهای (سنت جون) امروز به اسكله های كشتی مبدل گردیده و پس از جنگ گذشته يك اسكله و تعمیرگاه بسیار بزرگی در خود مالت ساخته شده و فرودگاه خوبی برای هواپیماها بنا گردیده است .

با وجود اینها مالت نیز مانند سایر تکیه گاههای مهم دریائی که پیش از آغاز دوره پیشرفت نیروی هوایی اهمیت بسزائی داشتند امروز ناتوانی هائی دارد اگر آن را مانند دژ مستحکمی بشمار آریم بهمان اندازه مستحکم است که در سدهای پیش غیر قابل استیلا بوده تنها يك حریف بی باك و دلیری میتواند بخیال تصرف آن باشد ولی چون این جزیره از یر نفوس ترین جزایر کیتی است به این جهة حمله های هوایی به این جزیره خیلی خطرناك و مرگبار است .

از آنجائیکه در این اواخر حمله های هوایی شدیدی باین تکیه گاه دریائی شده واحد های دریائی انگلیس بیشتر باسکندریه ر جبل طارق رفته و از این جزیره استفاده زیادی نمیکند مسئله حمله های هوایی اشکالات اقتصادی روز افزونی را نیز پیش آورده است با وجود این كشتی های جنگی انگلیس خواربار و مواد جنگی لازم را باین جزیره می رسانند و از تقویت این تکیه گاه بزرگ که حدفاصل بین جبل طارق با اسکندریه و

تنگه سوئز است از هیچگونه کوشش خودداری نمی نمایند .

دریای سیاه و گذرگاههای آن

دریای سیاه ۳۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و يك نوع دریاچه نمکداری است که کمی بزرگتر از دریای مازندران بوده و در اعداد دریاهاى داخلی بشمار میرود که تقریباً سه برابر آدریاتیک میباشد. در شمال آن دریای (آزرو) واقع است که قسمتی از کرانه های دولت اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل میدهد و ۱۵ متر بیشتر کودی ندارد. در جنوب آن دریای (مارمارا) واقع شده و اینجا کودی دریا از ۱۳۰۰ متر تجاوز مینماید.

دو گذرگاه بسفور و داردانل

بهمان اندازه که تنگه گاه دریائی جبل طارق و گذرگاه مصنوعی سوئز اهمیت دارند دو گذرگاه بسفور و داردانل نیز بنوبه خود حائز اهمیت زیادی بوده و تقریباً به اهمیت جنگی و بازرگانی دو تنگه گاه دیگر دریای مدیترانه می افزاید.

بسفور و داردانل بمنزله کلید دریای سیاه و دریای مدیترانه بشمار میرود و بویژه هنگام جنگ اهمیت بسیار زیادی را بدست می آورد

بسفور و داردانل

تنگه بسفور که شهر زیبای استانبول در کرانه چپ آن قرار گرفته دریای سیاه را بدریای «مارمارا» وصل مینماید و هیچگونه ارتباطی نیز با تنگه داردانل ندارد و پهنای آن ۵۵۰ متر بوده و خیلی تنگ و باریک بنظر میرسد سرعت جریان آب در این تنگه در هر ساعت از ۱۰ کیلومتر تجاوز میکنند.

دریای (مارمارا) بوسیله تنگه داردانل که بیش از ۷۰۰۰ متر پهنا داشته و مانند دریاچه کوچک و آرامی خود نمائی میکند و سرعت جریان آب آن در هر ساعت از ۳ تا ۸ کیلومتر میرسد با دریای اژه مربوط میشود و شهر داردانل در کرانه راست این تنگه بنا شده است. با بودن این دو تنگه که ورود کشتی ها بآنجا تحت شرایط و مقررات ویژه ای انجام می گیرد نمی توان گفت که دریای سیاه يك دریای کاملاً آزاد است.

این دوتنگه که اهمیت جنگی شایانی دارد تحت بازرسی مستقیم دولت ترکیه است در جنگ بزرگ گذشته منطقه داردانل و بسفور مرکز جنگهای خونین شده و عده بیشماری از واحدهای دریائی و زمینی هر دو طرف جنگجو در این پیکارهای شدید شرکت جسته و تلفات بی شماری متحمل شدند و در ماههای اخیر آتش جنگ تاپیرامون این نقطه مهم لشکر کشی رسید ولی در نتیجه تدبیر نیکو و مآل اندیشی زمامداران ترکیه که این تنگه بمنزله منطقه حیاتی آنها بشمار است از سرایت آن جلو گیری شد و صلح و آرامش این قسمت از دریای مدیترانه از آسیب خطرناک جنگ برکنار ماند.

ایستگاههای هوائی در مدیترانه

از آنجائی که در جنگ کنونی نیروی هوائی وظیفه بسیار مهمی را به عهده دارد و بطور مستقیم در تمام نبردها چه زمینی و چه دریائی شرکت دارد، بدین مناسبت جا دارد بطور اختصار به ایستگاه های نیروی هوائی در یای مدیترانه نظری افکنده شود.

ایستگاههای سیسیل

سیسیل آخرین قسمت از خاک ایتالیا است که تا مرکز دریای مدیترانه پیش آمده و از نظر جنگی و بازرسی این دریا امتیاز زیادی نصیب نیروی هوائی و دریائی ایتالیا نموده است با کمی توجه بنقشه دریای مدیترانه این مسئله واضح میشود که سیسیل درست در بالاسر تکیه گاه دریائی مهم مالت قرار گرفته و نیروی هوائی در هر آن میتواند از فرودگاههای آنجا پرواز گرفته و تکیه گاه و اسکله های مالت را بمباران کنند از همه اینها مهمتر قطارهای بزرگ کشتی که از جبل طادق حرکت میکنند مجبور هستند از ترعه سیسیل که پهنای آن ۱۵۰ کیلو متر بیشتر نیست عبور کرده و بمالت رسیده از آن پس راه اسکندریه و ترعه سوئز و یا خاور مدیترانه را پیمش گیرند، در سراسر کرانه های سیسیل دولت ایتالیا تکیه گاه داشته واحد های سبک نیروی این کشور شب و روز در این منطقه مشغول بازرسی میباشد و بمنحصر اینک که قطار کشتی و یا واحد هائی چند از نیروی دریائی دشمن را در آبهای ترعه

دیدند مراتب را بناو های نیرومند و یا بمب افکنها که با سرعت شکفت انگیزی هدف خود را پیدا میکند اطلاع میدهند، در هر حال ترعه سیسیل و نیروی هوائی که در فرودگاههای اینقسمت از خاک ایتالیا متمرکز است از نظر بازرسی خطوط کشتیرانی باختر و خاور مدیترانه بینهایت اهمیت دارد و تا کنون رزم های چندی که بین نیروی هوائی و دریائی در اینقسمت از دریای مدیترانه رخ داده این نظریه را بخوبی ثابت کرده است که بمب افکن ها با داشتن فرودگاه مطمئن در هر موقع میتوانند وظیفه خود را انجام دهند.

جنگ در شمال افریقا

اکنون که موقعیت لشکر کشی و نقاط مهم جنگی دریای مدیترانه تا اندازه معلوم شد باید متوجه شد که جنگ در شمال افریقا با چه خصوصیات آغاز و وارد چه مرحله شده است و طرح جنگی دوطرف روی چه نظری تنظیم یافته است.

وضعیت جغرافیائی کارزار

در باختر رود نیل و تا نزدیکی فلات کوهستانی جبل الاخضر (کوه سبز) بخش بسیار وسیع بیابانی وجود دارد که در نتیجه کمی باران و نبودن آب کاملاً خشک میباشد.

مگر در قسمت هائیکه غالباً از همدیگر دور هستند در نتیجه وجود چاه آب نخلستان های مختصری خود نمائی میکند. در کنار دریا در باختر (مرسی مطروح) (که اکنون آتش جنگ دو مرتبه بنزدیکی آن رسیده است) چنین نخلستان هائی وجود ندارد.

ولی در داخله کشور نخلستان های جرابوب در خاک لیبی و نخلستانهای (سیوا) (بهاریه) در خاک مصر یکرشته نسبتاً قابل سکونت را تشکیل میدهند و راه کاروان های شتر مصر و لیبی از آنجا میگذرد.

باری در نتیجه کمی آب و سایر منابع حیاتی تمرکز واحد های بزرگ جنگی در این بیابان بسیار دشوار است و نیرو های مهاجم یا مدافع مجبور میشوند در بخش های دور از همدیگر پراکنده شده و تنها برای انجام عملیات مهم مجتمع گشته و بلافاصله

پس از پایان حمله در منطقه وسیعی پراکنده گردند .

بین رود نیل و کوه سبز زمین تا اندازه ممانع داشته و در برخی جاها شنی و بعضی نقاط سنگلاخی میباشد اما بلندیهایی سخت گذر و بریدگی های ژرف در این بیابان وجود ندارد .

بین (بمپا) و (بنغازی) در خاک لیبی در کرانه دریای مدیترانه فلات کوهستانی بسبباً بلندی بنام (کوه سبز) وجود دارد که بواسطه ارتفاع خود مانعی در برابر ابر های دریای (رم) تشکیل میدهد و بهمین مناسبت باران این ناحیه و کرانه شمالی آن بیشتر از سایر جاها است و چون با مقایسه با سایر بخشهای های خشک و بی آب و علف بیابان خشک حاصلخیز و خوش آب و هواست بدینجهت دولت ایتالیا از چند سال پیش این قسمت از خاک لیبی را مرکز مهاجرین ایتالیائی قرار داده و شهر های آباد و بزرگی در این بخش از بیابان بزرگ ایجاد شده است .

در جنوب (کوه سبز) و جنوب باختری آن باز بیابان خشک سوزانی وجود دارد که مانند مانع بسیار مهمی بین (سیرنائیک) که شهرستان خاوری لیبی است و (ترابلس) که شهرستان باختری آن کشور است تشکیل میدهد .

طرح عملیات جنگی ایتالیائها

روش جنگی ایتالیا در شمال افریقا جنبه تعرضی داشت و لشکرهای متمرکز در اینقسمت تحت فرماندهی (مارشال کراتزیانی) مأموریت داشتند موقع مناسبی بدست آورده و جبهه دفاعی انگلیس را در مصر درهم شکنند .

هنگامی که آتش جنگ در خاور اروپا روشن شد و جنگ بین لهستان و آلمان در گرفت ایتالیا باروبه مبهم و بیطرفی که درپیش گرفته بود بتقویت پادگان خود درلیبی پرداخته و دراین راه از هیچ گونه کوشش خود داری نکرد .

روز ۱۷ ماه ژوئن که ایتالیا رسماً در جنگ اروپا شرکت جست و چند روز بعد پیمان متار که جنگ را بافرانسه امضا کرد از نظر جنگی امتیاز بسیار زیادی نصیب واحدهای این کشور چه در افریقای شمالی و چه در افریقای خاوری شد زیرا در تمام این جبهه ها لشکر های فرانسه بنا به مقررات پیمان متار که از هر گونه عملیات جنگی دست کشیدند و لشکر

های ایتالیا چون مانعی در پیش نداشتند میتوانستند در همه جا تعرض کنند پس از تمرکز واحدهای زیادی از لشکریان ایتالیا در حدود ۲۵۰۰۰ نفر در مرزهای خاوری لیپی ستاد ارتش طرح عملیات جنگی خود را بشرح پائین تنظیم نمود:

تعرض بسمت جلگه نیل و ترعه سوئز از لیپی بسوی خاور در دو ستون
ستون شمالی عهده دار مأموریت اصلی بود و محور آن - بردیه - سیدی برانی
مرسی مطروح - اسکندریه بود این ستون وظیفه دار بود پس از رسیدن باسکندریه
به ستون جنوبی پیوسته بسوی ترعه سوئز سرازیر شود.

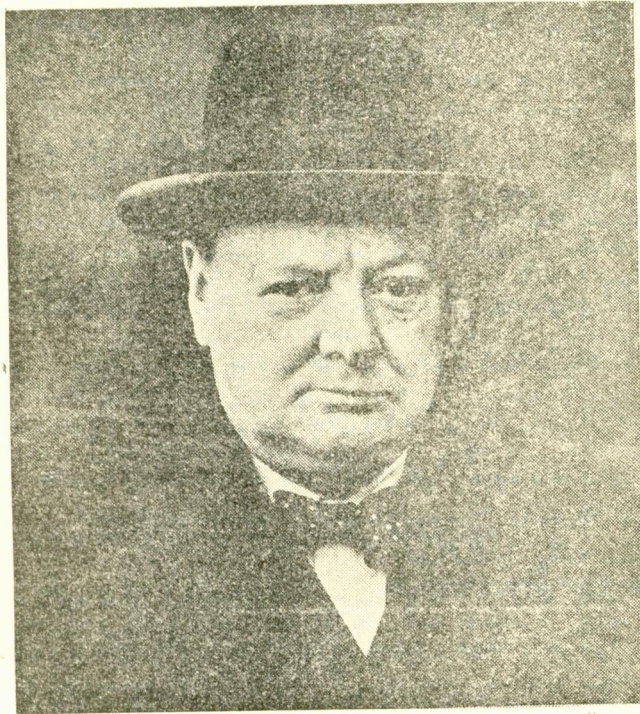
ستون دوم مأموریت داشت از منطقه جرابوب در محور سیوا - بهاریه به علمینیا
کرانه رود نیل در مقر علیا پیشروی کرده بدین ترتیب از يك طرف پهلوی داری
ستون اول را بسمت جنوب انجام داده و از طرف دیگر مقاومت های انگلیس ها را مقابل
ستون شمالی از سمت جنوب و جنوب خاوری درهم شکسته و يك عمل دورانی انجام
و بدین شکل پیشروی ستون اصلی را آسان نماید این ستون پس از رسیدن به نخستین
هدف خود « علمینیا » میبایست در سمت شمال تغییر جبهه داده و از سمت جنوب به
قاهره حمله برد و در این محل بستون شمالی ملحق شود.

برای جلب توجه فرماندهی انگلیس بجنوب و اجرای عمل فرعی در سمت
سودان ستون ویژه ای مأموریت داشت در محور - غساله - خرطوم پیشروی کرده و
از آن پس در امتداد خط آهن ورود نیل بطرف شمال پیچیده و نقشه جنگی خود را
اجرا کنند با این ترتیب و طبق این طرح جنگی مصر از سه طرف مورد حمله
قرار میگرفت.

طرح ستاد ارتش انگلیس

در مقابل روش تعرضی که واحدهای ایتالیا پیش گرفته بودند ستاد ارتش
انگلیس چاره ای نداشت مگر اینکه برای دفاع از سرزمین مصر و تنگه سوئز روش
دفاعی را پیش گیرد. با کناره گیری لشکرهاى فرانسه از جنگ اقدام بیک تعرض
جدی در جبهه های افریقا برای نیرو های امپراتوری انگلیس غیر ممکن بود مگر
اینکه ستاد ارتش انگلیس مقدمات این کار را از حیث تهیه سرباز و مهمات کافی و

بویژه نیروی هوایی فراهم آورد . اجرای این نقشه مستلزم چند ماه کوشش و فداکاری بود ، بدین مناسبت روش جنگی ستاد ارتش انگلیس در مرزهای مصر حالت دفاعی کامل داشت و میبایستی برور زمان در اساس این نقشه تجدید نظر شود .



« ونستون چرچیل » نخست وزیر انگلیس

برای دفاع این سرزمین که در حفظ خطوط ارتباط قسمتهای مختلف امپراتوری نقش بسیار مهمی را بازی می کند از بیابان وسیع باختری بمنزله يك مانع بزرگ استفاده شده و در « مرسی مطروح » که بوسیله یکرشته راه آهن با اسکندریه مربوط است واحدهای انگلیس متمرکز شدند این نقطه مهم ممکن است هم در مورد دفاع و هم در حین حمله مورد استفاده واحدهای جنگی قرار گیرد .

مرسی مطروح نخستین خط دفاعی ارتش انگلیس را تشکیل میداد و در پشت

سر این موضع جنگی واحدهای امپراتوری که عبارت از سربازان انگلیسی استرالیایی

زلاندی و قسمتهای چند از پادگان هندوستان بودند کرد آمده و وسایل کار خود را از حیث مهمات و اسلحه تکمیل کرده و برای انجام يك نبرد مشکل آماده میشدند

مرحله مقدماتی نبرد

پس از آنکه نیروهای شمالی ایتالیا در بردیه و جنوب جرابوب متمرکز شدند و وسایل کار برای انجام نقشه جنگی از هرجهه فراهم شد. دو ستون بزرگ بحرکت درآمده و ستون شمالی قصبه مرزی مصر یعنی « سلوم » را که در صکنار دریا میباشد و دارای خلیجی است که قابل استفاده ناوهای کوچک است اشغال نمود ستون جنوبی نیز بخش نخلستانهای « سیوارا » که آن نیز در خاک مصر است بدست آورد و بدین ترتیب مبداء تعرض جلوی در خاک طرف تصرف شد.

در سودان نیز واحد های ایتالیائی در افریقای خاوری از اریتره بحرکت آمده ده کوچک « غساله » را اشغال و خط آهنی را که از دریای قرمز به « خرطوم » می رود قطع و امتیاز جنگی مهمی را بدست آوردند.

در این هنگام شماره پادگان انگلیس در باختر « مرسی مطروح » خیلی کم بود و تصور میرفت اگر واحدهای ایتالیا با تندی پیشرفت کنند می توانند کار مهمی انجام داده و بیبروزی های بزرگی نایل آیند.

مرحله نخست تعرض ایتالیا

در سپتامبر ۱۹۴۰ نیروی سبك موتور دار و زره دار ایتالیا در قصبه مرزی سلوم گردآمده و يك لشکر زره دار در حالیکه بوسیله واحد های موتوریزه دیگری پشتیبانی میشد بطور ناگهانی پس از طی ۲۲۰ کیلومتر دهکده کوچک « سیدی برانی » را که در کرانه دریای مدیترانه واقع است تصرف کرده و عناصر انگلیسی را بسوی « مرسی مطروح » عقب رانده و پس از رسیدن لشکرهای دیگری برای حمله دوم آماده شد.

با اجرای این نقشه ستون شمالی ۲۲۰ کیلومتر در خاک طرف پیشروی کرده و تقریباً نخستین هدف خود را بدون مقاومت جدی بدست آورده بود.

در جریان ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۴۰ مارشال گرانز یانی که در -

مرحله اول جنگ به پیروزی‌هایی رسیده بود و واحدهای نیرومندی در « سیدی برانی » و هم چنین در « سلوم » و « بردیه » متمرکز ساخته و در نظر داشت پس از تهیه های کافی راه « مرسی مطروح » را پیش گرفته و از آن پس هرچه زود تر بطرف اسکندریه سرازیر شود .

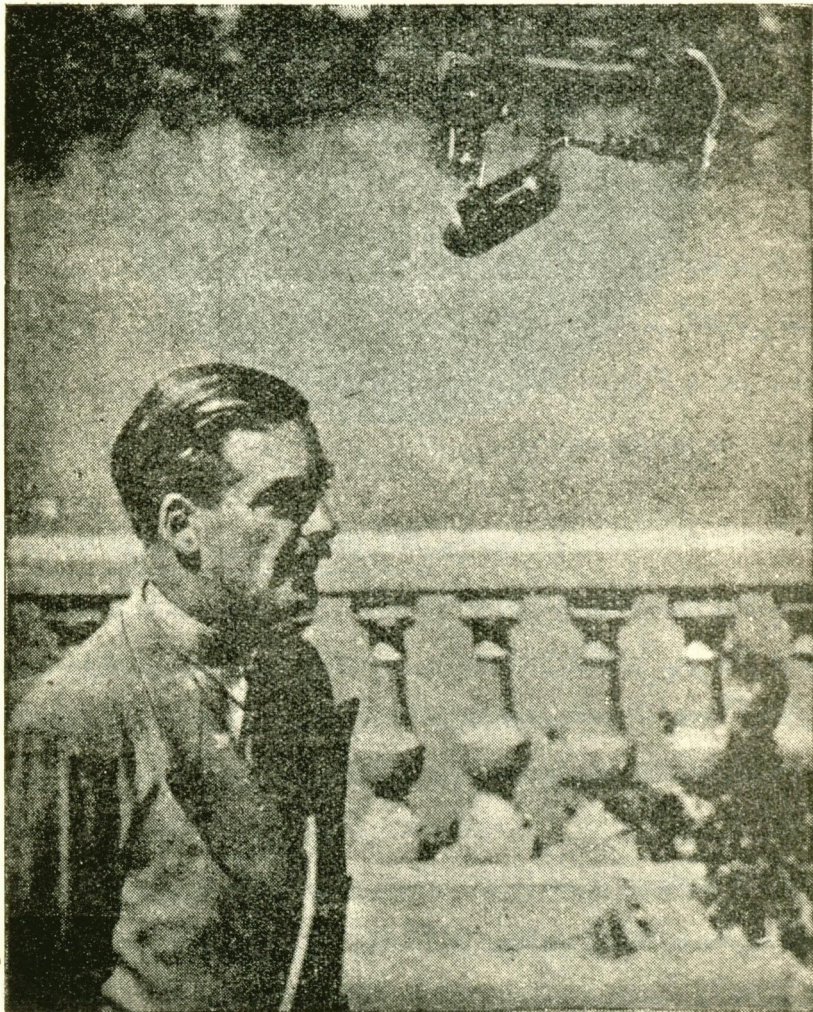
از ۲۵۰ هزار نفر عده ای که ستاد ارتش ایتالیا در افریقای شمالی گردآورده بود بیش از صد هزار نفر ستون شمالی را تشکیل می دادند ولی در نتیجه اشکالات فراوان طبیعی از همه مهمتر نبودن آب تمرکز صد هزار نفر در یک محل غیر ممکن بود .

علاوه بر صد هزار نفر سرباز عده بیشماری نیز وسایل زره دار و کامیونها و - ارابه های جنگی سازمان این ستون بزرگ را تشکیل میداد موضوع پوشاندن همین ستون از نظر نیروی هوایی انگلیس خود کار مهمی بود . محل گرد آمدن سرباز ها نیز میبایستی از روی دقت تعیین شود زیرا در یک بیابان وسیع حرکت يك ستون بزرگ صد هزار نفری با انواع و اقسام اسلحه های سنگین و سبك و توپخانه ارابه های جنگی خیلی کار دشواری بود چون در این بیابان هیچ جا منطقه پر درخت پیدا نمیشود بدین مناسبت ستاد ارتش ایتالیا برای حفاظت هواپیماهای خود فرودگاه های متعددی بین « سیدی برانی » و « جرابوب » تهیه دیده و این رهگذر از تلفات وارده به نیروی هوایی خود تا اندازه جلو گیری کرد زیرا در نتیجه افزایش فرودگاهها واحد های هوایی مجبور نبودند با شماره زیادی در یک فرودگاه تمرکز یابند همین موضوع در مورد حمله نیروی هوایی نیز دخالت داشت و بمباران کردن این همه فرودگاه که در هر کدام ۵ و ۶ بمب افکن پیدا میشد کار بس مشکلی بود .

در ماههای نوامبر و دسامبر نیروی هوایی ایتالیا بهروازهای اکتشافی پرداخته و « مرسی مطروح » و « بهاریه » را که بنا بود در حین آغاز دومین مرحله جنگ اشغال شود سخت بمباران میکرد ولی چون دولت ایتالیا علاقمند بود که روابط خود را با دولت مصر حفظ کند بدین جهت بمب افکنهای ایتالیا هیچوقت به اسکندریه که محل تمرکز واحد های دریائی انگلیس و مرکز فعالیت آنها است حمله نبردند ولی

منطقه سونز چندین بار از طرف دسته های کوچک بمب افکن ها مورد حمله قرار گرفت .

جبلو دارهای ایمالیا در تمام این مدت در ۴ کیلومتری « سیدی برانی » بادیده وزان انگلیس در تماس بودند ولی هنوز بحمله قطعی که مقدمات آن تکمیل نشده بود دست نزده بودند .



آتشونی دن وزیر امور خارجه انگلیس

فعالیت سیاسی و جنگی انگلیس

برای مبارزه با اشکالات فراوان و پیش آمد های مهم لازم بود که دولت انگلیس به فعالیت سیاسی و جنگی بمانندی دست زند زیرا با از بین رفتن لشکرها ی فرانسه در اروپا و خود داری لشکرها ی آن از شرکت در جنگ افریقا نیروی انگلیس دچار خطر بزرگی شده بود زیرا از این پس انگلیس مجبور بود در تمام جبهه ها تنها جنگ کرده و بار سنگین لشکر کشی را بدوش گیرد برای کامیابی در این کار لازم بود بیشینه فعالیت بکار بسته شود در درجه نخست ضروری بنظر میرسید که دو جبهه افریقای شمالی و خاوری از حیث رساندن افراد آزموده و مهمات و مواد جنگی فراوان تقویت شود لشکرها ی پادگان این دو جبهه هر دو جنبه دفاعی بخود گرفته و توانائی زیادی در برابر يك حمله برق آسا نداشتند .

در ضمن اینكه پادگان های كوچك انگلیس در برابر واحدهای بزرگ ایتالیا در افریقای خاوری و شمالی ایستادگی میکردند نیروی دریائی انگلیس از گوشه و کنار امپراطوری واحدهای زیادی را بخاور میانه و افریقا رسانده و در مصر پیاده کرد بطوریکه در مدت کمتر از سه ماه واحدهای جنگی انگلیس در این دو جبهه از هر حیث نیرومند شده و برای تعرض آماده شدند

مرحله دوم تعرض واحدهای انگلیس

چنانچه دیده شد ستون شمالی ایتالیا پس از رسیدن به هدف خود موضع گرفته و نتوانست به (هرسی مطروح) برسد در این مدت ستاد ارتش انگلیس و سرلشکر «یول» که فرماندهی واحدهای امپراتوری را در افریقا بعهده داشت از لحاظ کرد آوری افراد و مهمات و اسلحه کافی و بویژه نیروی هوائی کارهای مهمی انجام داده و واحدهای خود را برای انجام يك نقشه تعرضی آماده نمود .

برای اینکه تعرض واحدهای امپراتوری يك جنبه برق آسا داشته باشد در ۱۱ نوامبر ۱۹۴۰ نیروی هوائی ارتش نیل ناگهان بحمله پرداخته و همه فرودگاهها و مراکز جنگی ایتالیا را در خاور «درنه» بمباران نمودند بدینوسیله تا اندازه از فشار نیروی هوائی ایتالیا کاسته شده در روزهای بعد نیز همین عمل جنگی اجرا شد . در شب ۶ و ۷ دسامبر ۱۹۴۰ حمله هوائی دامنه داری بوسیله کلیه هواپیماهای



سرلشگر سرجان ویل رئیس ستاد ارتش امپراتوری انگلیس

آماده جنگ انگلیس در سراسر جبهه ایمنی اجرا شده و بیشتر فرودگاه ها و بنادر ایتالیا از جمله بندر ترابلس غرب مورد حمله هوایی بسیار شدیدی قرار گرفت در صورتی که چهار روز پیش نیز یعنی در ۲ دسامبر واحدهای زره دار سبک ارتش نیل به بخش نخلستانهای « سیوا » حمله برده و ایتالیائیها را بسوی جرابوب عقب نشانده بودند در نتیجه اجرای این نقشه جنگی واحدهای بزرگ امپراتوری توانستند در جنوب سیدی برانی متمرکز شوند .

روز ۷ دسامبر و همچنین شب هنگام نیروی هوایی انگلیس هیچگونه عملیاتی انجام نداد زیرا بمب افکنها و شکاریها در نزدیکترین فرودگاهها گرد آمده و مأموریت داشتند هنگام آغاز حمله به « سیدی برانی » از واحدهای زمینی پشتیبانی نمایند .

جنگ در سیدی برانی

شب ۸ و ۹ دسامبر ۱۹۴۰ واحدهای زرهی انگلیس با استفاده از تانکی

در باختر « سیدی برانی » بحر کت آمده و بدون هیچ اشکالی به کرانه دریا رسیده و با انجام این عمل ارتباط این قصبه را که مبداء حمله واحد های ایتالیا بمصر بشمار میرفت با سلوم قطع کردند .

در ۹ دسامبر چند واحد بر گزیده پیاده انگلیس با پشتیبانی ارا به های جنگی و توپخانه سبك و سنگین و بمب افکنها از سمت جنوب خاوری برشته استحکامات صحرائی « سیدی برانی » حمله برد . در همین هنگام واحدهای زره پوش با استفاده از پیشروی شبانه از سمت جنوب و جنوب باختری بخطوط دفاعی ایتالیا آنها نزدیک شده و بیدرنك رزم بسیار خونینی در گرفت .

پادگان « سیدی برانی » تقریباً از دولشگر ایتالیائی تشکیل می یافت در صورتیکه شماره لشکرهای هجومی انگلیس خیلی بیشتر از اینها بود در داخل خطوط دفاعی و سنگرها نبردهای وحشت آوری رخ داده و سرانجام پس از ۱۶ ساعت جنگ واحدهای ایتالیا از مواضع خود دست کشیده بسوی سلوم قصبه مرزی مصر عقب نشینی کردند روز ۱۱ دسامبر يك ستون زره پوش ارتش نیل با استفاده از پیروزیهای نخستین روز حمله به پیشروی سریع خود ادامه داده و روز شانزدهم دسامبر پس از انجام يك سلسله نبردهای مخوف قصبه سلوم و دژ « کاپوتسو » را که نخستین نقطه جنگی ایتالیا در خاك لیبی است اشغال نمود در همین هنگام ستون دیگری که مأموریت داشت واحد های ایتالیا را تعقیب کرده و تا میتواند رابطه آنها را قطع کند از سمت جنوب سلوم را دور زده و مستقیماً به نزدیک بردیه رسیده و پس از طی ۲۶۰ کیلومتر از موضع سیدی برانی تا بردیه با لشکرهای ایتالیا تماس پیدا کرد .

در نتیجه نخستین مرحله تعرض انگلیس و جنگی که در مدت ۸ روز از ۸ تا ۱۶ دسامبر ۱۹۴۰ بین سیدی برانی و بردیه در گرفت واحدهای ایتالیا تلفات زیادی دیده و مقدار زیادی اسلحه و مهمات از دست دادند ارتش نیل نیز از آنجائیکه جنبه تعرض پیش گرفته بود و در همه جا با پایداری سخت سربازهای ایتالیا مواجه میشد تلفاتش قابل ملاحظه بودم است .

نبرد بردیه

روز ۱۷ دسامبر ۱۹۴۰ یعنی درست پس از یکروز که واحدهای انگلیس با پادگان بردیه در تماس بود، اینموضع جنگی نیز از طرف يك ستون تند روزرهی احاطه شده و ارتباط آن با (تبروك) قطع گردید واحدهای دریائی انگلیس نیز از راه دریا محاصره را تکمیل کرده و توپخانه سنگین و بمب افکنها دست بدست هم داده و در انجام مقصود فرماندهی کوشش بسزائی بکار بستند.

محاصره بردیه برخلاف سلوم و سیدی برانی طول کشیده و تا ۷ ژانویه ۱۹۴۱ واحدهای انگلیسی از دسترسی باستحکامات « بردیه » عاجز ماندند ولی در اینمدت



سرلشگر ویول فرمانده واحدهای امپراتوری

تهیه يك حمله شديد از هر جهت فراهم آمده و واحدهای زبده ای برای این منظور آماده شدند در پیرامون بردیه که محل تمرکز واحدهای انگلیس بود آب مشروب اصلا وجود نداشت در این مورد نیروی دریائی انگلیس فعالیت زیادی بخرج داده و در مدت ۲۰ روز محاصره در حدود ۳۰۰ تن آب از اسکندریه برای نیروی مهاجم آورد ولی واحدهای ایتالیا که داخل شهر موضع داشتند از چاههای باران استفاده میکردند روز ۷ ژانویه ۱۹۴۱ نیروی دریائی انگلیس دستور داده شده که با تیراندازی شدید خود توجه واحدهای ایتالیا را بسوی شمال جلب کند این ابتکار جنگی با پیروزی قرین شده و بیدرنك پیاده نظام ارتش نیل با پشتیبانی اراکه های جنگی از سمت باختر به سنگرهای ایتالیائیها که بارشته سیمهای خاردار احاطه شده بود نزدیک شد و در آنها رخنه کردند فردای آنروز نیروی مقاومت واحدهای ایتالیا پیاپی یافته و در حدود ۳۰ هزار نفر سرباز اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شدند ولی سپهبد «برکونزلی» که در بردیه حضور داشت موفق شد شبانه در کرجی کوچکی جا گرفته و بدون اینکه دیده شود از پهلوی ناوهای انگلیس رد شده و به «بنغازی» برسد.

پیروی بسوی تبروك

روز ۵ ژانویه ۱۹۴۱ ستون بزرگ ارتش نیل که به تعقیب واحدهای ایتالیا ادامه میداد در همان هنگام که نیروی عمده مشغول پاك کردن بردیه و پیرامون آن بود وسایل کار خود را از هر حیث آماده ساخته و از روی نقشه جنگی بسوی تبروك که با بردیه ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد رهسپار شد.

بخش تبروك که از لحاظ جغرافیائی در ۳۲ درجه عرض شمالی و ۴۴ درجه طول شرقی در شمال افریقا و کنار دریای مدیترانه واقع است از حیث اهمیت جنگی و لشگری و بازرگانی تا حدی بر دیگر بنادر افریقائی برتری دارد این بندر از حیث مساحت ۲۵ میل درازی و ۳ چهارم میل پهنا دارد و سطح این سرزمین کوچک بر خلاف سایر بیابانهای افریقا بوسیله کوههای بلند احاطه شده است و کرانه آن بسیار کود بوده و برای لنکر انداختن و توقف همه نوع کشتیهای بازرگانی و ناوهای بزرگ جنگی مناسب میباشد.

واحدهای انگلیس پس از پیشروی بسوی تبروك روز ۶ ژانویه پس از گذاشتن عناصر سبك بمنظور شناسائی پیرامون خاوری و جنوبی این بندر بدون اینکه نبرد خونینی رخ دهد يك خط دورانی از سوی جنوب دور زده و در باختر بکرانه دریارسیده و با انجام این نقشه ارتباط بندر « تبروك » را با « درنه » که واحدهای کمکی ایتالیا از آنجا حرکت کرده بودند قطع کرد.

بلافاصله با واحدهای کمکی تندرو ایتالیا که بمنظور پشتیبانی مدافعین تبروك حرکت کرده بودند تماس حاصل شده و رزمهای سختی در گرفت سرانجام از پیشروی و فشار آنها جلو گیری شده و محاصره این بندر مهم از هر جهت تکمیل گشت.

با اینکه فاصله بین تبروك و بردیه ۱۰۰ کیلومتر بیشتر نیست با وجود این رساندن واحدهای کمکی زیاد و توپخانه سنگین و بویژه نیروی زره دار باین موضع با دشواریهای فراوانی روبرو میشد زیرا گذر گاههای کوهستانی خیلی سخت در سر راه بود که میبایستی با کمال احتیاط در آنجا پیش رفت.

در روزهای نخست محاصره تنها توپخانه هر دو طرف به تیراندازی دست زده و سایر واحد را زیر آتش خود می گرفتند ولی کم کم جنگ صورت جدی تری بخود گرفته و نیروی هوایی و دریائی نیز دخالت کردند از روز ۱۴ ژانویه ۱۹۴۱ با آنطرف بندر تبروك زیر بمباران هوایی و شلیك دائمی نیروی دریائی و توپخانه سنگین لشکرهای انگلیس قرار گرفت با وجود این مدافعین این دژ جنگی با نهایت بی باکی و خونسردی تا امستادگی میکردند

این وضعیت تا روز ۲۵ ژانویه طول کشیده و پس از آنکه ستاد ارتش انگلیس « بردیه » را بکلی از وجود عناصر و واحدهای ایتالیا پاک کرد و بندیها بسوی مصر فرستاده شدند چند لشکر دیگر از ارتش نیل در اطراف تبروك گرد آمده و با تقویت نیروی های پیشین برای اجرای يك نقشه دقیق حمله آماده گشتند.

نیروی هوایی در این جبهه نیز وظیفه بسیار مهمی را انجام داده و مانند اسلحه ترفیقی واحدهای پیاده و لشکرهای زره دار در پیشروی شرکت می جست بهمین جهت در تمام مدت محاصره « تبروك » بمب افکن های ارتش امیرانوری با حمله بموضع

جنگی تبروك و در نه و فرود گاههای بین سیرنائيك و ترابلس خدمت مهمی انجام داده و اجرای نقشه فرماندهی را آسانتر میساختند.

پیش دستی در جبهه زمین حکمفرمائی بر هوا را نیز سهلتر ساخته و بمب افکن های انگلیسی با خونسردی فوق العاده در رزمهای زمینی شرکت مینمودند نیروی هوائی ایتالیا در نتیجه وارد آمدن تلفات زیاد از فعالیت بیشین افتاده و نمیتوانست آن طوریکه لازم است بواحدهای تندرو ارتش نیل حمله برد.

درهم شکستن ایستادگی

سرانجام پس از ۲۰ روز محاصره فرمانده واحد های انگلیسی پس از تهیه توپخانه بسیار قوی که در عین حال از طرف توپخانه نیروی دریائی پشتیبانی میشد و نیروی هوائی نیز در آن سهم بسزائی داشت شبانگاه به شلیك ویران کننده و وحشت آوری دست زده و در حدود ۶ ساعت تمام این آتش ریزی ادامه پیدا کرد در نتیجه این تیر اندازی بی سابقه و بمباران دهشتناك بسیاری از استحکامات بندری ویران شده و يك رزمنه ایتالیائی نیز که در بندر بود دچار حریق شد ، و غرق گردید توپخانه ایتالیائی ها نیز با شدت تیر اندازی میکرد ولی در برابر سماجت مهاجمین بالاخره مجبور بسکوت شد.

پس از این بمباران شدید سمپده دم يك لشکر استرالیائی در جبهه ای به پهنای ۸ کیلومتر با پشتیبانی ارابه های جنگی بحمله پرداخته و در استحکامات بندر و سنگر های ایتالیائیها رخنه کرد . جنگ با شدت هر چه تمامتر بین مدافعین و مهاجمین در گرفته و در حدود ۳۰ ساعت با حدت بسیاری ادامه یافته سرانجام واحد های ایتالیا که از هرسو محاصره شده و سخت در فشار بودند از ایستادگی دست کشیده و اسلحه را زمین گذاردند.

در ضمن انجام این سلسله جنگها که با سرعت زیاد توأم بود در حدود ۲۵ هزار نفر سرباز ایتالیائی بندی شده و غذائیم جنگی زیادی بدست ارتش نیل افتاد . تلفات انگلیسیها نیز قابل ملاحظه بود بویژه از این لحاظ که در تمام عملیات جنبه تعرض پیش گرفته و مجبور بودند با وادار کردن بیشینه فشار مقاومت ط-رف را

درهم شکستند.

پس از تسلیم پادگان « تبروك » يك ستون از واحدهای زره‌دار انگلیسی برای تکمیل عملیات جنگی آماده شده و بیدرنك بطرف « درنه » حرکت و رز ۲۹ ژانویه ۱۹۴۱ در ۵ کیلومتری خاور این موضع با واحدهای ایتالیا تماس پیدا کردند.

این وضعیت بخوبی ثابت میکرد که نبرد در بیابانهای خشك و سوزان افریقا با سرعت زیاد تعقیب میشود و جنگ برق آسا در این میدان کارزار نیز عملی است و اسلحه‌های زره‌دار و موتوریزه با وجود اشکالات فراوان شایستگی خود را در این میدان نبرد نیز نشان میدهند. دوروز پس از رسیدن واحدهای انگلیسی بموضع « درنه » این بندر نیز محاصره شده و بمب افکنهای ارتش نیل به بمباران فرودگاههای درنه و ترابلس باختری شروع نمودند.

سقوط درنه

پیش از اینکه عملیات جنگی « تبروك » و پاك کردن این منطقه بزرگ از وجود واحدهای ایتالیا پایان یابد يك ستون تند رو زره‌دار انگلیس بسوی درنه حرکت کرده و پس از ۲۴ ساعت در پنج کیلومتری خاور این موضع با عناصر ایتالیائی تماس پیدا کرد. روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۱ پس از اینکه واحدهای کمکی زیادی از تبروك به درنه رسیدند لشکرهای انگلیس بحمله دست زده و این بندر را نیز هانند سایر بنادر محاصره کردند از این پس نیروی هوائی ارتش نیل حمله‌های شدید خود را متمرکز بر زمین‌هائی ساخت که بین « درنه » و ترابلس باختری واقع شده بود.

جنگ در « درنه » نیز جنبه جدی داشت مدافعین این دژ جنگی با دلاوری کامل نبرد میکردند با اینکه شماره آنها خیلی کم بود و از هیچ راه نیز امید و انتظار رسیدن کمک را نداشتند. با اینکه چند واحد تازه نفس ایتالیا با شتاب تمام از « بنغازی » حرکت کرده و در صدد بودند مدافعین « درنه » را تقویت کنند ولی چون خط محاصره ارتش نیل دور این بندر نیز کشیده شده بود بدین جهت از رسیدن به هدف نومید شده

و باز گشتند روز ۲۹ ژانویه يك لشکر زره‌دار انگلیس با پشتیبانی نیروی هوایی به «درنه» حمله برده و پس از رزم خونینی که با واحدهای ایتالیا در گرفت سرانجام پس از ۲۴ ساعت پیروز شده و روز ۳۰ ژانویه این بندر نیز بتصرف واحدهای انگلیس درآمد. روز ۳۱ ژانویه ستون تندرو انگلیسی پس از شصت کیلومتر پیشروی بندر کوچک «آپولونتا» را که در ۶۰ کیلومتری باختر درنه واقع است تصرف کرده و گردانهای احتیاطی ایتالیا را که از ترابلس باختری آمده بودند عقب راند.

نیروی هوایی آلمان در افریقا

پیشروی سریع واحدهای انگلیس و حمله‌های شدید هوایی که از طرف نیروی هوایی ارتش نیل صورت میگرفت واحدهای هوایی آلمان را که در فرودگاه‌های سیسیل متمرکز بودند بشرکت در جنگ افریقا وادار ساخت و برای نخستین بار بمب افکن عمودی آلمان در ناحیه «آپولونیا» بستونهای انگلیسی حمله برده و آنها را متوجه این موضوع ساختند که بمب افکن‌های آلمان در رزم افریقای شمالی شرکت جسته‌اند این همکاری از نظر جنگی ارزش زیادی داشت زیرا نیروی هوایی ایتالیا که تلفات زیادی دیده بود بدین وسیله تقویت شده باز میتواند در عملیات شرکت جوید.

واحدهای انگلیس پس از رسیدن به «آپولونیا» و تصرف موضع جنگی بمبا بسه ستون تقسیم شده و رده بندی پائین را پیش گرفته و باجرای بقیه نقشه جنگ همت گماشتند.

ستون اول که مرکب از سربازهای استرالیایی و هندی بود در امتداد جاده کرانه ای پیشرفته و بسوی «بنغازی» حرکت کرد هدف این ستون بندر مهم «بنغازی» بود.

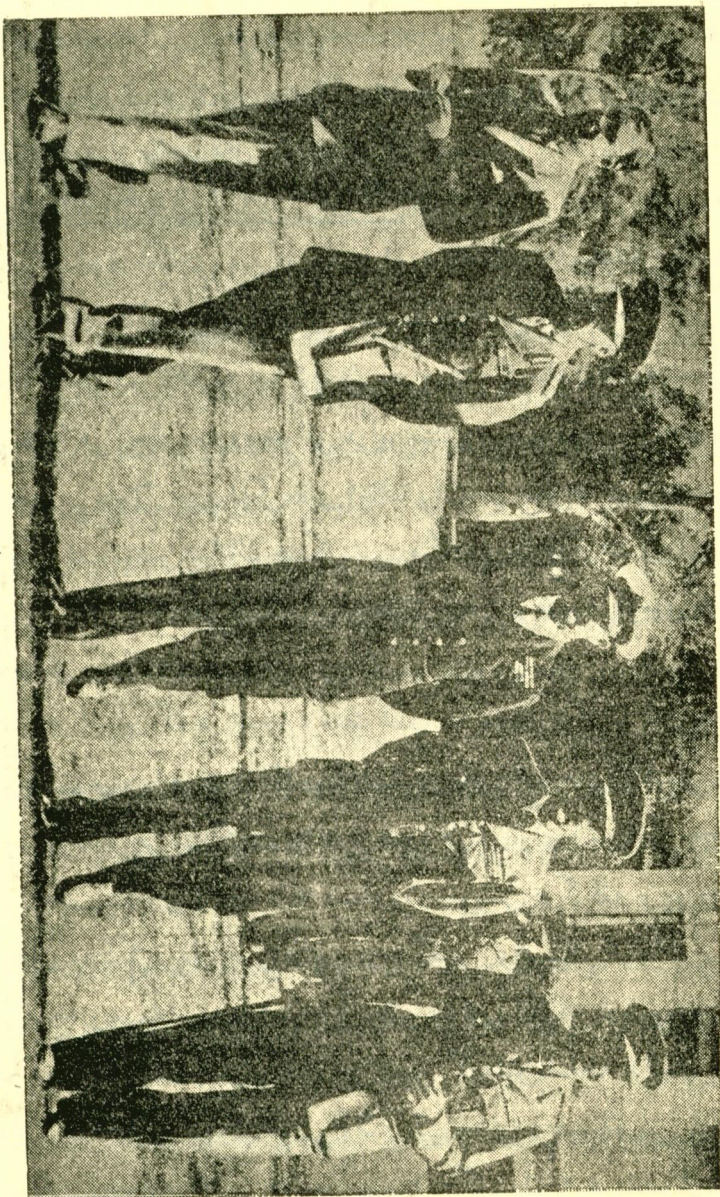
ستون دوم مرکب از واحدهای بزرگ زرهی مستقیماً از راه «کوه سبر» بسوی بنغازی رهسپار شد این ستون مأموریت داشت فلات کوه سبز را از وجود ایتالیائیان پاک کرده و با سرعت تمام به این بندر رسیده و لشکرهای ایتالیا را در این محل نیز محاصره کند. هدف این ستون ناحیه بود که در ۵ کیلومتری جنوب بنغازی در -

کرانه دریا قرار داشت .

ستون سوم که آن نیز از واحدهای زره‌دار و موتوریزه تشکیل می‌یافت وظیفه دار بود تا پیمودن ۱۲۵ کیلومتر از سمت جنوب « کوه سبز » را دور زده و به « العقيله » برسد و با اجرای این مانور ارتباط بخش سپر نائیک را با ترابلس باختری بکلی قطع و از فرار واحدهای ایتالیا جلوگیری نماید .
آخرین مرحله پیشروی واحدهای انگلیس .

واحدهای انگلیس پس از بدست آوردن ناحیه « آپولونیا » در سه ستون بسوی « بن غازی » آخرین حد استان « سیرنائیک » حرکت کرده و روز ۷ فوریه ستون استرالیائی پس از طی ۲۰۰ کیلومتر در مدت ۴۰ ساعت ناحیه شمالی بن غازی را مورد حمله قرار داد . نیروی هوایی در این پیشروی سهم مهمی را به عهده داشت و با حمله‌های پی در پی خود لشکرهای ایتالیا را که در همه جا عقب نشینی میکردند فرسوده میساخت بیشتر عملیات جنگی شب هنگام صورت میگرفت زیرا روزها برای جنبش ستون‌های بزرگ هم از نظر حمله هوایی و هم در نتیجه گرمای طاقت فرسا بینهایت مشکل بود .

نیروی ایتالیا که در نتیجه نزدیک شدن سه ستون از ارتش نیل بسمت جنوب عقب می‌نشست ضمن اجرای نقشه خود با ستون دوم واحدهای انگلیس که از کوه سبز بسوی بن غازی حرکت کرده بودند برخورد کرده و برای اینکه در محاصره نیفتد بحمله بی نهایت شدیدی دست زد بلا فاصله رزم خونینی در گرفته و در چند ساعت متوالی ادامه پیدا کرد ولی چون ستون دوم انگلیس توانست در نتیجه برتری از حیث افراد و اسلحه و مهمات و وسایل رزم آزمائی خود را بکرانه دریا برساند واحدهای ایتالیا در محاصره افتاده و هیچ چاره جز زمین گذاشتن اسلحه نداشتند . در این گیر و دار کمک مؤثر نیروی هوایی آلمان نیز بجائی نرسیده و پس از انجام یک سلسله نبردهای خونین ولی بی نتیجه سپهد « برکونزولی » فرمانده ارتش خاوری لیبی که چندی پیش موفق شده بود از بر ديه خود را نجات داده و به بن غازی برسد بایک فرمانده سپاه و ۱۵ هزار نفر سرباز اسلحه را زمین گذارده از کشتار و خون ریزی



در این گراور از چپ بر است انتونی ابن وزیر امور خارجه انگلیس ژنرال سر جان وبل
رئیس ستاد ارتش امپراتوری انگلیس دو یا سالار کونیکهام

بی نتیجه دست نگهداشتند .

روز ۸ فوریه ۱۹۱۴۱ ستون سوم ارتش نیل به العقیله رسیده و پس از پیشروی بسمت جنوب باختری در کرانه خلیج « سرت » به اشغال قصبه « سرت » نایل آمده و با انجام این قسمت از نقشه جنگ تمام استان سیر نائیک به تصرف واحد های انگلیس در آمد . در این موضع بیابان خشک و بی آب و علف « سرت » که استان سیر نائیک را از ترابلس باختری جدا میسازد مانع ادامه پیشروی شده و فرمانده ارتش انگلیس سر لشکر « ویول » که در این قسمت جنبه دفاعی گرفته بود برخی از لشکر ها را برای تعرض به جبهه سودان و اریتره انتقال داد . . .

فعالیت سیاسی در خاور میانه

در ضمن اینکه عملیات جنگی ارتش نیل در افریقای شمالی با پیروزی پیشرفت داشت فعالیت های سیاسی بی سابقه نیز در خاور میانه حکمفرما بود . وزیر امور - خارجه انگلیس اتونی ادن و سر لشکر سرجان دیل رئیس ستاد ارتش امپراتوری برای سومین بار بمصر آمده و باز مامداران ارتشی انگلیس مشغول راینزی بودند . دامنه این فعالیت سیاسی تا ترکیه نیز کشیده شده وزیر امور خارجه انگلیس و رئیس ستاد ارتش این کشور در ضمن مسافرت خود بخاور میانه به آنکارا نیز رفته و با زمامداران این کشور بگفتگو پرداختند . دلیل این همه کوشش واضح بود زیرا پس از پیوستن کشور بلغارستان به پیمان سه جانبه لشکرهای آلمان بطور منظم پس از - گذشتن از رومانی مواضع جنگی بلغار را اشغال و در سراسر مرز یونان و یوگوسلاوی تمرکز یافته بودند .

بهمین جهت بود که در ۱۰ فوریه ۱۹۴۱ از پیشروی واحد های انگلیس بسوی ترابلس جلوگیری شده و ستاد ارتش انگلیس در نظر داشت سپاهی از افراد برگزیده واحد های خاور میانه را به یونان اعزام دارد و بستگی جنگ های افریقای شمالی با حوادث بالکان و نبرد هائی که در این قسمت از اروپا رخ داد بیشتر از این نظر است .

نیرو باز کرده و پس از عبور از آلمان داشت حاصل بخیر و والاشی» روده بنیاد و انوید و
پشت سر خود گذاشته و سرزمین بلغار رسیدند چون جنگی دویش نبود این نیرو باز
بلدینهای خوشی و معشرت انجام گرفت زشته کوههای بالکان مانند آخرین مانع در زیر
بال این ماشینهای پرند و واقع شده و بجهت افکنها و جنگاویها هر فروم گاههای بر و کسب
و خرم کشور بلغار بزمین نشستند پس از فرو رفتن آمدن همه دسته و او ایستاده تو نهی حامل
مهمات که در نقاط دور دست آلمان بار گیری شده بود فاصله ۲۴ ساعت به بلغار رسید
ولی در سر راه این قطارها با اشکالات فراوانی روبرو شده با اینحال بدون آنکه
حادثه‌ای رخ دهد سالم بمقصد رسیدند ستونهای بزرگ کامیونها نیز از پس قطارهای
حامل مهمات که پر از افراد و کارکنان نیروی هوایی بود پس از عبور از گردنه‌های
بلند و دره‌های شگرف بکشور جالب توجه بلغارستان رسیده و مورد محبت همه
اهالی قرار گرفتند.

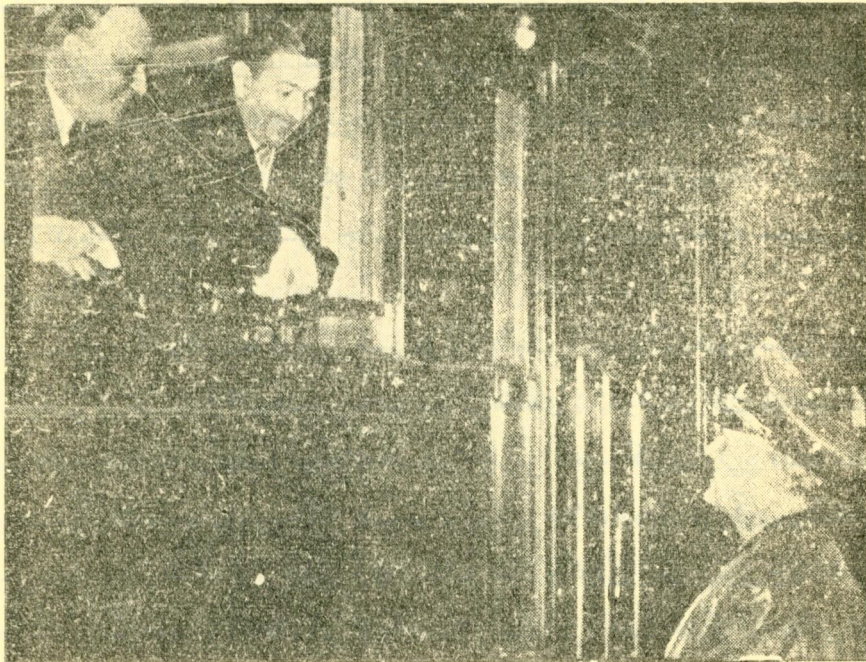
بسیاری از واحدها در حین عبور از رود دانوب با بیش آمدهای زیادی روبرو
شده و حتی برخی از اوقات چندین ساعت متوالی معطل شده و از حرکت باز میماندند
عبور واحدهای موتور دار و توپخانه سنگین از این مانع با کندی ولی با دقت تمام
صورت میگرفت راههای شوسه این قسمت از اروپا برخلاف اروپای مرکزی و باختری
خیالی نمک و باریک است و بیشتر آنها اسفالت نشده و عادی است بهمین جهت ستون
کامیونها و لشکرهای موتور دار پس از چند روز راه پیمایی در حالیکه گرد و خاک زیادی
روی زره توپها و ارابه‌ها را پوشانده بود از رود دانوب که مرز بین رومانی و بلغارستان
است گذشته وارد کشور بلغارستان شدند. با این ترتیب واحدهای برگزیده ارتش
آلمان از دو صنف هوایی و زمینی بدست آمدند و چون متعاقباً در سرزمین بلغارستان
تحت فرمان مارشال ایست در مرزهای یونان متمرکز شدند با اجرای این تصمیم وضعیت
کشور بلغارستان کاملاً روشن شده و موقعیت آن از هر جهت مستحکم شد.

نگاهی بسوی یوگوسلاوی

در این هنگام که در هر کدام از کشورهای بالکان برای تعیین سر نوشت خود روشی
پیش گرفته و سیاستی را تعقیب میکردند کشور یوگوسلاوی نیز با توجه باوضاع

سیاسی بالکان نقشی را بازی میکرد که چندان خطرناک نبوده و ممکن بود از روشن شدن آتش جنگ جلو گیری کند.

در آغاز ماه آوریل ۱۹۴۱ این فعالیت سیاسی به بیشینه شدت خود رسیده و نخست وزیر و وزیر امور خارجه یوگوسلاوی به وین رهسپار شده و روز چهارم آوریل ۱۹۴۱ پیمان سه جانبه را امضا کردند.



سینکار مار کوویچ وزیر امور خارجه و تسکوویچ نخست وزیر یوگوسلاوی هنگام خدا حافظی با وزیر امور خارجه آلمان فن رین تروپ در سالزبورگ پس امضای پیمان سه جانبه «برلین رم توکیو»

وضع جغرافیائی یوگو اسلاوی

کشور یوگو اسلاوی که همان سرستان پیمش از جنگ بزرگ است موقعیت ویژه ای داشت که شاید هیچ کشوری دارای چنین موقعیتی نباشد. کشور یوگو اسلاوی در بخش باختری بالکان قرار گرفته و در عین حال سرزمینی است که به حوزه دانوب بستگی دارد این کشور علاوه بر اینکه بدو حوزه

بالکان و دانوب مربوط است کشور ناحیه آلپ و کرانه دریای آدریاتیک نیز بشمار می‌رود رشته کوه‌هایی که از آلپ جدا شده و در طرف جنوب شرقی پیشرفته و تاپلوپونز منتهی می‌شود ستون فقرات این سرزمین را تشکیل می‌دهد اما این رشته کوه که بی‌نهایت سخت گذر میباشد برقراری ارتباط را بین بنادر بزرگ دریای آدریاتیک و دشتهای حاصلخیز دراو و « ساو » و کرانه های رود بزرگ دانوب و بلندیهای و ارار بی‌نهایت مشکل میباشد .

یوگو اسلاوی با آلمان و ایتالیا و مجارستان و رومانی و بلغارستان و آلبانی ایتالیا و یونان مرز مستقیم دارد داشتن اینهمه مرز و مستحکم ساختن آنها بمنظور دفاع کار بسیار مشکلی است با وجود این زمامداران اینکشور از چند سال پیش در برخی از مرزها بساختن رشته استحکاماتی شروع کرده و نیز واحدهای جنگی خود را تا آنجائی که ممکن بود تقویت کرده بودند .

سازمان جنگی این کشور

واحدهای جنگی این کشور پیش از جنگ کنونی بچهار ناحیه با سپاه تقسیم میشدند

سپاه بلگراد با ۵ لشکر سپاه سرازوو با ۴ لشکر سپاه اسکوبلینه با ۴ لشکر سپاه (زا کرب) با ۳ لشکر

هر لشکر مرکب از ۳ هنگ پیاده بود که هر يك از آنها ۳ گردان داشته و يك هنگ توپخانه و علاوه بر این قسمتها يك هنگ سوار و دو هنگ توپخانه سنگین و يك گردان استحکامات و سازمان فنی نیز جزو يك لشکر است .

شماره سربازهای زیر پرچم زمان صلح از ۱۱۰۰۰۰ نفر سرباز و ۶۷۴۰ افسر تشکیل می‌یافت ولی در ضمن انجام يك بسیج کامل یوگو اسلاوی میتواندست ۳۲ لشکر مجهز در اختیار داشته باشد .

۲۶ مارس ۱۹۴۱

در ۲۶ ماه مارس که هوا بی‌نهایت خوب و لطیف بود وزارت امور خارجه یوگو اسلاوی با فعالیت زیادی مشغول کار بود در نتیجه تغییرات سریعی که در اوضاع



در سال ۱۹۳۸ در مجلس ضیافت باشکوهی که از طرف آدلف هیتلر پیشوای آلمان در برلن برپا شده بود (پل) نایب السلطنه یوگوسلاوی نیز حضور یافت در ضمن این دیدار پایه همکاری نزدیک دو کشور کار گذاشته شد :

را از سر راه خود دور ساخت .

امشب « سیمویچ » با حسالت بسیار عصبانی منتظر آمدن سایر وزیران بود تا موقعیت کشور خود را مورد بررسی قرار داده و تصمیم بگیرند که آیا باید جانب صلح و آرامش را گرفت یا با همسایه های بزرگ آلمان و ایتالیا داخل جنگ شد .
ارتباط با واشنگتن

در تالار ویژه که سر لشکر « سیمویچ » مشغول قدم زدن بود چراغ برقه های بی شمار روشنائی شکفت انگیزی سالون بخشیده بود پرده های ضخیم جلو تمام پنجره های تالار افتاده و مانع از تابش نور بخارج عمارت بود . در پیرامون میز بزرگ جلسه ۱۷ صندلی گذاشته شده بود زیرا هیئت دولت جدید یوگوسلاوی از ۱۷ نفر مردان عالی رتبه تشکیل می یافت نام هر يك از وزیران که میبایستی در این جلسه تاریخی شرکت جسته و آخرین تصمیم خود را بگیرند روی کاغذ کوچکی نوشته و جلو صندلیها گذارده شده بود .

در جریان گردشی که سرلشکر « سیمویچ » در پیرامون میز میکرد ناگهان چشمش جلو صندلی دوم افتاده و نام دکتر « ماچک » معاون نخست وزیر و رئیس حزب « اکروات » توجه او را جلب کرد هنوز چند ثانیه از این برخورد نگذشته بود که سرلشکر « سیمویچ » بایک حالت آشفته کارت را بدست گرفته و او را هزار باره کرد در همین لحظه که این پیش آمد در تالار رخ میداد و باره های کاغذ هنوز در میان انگشت های نخست وزیر بود در بزرگ با آهستگی تمام باز شده و پیر مرد خسته و رنگ پریده ای مثل اینکه از بیماری درازی نجات یافته باشد وارد و جلو « سیمویچ » ایستاد این پیر مرد بیمار وزیر امور خارجه جدید دولت یوگوسلاوی « مو مچیلونین » جیش بود .

سرلشکر پس از اینکه پاسخ سلام وزیر را داد چند لحظه رو بروی آن توقف کرد « سیمویچ » و « لین چس » از هر جهت با هم اختلاف زیادی داشتند . سرلشکر دارای قامتی بلند و سیمائی بر افروخته و لب های برآمده ایست وزیر امور خارجه برعکس با قد خمیده و نگاه بی فروغ خود خیلی ساده بنظر میرسید .

وزیر امور خارجه در حالیکه در یکی از گوشه های تالار روی صندلی راحت چرمی جا گرفت به نخست وزیر اظهار داشت: « من بایستی نتیجه کوشش و اقدامات چند روزه خود را که در سفارت آلمان بکار برده ام بشما بگویم. من با دو نظر گرفتن وضع باریک فعلی داخل عمل شده و تصور میکنم در این مورد به موقعیتهائی نائل آمده ام. من در ضمن گفتگوهای مفصل بوزیر مختار آلمان فهماندم که دولت یوگو-اسلاوی بطور مطمئن تعهد میکند پیمانی را که با کشور های محور امضاء کرده محترم شمارد البته عقیده شخصی من نیز بر این است که ما بایستی در این موقع بسیار با احتیاط پیش برویم.

سرلشکر « سیمویچ » با آشفته گی کامل از وزیر امور خارجه سؤال کرد: وزیر مختار آلمان در پاسخ شما چه گفت؟

او در جواب من گفت « آقای وزیر امور خارجه عقیده شخصی شما مورد بسی اطمینان است ولی سرلشکر « سیمویچ » نخست وزیر بطور رسمی در بلگراد بینگی از سیاستمداران اظهار داشته است که هرگاه آلمان به ایتالیا کمک نموده و بر علیه یونان به اقدامات جنگی دست زند یوگو اسلاوی بیدرتک به آلبانی و ایتالیا حمله خواهد برد.

آیا شما حقیقتاً چنین اظهاری کرده اید؟

نخست وزیر بدون اینکه باصل موضوع اهمیتی دهد جواب داد « بلی من گفته ام و عقیده شخصی من چنین است »

وزیر امور خارجه با سیمای گرفته رشته سخن را بدست گرفته و گفت شما درست درباره آنچه که گفته اید و اظهار میدارید خیلی تامل و فکر کرده اید ولی من چنین می پندارم که اظهارات شما خیلی مخاطره آمیز میباشد در صورتیکه در این وضع کنونی بیش از اینها ما بایستی محتاط باشیم شما آقای نخست وزیر کمتر از آنچه که مورد نیاز است ما را در جریان اوضاع میگذارید در صورتی که در این وقایق بر پیچ و خم همکاری کارمندان کابینه بایستی به بیشینه حد خود برسد از همه مهمتر باید با سفارت آلمان در تماس باشیم تا از تحول سریع حوادث سیاسی

باخبر شویم. در این لحظه که وزیر امور خارجه با حالت گرفته سخن میگفت در بزرگ تالار به سختی باز شده و یک نفر با صدای بلند اظهار داشت : آقای نخست وزیر ارتباط تلفنی با واشنگتن برقرار است میتوانید گفتگو کنید. بیدونک سرلشکر سیمویچ روی صندلی چرخ زده از جای خود بلند شده و تالار را ترک گفت وزیر امور خارجه با حالت بسیار عصبانی از جای برخاسته و دو سه بار طول تالار را پیموده برای دومین بار روی صندلی راحتی بزرگی افتاد در ضمن انجام این عمل نگاهش به کاغذ پاره هائی افتاد که روی زمین افتاده بود ولی متوجه نشد که این تکه پاره های کاغذ کلمات اسم د کتر «ماجک» میباشد.

شورای وزیران یوگوسلاوی

هنوز چند لحظه نگذشته بود که سایر وزیران در تالار حضور یافتند. همه آنها بدون اجتناف آشفته نظر میرسیدند و صورتهای برافروخته آنها ثابت میکرد نسبت به پیش آمد های اخیر و تحولات سریع اوضاع و تیره شدن روابط با کشور های محور با اوضاع خوشبین نمیشدند. در چنین موقعی از وزیر امور خارجه پرسیدند که نخست وزیر کجاست ؟ وزیر امور خارجه که بی نهایت احتیاط کار بود نتوانست به همکاران خود بگوید که سرلشکر «سیمویچ» با واشنگتن مشغول گفتگوی تلفنی است و با کاخ سفید در ارتباط میباشد. این مرد که از سایر همکاران خود بیشتر از جریان کارها اطلاع داشت نسبت به سر نوشت کشور بی نهایت بدبین و از پیش آمدهای بیمناک بود.

این مرد شالخوار که سیاست خارجی کشور را بدست گرفته و در نظر داشت در این راه نهایت کوشش را بکار برد و از کشاندن شدن «یوگوسلاوی» به جنگ جلو گیری کند از جریان کارها نگران بود زیرا پیش بینی میکرد که سر نوشت کشور سخت دچار مخاطره شده است پرستشهای پی در پی سایر وزیران «نین چیش» را سخت نا راحت کرده و سر انجام تصمیم گرفته بود نتیجه اقدامات خود را به آنها نیز بگوید ولی هنوز بصحبت شروع نکرده بود که نخست وزیر باز گشته و وارد

تالار شد.

سیمای «سیمویچ» نخست کلکون شده و دم زدن آن به سختی انجام میگرفت در پیشانی این افسر دانه های درشت عرق خود نمائی میکرد. شبیه مردی بود که خیر تازه ای شنیده و بسیار خوشحال است. نخست وزیر برای تشکیل شورا پشت میز قرار میگرفت تمام حرکات و رفتار او ثابت میکرد که بسیار خوشحال و مسرور است. باری پس از آنکه همه وزیران در جای خود نشستند «سیمویچ» آغاز سخن کرده و گفت: «اکنون موقع آن فرا رسیده است که ما تصمیم جدی و درستی بگیریم در این دقائق باریک سیاست مهم دیگر بدر نمیخورد.» نخست وزیر با توجه باوضاع سیاسی جهان حوادث گذشته را مورد توجه قرار داده و اظهار داشت اروپای جدیدی که همسایه های ما در صدد تشکیل آن هستند با آرمان و آمالهای ما جور در نمی آید زیرا ما نمی توانیم شاهد پیروزیهای پی در پی جنگی همسایه بزرگ خود باشیم. پس از ایراد این مطالب «سیمویچ» باین نتیجه رسید که یوگوسلاوی بین این دو دنیا باید یکی را برگزیند یا باید بسوی آلفاتها گرائد و یا از انگلیس ها که همه امریکا پشتیبان آنها میباشد پیروی کرد. در این جلسه تاریخی بایستی یوگوسلاوی تصمیم بگیرد و سرنوشت خود را معلوم کند. پس از این اظهارات نخست وزیر و وزیر امور خارجه خیلی میل داشت اظهاراتی کند و اوضاع را بیشتر روشن نماید ولی در عین حال يك نوع ترس و اضطرابی سراپای او را فرا گرفته بود. سرانجام عقیده خود را اظهار داشته و گفت: احساسات عمومی راجع به پیش آمدهای اخیر خوب نیست و بیشتر اهالی نسبت به اوضاع نگران میباشند بعقیده من باید در درجه اول به تسکین و آرامش مردم اقدام کرد از آن پس بمسائل خارجی پرداخت و این اقدام عملی نخواهد شد مگر اینکه زمامداران کشور تصمیم فوری و جدی بگیرند. وزیر امور خارجه که بنوبه خود تحت نفوذ نخست وزیر قرار گرفته بود بیانات خود را با اظهار جمله پائین پایان داد.

بطور محقق آقای نخست وزیر بایستی تصمیم بگیرد و در این راه باید از

سیاست انگلیس ها و امریکائیها پیروی شود و همه ما که در این جلسه شرکت جسته ایم با این سیاست کاملاً موافق هستیم پس از این گفتگوها همه وزیران با حرارت بی-مانندی گفته نخست وزیر و وزیر امور خارجه را تصدیق نمودند. سیمویچ از این بیانات خوشوقت گردید ولی در عین حال در تشخیص این موضوع مردد بود که آیا وزیران میل دارند بیرون رفته و قتلار را ترك گویند چون در نظر داشت با وزیر امور خارجه تنها صحبت کند بدین منظور بادست اشاره بسوی (نین چیش) کرده و باهم از قتلار خارج شدند بیدرنك در قتلار دیگری نخست وزیر و وزیر امور خارجه بگفتگوی دیگری پرداختند نخست وزیر در ضمن گفتگو اظهار داشت:

« برای اینکه نتایج مهمی که از کودتا بدست آمده مورد تفسیر ضد و نقیض قرار نگیرد ما باید باتمام نیرو کوشش کنیم که پیش از آنکه كمك مؤثر انگلیس و امریکا بما نرسد با آلمان داخل جنگ نشویم »

پس از کمی تأمل (سیمویچ) اظهار داشت:

« یوگوسلاوی نباید بر علیه آلمان قیام کند زیرا این کار کاملاً بزیان ما تمام خواهد شد هم چنین آلمان نیز شایسته نیست با ما ستیزه جوئی کند »

سر هنتک دونوان

نخست وزیر و وزیر امور خارجه یوگوسلاوی پس از آنکه برای دومین بار روبروی هم نشستند سیمویچ با احتیاط کاملی مانند شخصی که بفکر مشغول است گفت « در آن هنگام که یل نایب السلطنه زمام امور را بدست داشت نماینده رسمی روزولت رئیس جمهور کشورهای متحد امریکایی شمالی با عنوان رسمی ولی بدون اینکه اختیار انجام کار مهمی را داشته باشد بکشور یوگوسلاوی آمد این مرد همان سر هنتک دونوان بود که در ۲۳ ژانویه ۱۹۴۱ بیلگراد وارد شد »

« این فرستاده مخصوص که از اقیانوس اطلس گذشته و بسیاری از کشورهای اروپا را دیده و سرانجام بیلگراد رسیده بود با بسیاری از مردان سیاسی از جمله یل نایب السلطنه و نخست وزیر پیشین و وزیر امور خارجه گفتگو کرد و در ضمن با من هم ملاقات کرد »

سرهنك دونوان مرد بسیار روشن بینی بود بهمین جهت پس از رسیدن بپای تخت یوگوسلاوی و گفتگو بامردان سیاسی این کشور بیدرنك دریافت که دولت و زمام داران کشور نمی‌توانند وظایف محول بخود را بخوبی انجام دهند.

سرلشکر سیموویچ هنگام دیدار با این مرد سیاسی عقیده او را تأیید کرد. بنابراین انجام هر امری از قبیل (کودتائی که شد) صورت پذیر بود عناصر ارزشی بکار خود علاقه‌مند بودند و با اطمینان کاملی از اقدامات سیموویچ پشتیبانی میکردند در آن هنگام که این ملاقات بین سیموویچ و دونوان رخ داد سرهنك امریکائی از اقدامات سیاسی آلمان در بالکان اطلاع دشت و دقیق ترین اخبار در این مورد از واشنگتن باو میرسید به نخست وزیر آتیۀ یوگوسلاوی اطمینان داد که آلمان نخواهد توانست پس از اینهمه شکست های سیای که در حوزه بالکان دیده بعملیات جنگی که بایرروزی قرین باشد دست زند.

در اینجا سرلشکر سیموویچ با صدای خیلی پست تری بگفته های خود چنین ادامه داد:

« هنگامی که محافل سیاسی و سران جنگی از دخالت نیروی جنگی آلمان در یونان شك و تردید داشتند اظهارات سرهنك امریکائی آنها را بیش از پیش مطمئن ساخت. »

از آن پس سیموویچ صدای خود را بلند تر کرده و گفت: « هنگامی که تصمیم گرفته شد کودتائی صورت گیرد من می‌دانستم که میتوانم وظایف خود را انجام داده و با مشکلات فراوان مواجه شوم زیرا امریکا بمن قول قطعی داده‌است که در صورت ضرورت بیدرنك بکمک ما شتابد. »

وزیر امور خارجه که از این همه پیش آمد های مهم بیخبر بود با حالت آشفته از جای خود پریده و پس از آنکه دست های خود را روی میز تکیه داد فریاد کشید.

پس بچه جهت آقای نخست وزیر مراد جریان هیچکدام از این اقدامات سیاسی که برای تأمین امنیت کشور ما بکار بسته رفته نگذاشته‌اید؟ مگر من وزیر امور خارجه

این کشور نیستیم؟ مکرر نه اینست که وزارت امور خارجه باید از همه کارهای سیاسی اطلاع داشته باشد ؟

سیمویچ بالحن شدیدی شروع بحرف زدن کرده و گفت برای اینکه می - بایستی تمام این اقدامات با احتیاط کامل و اسرار آمیز انجام پذیرد اگر شما را در جریان امور میکذاشتم ممکن بود سایر وزیران نیز آگاه گشته و مزاحمت ما را فراهم میگردند .

وزیر امور خارجه پس از شنیدن این جمله های آتشین بازروی صندلی خود دراز کشیده و بدون اینکه در مقام پاسخ بر آید چشم های خود را بست .

سیمویچ هم چنین بحرف زدن خود ادامه داد « من نه تنها با سرهنك دوتوان در تمام مسائل مربوط سیاست خارجی یوگوسلاوی موافقت نظر پیدا کردم بلکه در ۸۰ ساعت اخیر ۱۷ بار با نماینده رئیس جمهور امریکا « بلیس لان » که در بلگراد است بگفتگو پرداخته بعلاوه تمام روز ها باتلفن با کاخ سفید واشنگتن ارتباط داشتم و دوساعت پیش نیز چنانکه دیدید بازمامداران امریکا صحبت کردم و اکنون پیمانی بین یوگوسلاوی و امریکا بسته شده و این کشور بزرگ تصمیم جدی گرفته است بمانك رسانده و نیازمندیهای ما را در صورتیکه جنگی رخ دهد از هر جهت بر طرف سازد . رئیس جمهور روزولت بمن اطمینان داده است که در مدت دو ماه مقدار زیادی مهمات و مواد جنگی که مورد نیاز ما خواهد بود بکشور یوگوسلاوی ارسال دارد . بویژه هواپیما های بمب افکن و شکاری در دو ماه . بلی در دو ماه در صورتیکه از این مدت نیز اکنون ده روز سپری شده است .

بنابر این پس از ۶ هفته مواد جنگی و مهمات در بنادر یوگوسلاوی خواهد بود . در درجه دوم كمك مالی است که من در آخرین گفتگوی تلفنی خود توانستم آنرا بدست آورم و کشورهای متحد امریکای شمالی برای ما يك اعتبار نامحدود در نظر گرفته اند تا بدین وسیله همه نوع اسلحه و مهمات را از آنجا بدست آوریم . « اما از همه این مسائل مهمتر پیش آمده است که بتازگی رخ داده است و این آمدن « اتونی ادن » وزیر امور خارجه انگلیس بلگراد است ،

اطمینان روزولت

اینجا « نین جیش » برای دومین بار گفته های سرلشکر را قطع کرده و بابت
حالت بسیار عصبانی گفت :

چطور آقای سرلشکر « انتونی ادن » در بلگراد است پس چگونه من او را
ندیدم ؟ در صورتیکه من خیال میکردم این کار هیچوقت عملی نخواهد شد بهمین
جهت دیروز هنگامی که آلمانها از من سؤال کردند که آیا آمدن وزیر امور -
خارجه انگلیس به پایتخت یوگوسلاوی درست است یا نه من در ضمن اینکه با حالت
عصبانی به آنها پاسخ دادم سوگند یاد کردم که « انتونی ادن » به بلگراد نیامده است.
در صورتی که او اینجا بوده است ؛ حقیقت قضیه اینکه آقای نخست وزیر من
از این همه پیش آمد های بیج در بیج چیزی نمی فهمم . من متأسف نیستم از -
اینکه چرا سوگند دروغ گفته ام ولی متأثرم از اینکه شما آقای نخست وزیر هنوز
هم بمن اطمینان ندارید و مرا همکار صمیمی خود فرض نمیکنید .
در این هنگام سرلشکر چنان وا نمود کرد که گفته های وزیر امور خارج را
را نشنیده است و شروع بصحبت نمود .

« ادن وزیر امور خارج انگلیس با من ملاقات کرد گفتگو های مابین نهایت
صمیمانه بود آقای وزیر امور خارج مادر زمان جنگ هستیم و چنانچه میدانید زمان
جنگ قوانین و مقررات ویژه ای دارد . بلی وزیر امور خارج انگلیس در بلگراد پیش
من بود . دیپلماتی انگلیس خیلی خوب کار میکند و گمان میکنم همین روز ها
به پیروزیهای بزرگی نایل آیند ادن در صدد تهیه يك جبهه نیرومند از ترکیه و -
یونان و دولت اتحاد جماهیر شوروی و همچنین یوگوسلاوی است که بر علیه کشور
های محور بکار برد .

در این مورد وزیر امور خارج انگلیس از رئیس جمهور روزولت اطمینان
های قطعی گرفته است امریکا در نظر دارد کشور ما را بیک دژ جنگی تبدیل کرده
و بر علیه محور بکار برد .

بهمین جهت کشتی های حامل مهمات پشت سر هم حرکت کرده و بکرانه

های یوگوسلاوی خواهند رسید از همه اینها مهمتر ستاد ارتش انگلیس نیز همه نوع کمک جنگی را بما کرده و سعی خواهد کرد که در این جبهه واحدهای جنگی کشور های محور را شکست دهد.

بقیه وزبران نیز که برای دومین بار در تالار بزرگ حضور یافته بودند پس از پایان اظهارات نخست وزیر از جا برخاسته یکایک بوی دست دادند. سیمویچ از اینک در این جلسه تاریخی کامیاب گردید بسیار خوشحال بود ولی برعکس همه وزبران «نین چیش» وزیر امور خارجه نگران و مضطرب بنظر میرسید.

سرانگسر پس از اظهار حقشناسی از همکاران خود بطرف وزیر امور خارجه روان شده و دست های او را در دست گرفته اظهار داشت.

کدورت خیلی ناچیزی بین مادونفر حکم فرماست ولی من بشما قول میدهم هنگامیکه آرامش کامل برقرار گردد و تکرانی همه برطرف شود من حاضر تمام گفته های شما را که دوست نزدیک من میباشد گوش داده و پاسخ گویم. اما در لحظه کنونی با اینکارها سرگرم شدن کار عاقلانه ای نیست زیرا ما وظایف مهمتری در پیش داریم بدین مناسبت از شما خواهش میکنم بدون اینکه از این پیش آمد ها احساس رنجش بکنید کارهای خود را باجدیت بیشتری انجام دهید وظیفه شما در این ساعت پر خطر این است که مانند چند روز پیش بسفارتخانه آلمان تماس پیدا کرده و گفتگوهای خود را ادامه دهید بهر عنوانی شده باید این نقشه انجام پذیرد و شما با وزیر مختار آلمان داخل گفتگو شوید و دست کم سفارت آلمان را در حدود ۷۰ ساعت از تشبث با اقدامات جدی باز دارید. در جریان این ۷۰ ساعت ما خواهیم توانست کارهای بسیار مهمی صورت داده و نقشه های جنگی خود را بانظر ستاد ارتش متحدین خود طرح کنیم. در این مدت با اینکه بنظر خیلی ناچیز میرسید انگلیسها بیلگراد خواهند رسید. همین امروز بعد از ظهر ستاد ارتش انگلیس اطلاع داده است که این ۷۰ ساعت جلوگیری از هرگونه اقدام جدی برای ما ارزش حیاتی خواهد داشت. در این هنگام واحدهای هوایی انگلیس در فرودگاههای یوگوسلاوی فرود آمده و

بیش از همه فرودگاه بزرگ و مهم «موستار» را اشغال خواهند کرد يك بخش نیرومندی از واحد های دریائی و دسته از زیردریائی های انگلیس نیز بکرانه های «دوبر دونيك» خواهند رسید . باری در این ۷۰ ساعت يك سلسله عملیات مهم انجام میشود و وضع ما از نظر لشکر کشی بسیار خوب خواهد شد . از اینها گذشته انگلیس ها نقشه های مهمتری نیز دارند ولی چون يك نوع اسرار جنگی است گفتن آن ها حتی در این جلسه نیز صلاح نیست در هر حال این نقشه ها بایستی در همین ۷۰ ساعت اجرا شود . بنا بر این نیازمند ۷۰ ساعت کار در حال صلح و آرامش هستیم و این ۷۰ ساعت بهر عنوان شده باید بدست آید .

آقای وزیر امور خارجه من از شما خواهش میکنم در انجام این منظور نهایت جدیت را بکار برید همین اکنون بایستی بیدرنگ سفارت آلمان رفته و بوزیر مختار آن کشور همانطوریکه از چند روز پیش تابع حال قول دادید بگوئید که یوگوسلاوی با کمال میل الحاق خود را به پیمان سه جانبه قبول می کند وزیر مختار آلمان هر خواهشی داشت اجابت کنی بشرط اینکه ۷۰ ساعت مورد بحث بدون خطر و روشن شدن آتش جنگ بگذرد و هنگامی که این مدت سپری شد نوبت اقدامات ما فرا خواهد رسید .

وزیر امور خارجه که بسیار خسته بنظر میرسید گفت :

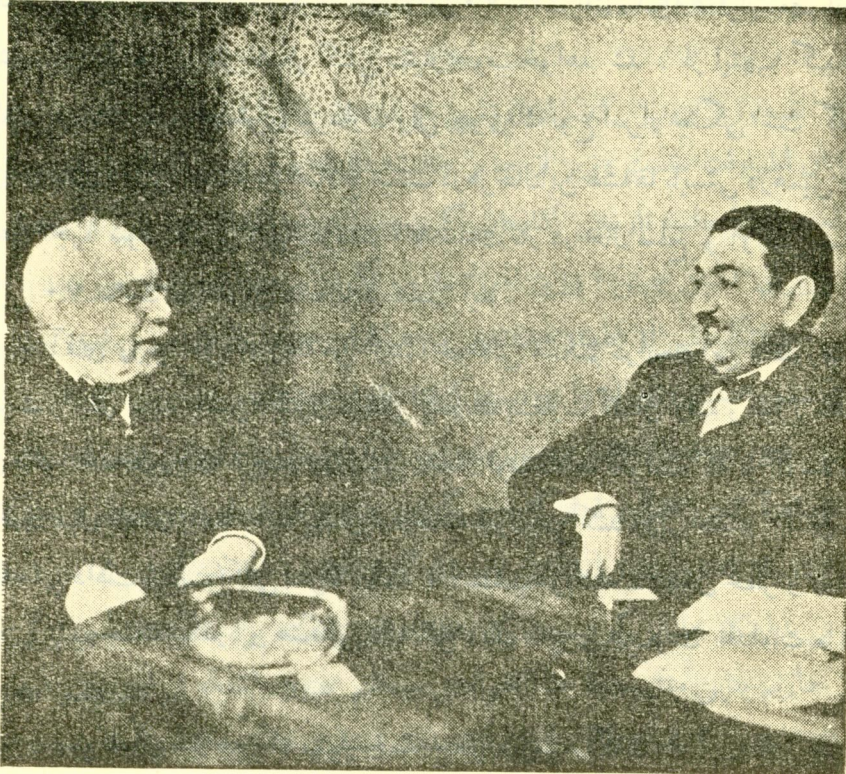
در جریان گفتگوهای مفصل چندین بار شمارا به بیرون خاستند اینک ناگزیرم بهممه همکاران خود گزارش دهم که از سه ساعت پیش سفارت آلمان کلیه روابط خود را با دولت یوگوسلاوی قطع کرده است و اکنون ماهیچ وسیله ای برای مذاکره با وزیر مختار آلمان نداریم .

این حرف مانند ضربه سهمگین در سیمویچ کار گر شده و با صدای گرفته ای سؤال کرد :

سفارت آلمان از ۳ ساعت پیش با ما رابطه ندارد ؟ آیا علل و جهات این اقدام سیاسی بطور رسمی اطلاع داده شده است .

بلی سفارت آلمان بطور رسمی اقدام خود را خبر داده از اینها گذشته از همه

اقدامات نیز خبر دارند که مادر تهیه و طرح چه نقشه‌ای هستیم .



تستویکوویچ نخست وزیر یوگو اسلاوی هنگام مذاکره با دکتر (ماچک) رئیس حزب کرواتها

کرواتها

ناگهان در سراسر تالار سکوت مرگباری حکمفرما شد همه وزیران بدون اینکه حرفی به زندروی صندلی های خود قرار گرفتند پس از رسیدن پیام مسرت بخش امریکا این خبر خیلی دهشتناک و تأثر آور بود . یکی از وزیران که میل داشت هرچه زود تر تأثیر اقدام اخیر آلمان را ازبیم برده و توجه نخست وزیر را بموضوع دیگری معطوف دارد اظهار داشت آقای سیموویچ آقای رئیس جمهور امریکاروزولت از موقعیت کرواتها اطلاع صحیحی بدست آورده است یا نه ؟

سرلشگر سیمویچ که هنوز تحت تأثیر خبر قطع رابطه سیاسی آلمانها بود از شنیدن این موضوع بیشتر عصبانی شد زیرا از روابط کرواتها و سربها خاطره خوشی نداشت بویژه هنگام آخرین مذاکره تلفنی با روزولت این مسئله مطرح و مورد گفتگو قرار گرفته بود.

با اینحال سرلشگر گفت:

کرواتها! اختلاف نظر شدیدی که بین کروات ها و سربها حکمفرماست نه تنها یکی از مسائل سیاسی مهم اروپائی است بلکه نظر رئیس جمهور امریکا فرانکلن روزولت را نیز بخود جلب کرده است: زیرا در جریان گفتگوی تلفنی که من با رئیس دولت آمریکا کردم روزولت از من چنین سؤال کرد:

«آیا خیال نمی کنید که بین کرواتها و ایتالیائیها از نظر اینکه شاهزاده خانم ایتالیا هلن یکی از دخترهای «نی کیما» پادشاه میباشد سازشی حاصل شده باشد و آیا کرواتها سعی نمی کنند باین دلیل بیشتر با ایتالیائیها نزدیک باشند؟»

بلی این موضوعی بود که رئیس جمهور روزولت میل داشت بیشتر از حقیقت آن آگاه گردد.

در هر حال در این هنگام که ما با بحران بزرگی روبه روبرو شده ایم این مسئله برای کشور اهمیت حیاتی دارد و برای برطرف ساختن این اختلاف نظر بایستی کوشش بسزائی بکار برد.

سرلشگر بی نهایت علاقمند بود که در این جلسه آنچه را که راجع بروابط کرواتها و سربها میداند بهمکاران بگوید ولی اوضاع بفرنج و آشفته سیاسی ایجاب مینمود که دمی سکوت اختیار کند ولی همین قدر بخاطر داشت که در آغاز جلسه کارت اسم دکتر «ماچک» رئیس حزب کروات و معاون نخست وزیر را پاره کرده و دور انداخته است.

با وجود اختلاف نظر شدیدی که بین سیمویچ و معاون خود «دکتر ماچک» بود با اینحال هنگامی که دکتر «ماچک» بیلگراد رسید نخست وزیر با مهربانی زیادی او را پذیرفته و گفت:

آقای د کتر اکنون موقع آن نیست که ما دربارهٔ اختلافهای حزبی مسائل اساسی کشور را از نظر دور بداریم بایستی همکاری کرد و من شخصاً بشما قول میدهم که پس از رفع بحران مسئله «کروات» و تقاضاهای حزب شما مورد توجه و بررسی کامل قرار گیرد.

از آنجا که د کتر ماچک نسبت به گفته های زمامداران کشور مظلون بودونمی خواست تعهدات صریحی بکردن بگیرد سیمویچ باو گفت (آقای د کتر ماچک هرگاه یوگوسلاوی با آلمان داخل جنگ شود مسئولیت آن مطلقاً متوجه شما خواهد بود. برعکس اگر شما با ما همکاری کرده و در هیئت وزیران داخل شوید تمام اختلافهای موجوده بین یوگوسلاوی و آلمان بر طرف شده و کارها مطابق میل ما انجام پذیر خواهد بود در حقیقت ما نمیخواهیم بر علیه آلمانها اقدامی کرده و موجبانی فراهم آوریم که آتش جنگ زود تر روشن گردد.

اما از طرف دیگر آلمانها منتظر هستند که اعلامیه رسمی دولت ما پس از پایان این جلسه انتشار یابد. هرگاه در این اعلامیه نامی از آلمان برده شود و ما بتوانیم از تیرگی اوضاع جلوگیری کنیم بنا بر این شما بایستی در هیئت وزیران داخل شده و در این دقایق باریک ما را بهر شکلی که صلاح باشد یاری کنید. با این اقدام یوگوسلاوی را از آتش جنگ برکنار خواهید داشت.

د کتر ماچک پس از اینهمه اظهارات تسلیم شده و در هیئت وزیران داخل شد سرانشکر سیمویچ که از این پیش آمد بی نهایت خوشحال گشته بود د کتر ماچک را در میان بازوهای خود فشار داده و گفت:

«ما بایستی بهمدیگر اطمینان کامل داشته باشیم زیرا ما دو دوست قایمی نیروی هوائی هستیم.»

در حقیقت در جریان جنگ بزرگ گذشته د کتر ماچک در یک هنگ هوائی و سیمویچ در یک هنگ دیگر خدمت کرده اند و د کتر ماچک این موضوع را میدانست.

اوضاع داخلی یوگوسلاوی

با وجود این «نین چیش» وزیر امور خارجه با استفاده از قرضتی که در این

جلسه داشت و از اینکه دکتر « ماچك » معاونت نخست وزیری را پذیرفته و در هیئت دولت شرکت جسته است تصمیم گرفت آنچه را که راجع به حقیقت اوضاع داخلی یوگو اسلاوی میدانند بیان کند. نخست سرلشکر سیمویچ را مطمئن ساخت که تا آخرین لحظه با او همکاری کرده و آنی از هیئت دولت کناره نخواهد گرفت.

از آن پس خاطر نشان نمود که در مواقع باریك و استثنائی « مانند امروز » دست زدن بیکرشته کارهای مخصوص از هر جهت ضروری است بهمین جهت من اکنون تصمیم گرفته ام بهر عنوانی شده گفتگوی خود را با نمایندگان سیاسی دنبال کنم و بطور جدی با وزیر مختار آلمان وارد مذاکره شوم هیچ چاره ای جز این نیست و این قسمت از نقشه ها بهر قیمتی هست بایستی انجام شود.

ولی در عین حال مجبورم به همکاران خود بگویم که در نتیجه آشفتگی اوضاع بین المللی و تیره شدن روابط ما با همسایگان اوضاع داخلی یوگواسلاوی هیچ مورد نظر نیست در صورتیکه همه مردم از نزدیک شدن آتش جنگ بمرزهای ما دچار بیم و هراس سختی شده اند و مسئله « کروات » نیز باینکه اکنون تا اندازه ای به حل مسالمت آمیز آن می توان امیدوار بود همچنان مبهم و رو بوخامت میرود در هر حال سیاست مبهم دولت و پیدا شدن اختلاف نظر شدید بین کرواتها و سربها تأثیر زیادی در افکار و روحیه افراد کرده و اگر اتفاق بدی رخ دهد بطور یقین در جریان سیاست دولت تأثیر خواهد داشت.

چند تن از وزیران از گفتار صریح و از اظهارات پی برده وزیر امور خارجه اظهار دلتنگی کرده و به آن اعتراض نمودند ولی بطور عموم گفته های « نین چیش » تأیید شد سیمویچ با حالت عصبانی پرسید آیا این حقیقت دارد که احساسات عمومی اهالی دچار آشفتگی شده است! و آیا میتوان باور کرد که بیشتر مردم از پیش آمد های احتمالی ترس و واهمه دارند.

در این هنگام یکی دیگر از وزیران در مقام پاسخ بر آمده و گفت: بلی از جریان اوضاع چنین معلوم میشود که اهالی از سرنوشت خود اطمینان نداشته و دچار

ترس شده اند . و این طرز فکر بیشتر از آن جا ناشی شده که ارتش آلمان در تمام لشکر کشی ها پیروز شده و هرگاه در نظر داشته باشد از مرزهای یوگوسلاوی نیز عبور کند با سرعت تمام نقشه جنگی خود را اجرا خواهد کرد آیا شما باهالی این کشور حق نمی دهید که از این پیش آمد ها اظهار نگرانی کنند اما در موود کرواتها میتوانم بجرأت بگویم که اینها منتظر حمله واحد های آلمان می باشند تا سرنوشت خود را بدست گرفته و از همکاری ما دست بشویند .

سرلشکر سیموویچ از این گفتار سخت آشفته شد و برای سومین بار روی یکی از صندلیها قرار گرفته و جلسه را ادامه داد .

سیموویچ بیش از هر کار برون کردن وضع یوگوسلاوی پرداخته و به کمک هائی که ممکن بود از امریکا و انگلیس برسد اشاره نمود . اما یکی از وزیران به نخست وزیر پاسخ داده گفت که : عقیده شما بسیار پسندیده است ولی به رای تبلیغ در میان بیشتر اهالی چندان شایان توجه نیست بنا براین بعقیده من دست زدن بچنین اقدامی از نظر تحریک احساسات اهالی سرانجام خوشی نخواهد داشت .

سرلشکر سیموویچ خاموش ماند و چنان بنظر میرسید که درباره موضوع بسیار مهمی فکر میکند چشمانش کمی بزرگتر شده و روی میز خیره شده بود و چنان بنظر میرسید که نخست وزیر در ضمن انجام وظیفه با اشکال مهمی روبرو شده و اکنون مشغول حل آن میباشد پس از چند دقیقه از سر میز بلند و بطرف پنجره روان شد و پس از باز کردن آن نفس عمیقی کشید و نگاه خود را به نقاط دور دست انداخت و مثل این بود که در میان تاریکی شب در صدد پیدا کردن چیزی است پس از مدتی دوباره بوسط تالار مراجعت کرده و بهمکار های خود اظهار داشت که برای نیم ساعت از جلسه بیرون رفته و دو مرتبه باز خواهد گشت .

در حقیقت سرلشکر سیموویچ امیدوار بود در مدت نیم ساعت بتواند بر دشواری ها چیره شود بشتاب از تالار جلسه خارج شد راه اطاق خود را پیش گرفته و از آن پس در راهرو بزرگی داخل گشت در اینجا پیشخدمتی جلو نخست وزیر دویده و چند جمله آهسته باو گفت ولی سیموویچ گفته های او را نفهمید زیرا در افکار خود دستخست

غوطه ور بود .

پیشخدمت در عقب سر نخست وزیر برآه افتاد و در راه سرسرا از او جلو تر افتاده و در یکی از اتاقها را باز کرد . سرلشکر سیمویچ بدون اینکه درباره اقدامات این یکی فکر کند سر در عقب او نهاده پیش میرفت ولی هنگام رسیدن به نزدیک در دریافت که از مدتی پیش افسر های ارشد و سران ارتش در این محل گرد آمده و منتظر ملاقات او هستند در حقیقت همه افسران ارشد سرپا ایستاده و چنان بنظر می رسید که از انتظار زیاد خسته و کسل شده اند پیشخدمت جرأت نکرده بود حضور سران ستاد ارتش را به سرلشکر اطلاع دهد .

سرلشکر سیمویچ بمحض اینکه داخل اطاق شد همکاران ارتشی بیدرنک او را احاطه کرده ولی برخلاف وزیران بانگاههای آتشین و مظنونی باو نگاه میکردند . نخست وزیر بی درنگ دریافت که احساسات و طرز فکر اینها با همکاران کابینه « وزیران » فرق فاحشی دارد .

زیرا هنوز گفتگو آغاز نیافته بود که سرلشکر ها از سیمویچ پرسیدند :
اوضاع چگونه است ؟ برای رفع بحران چه اقداماتی بعمل آمده در این ضمن یکی از آنها سؤال کرد : « انگلیس ها کجا هستند . پس چگونه تا بحال به بلگراد نرسیده اند بعقیده من بجای ۱۰۰۰۰۰ نفر سرباز بهتر است نیم ملیون سرباز بکشور ما بفرستند »
سیمویچ در بامداد امروز بهمکاران جنگی خود اظهار داشته بود که کشور نیرومند دیگری حاضر است بما کمک نماید ولی نگفته بود که این کدام کشور است و شرایط کمک آن چگونه خواهد بود آیا عملا وارد میدان شده و نیرو و مهمات جنگی کافی در اختیار سربازهای یوگو اسلاوی خواهد گذاشت ؟

نخست وزیر از آغاز با روش مدبرانه ای هر يك از همکار های خود را طوری با خود موافق کرده بود ولی اکنون حقیقت امر آشکار میگردد باری سیمویچ از پیش آمدهای چند ساعت پیش و طرز گفتار سرلشکر ها خونسردی خود را از دست داد و گفت : نیم ساعت فرصت دهید که همه کار ها را مطابق میل شما روبراه کنم و بیدرنک از اتلاق خارج شد و در راهرو پیشخدمت را سرزنش کرد .

اتحاد با دولت اتحاد جماهیر شوروی

سر لشکر سیمویچ پس از خارج شدن از تالار در راهرو شروع بقدم زدن کرده و سعی میکرد افکار خود را جمع کند و در چگونگی مبارزه با پیش آمد های ناگوار تدبیری نیک بیندیشد و کشور را از این اوضاع وخیم رهائی دهد.

پس از چند لحظه نخست وزیر راهرو را ترك گفته و در دهلیزی وارد شد که بمرکز تلفن این عمارت ممتد میشد. در اطاق كوچك بالا چند نفر پیش خدمت با لباسهای يك رنگ دیده میشدند. سیمویچ پس از رسیدن باین مکان آنجا را خلوت کرد از آن پس به تلفونچی امر داد که بیدرنگ سفارت یوگوسلاوی در مسکو را گرفته وزیر مختار را پای تلفن بخواند. ارتباط با مسکو خیلی زود برقرار گشت زیرا سیم مسکو آزاد و با هیچ جا صحبت نمیکرد پس از برقراری ارتباط سیمویچ گوشی را بدست گرفته و به تلفونچی سفارت خانه امر داد که هر چه زود تر وزیر مختار را پای تلفن بخواند سیمویچ در يك اتاق خیلی كوچك تنها نشسته و با مسکو صحبت میکرد. اما در حقیقت تنها نبود زیرا دیوارهای این اطاق بی نهایت نازك بود و در تالار بزرگ که از سه طرف این محل كوچك را احاطه کرده بود همه نوع اشخاص افسر غیر نظامی دیده میشدند که از همکاران بسیار نزدیک نخست وزیر بودند و منتظر بودند ببینند عاقبت این همه اقدامات سیاسی و کوشش های خسته کننده بکجا منجر میشود. علاوه بر این عده چند نفر دختر های تلفونچی در جریان گفتگوی سیمویچ با وزیر مختار مأمور مسکو بودند و معلوم نبود که آیا نخست وزیر فراموش کرده یا نخواسته است دریابد که دیوارهای این اتاق بی نهایت نازك است.

وزیر مختار یوگوسلاوی در مسکو خیلی زودتر از آنچه که پیش بینی میشد در پای تلفن حاضر و با نخست وزیر داخل گفتگو شد. سر لشکر سیمویچ در تمام مدت گفتگو با وزیر مختار فریاد می کشید بطوری که صدای آن در سراسر عمارت پیچیده و همه را متوجه خود ساخته بود بهمین جهت فهمیدن حقیقت مطلب و گفته های نخست وزیر بسیار آسان بود وزیر مختار نخست به خیال اینکه با وزیر امور خارجه

«نیم چیش» گفتگوی می کند اظهار داشت که مطابق دستور روز پیش کارها پیشرفت دارد و ممکن است نتیجه سریع بدست آید - سرلشکر سیمویچ با حالت عصبانی باو - جواب داد که من نخست وزیر هستم دیروز هم با شما مذاکره کردم در هر حال من و وزیر امور خارجه عقیده داریم که شما هر چه زودتر دستورهای که داده شده اجرا کنید و در این دقایق مشکل کمک مهمی بماند بکنید آیا زمامداران دولت اتحاد جماهیر شوروی به درخواستهای ما پاسخ صریح داده اند؟

آیا مسکو حاضر است با ما پیمانی بسته و در جنگی که پیش خواهد آمد از ما پشتیبانی کند؟ تا کنون از گفتگوهای خود چه نتیجه ای بدست آورده اید؟ آیا جریان کارها امید بخش هست یا نه؟

سرلشکر سیمویچ پس از ادای این جمله ها با صدای گوش خراشی گفته های وزیر مختار را که در مسکو ادا میشد بشرح پائین تکرار می کرد.

آیا شما عقیده دارید و پیش خود خیال می کنید که در مسکو باین پیمان اهمیت داده نمیشود؟ روسها چه میگویند؟ پیمان دوستی با آلمان؟ بلی آیا همه این مطالب را توضیح ندادی؟ منظور زمامداران دولت اتحاد جماهیر شوروی چیست؟ تو چه گفتی و چگونه مطالب خود را بیان کردی؟ اما من از شما خواهش میکنم... من بزحمت میتوانم گفته های شما را درك کنم کمی بلندتر واضح تر صحبت کنید!... آیا تو در نظر داری هم اکنون ملاقات دیگری با زمامداران شوروی بکنی چه میخواهی... اختیار تام برای انجام این کار بسیار خوب با اینکه از چند روز پیش برای انجام هرگونه کاری اختیار تام بشما داده شده اکنون اختیار شما زیاده تر و دامنه دار تر میشود بیدرنك با زمامداران دولت اتحاد جماهیر شوروی تماس پیدا - کرده و پیمان اتحاد را با ایشان ببیند آقای وزیر مختار من میل دارم که بیدرنك با سران کشور اتحاد شوروی گفتگو و پیمان را امضا کنید من تنها امضای این پیمان مهم را از شما میخواهم، بهر عنوانی شده باید این منظور انجام پذیرد.

پس از این گفتگو ها سرلشکر سیمویچ از اتاق کوچک تلفن بیرون آمد و يك لحظه در راه رو ایستاده از آن پس در دفتر کار خود داخل شده و امر داد که

هر وقت تلفن مسکو صدا در آمد باو خبر دهند.

تلفن مسکو

در این هنگام در سراسر عمارت نخست وزیری سکوت کامل حکم فرما بود همه وزیران در تالار جلسه دور هم گرد آمده ولی هیچ صحبت نمی کردند سرلشکر ها نیز سکوت پیش گرفته و جزئیات یک نقشه بزرگ را که بدیوار آویزان بود - مورد مطالعه و بررسی قرار داده بودند. اشخاصی که در راهرو ها بودند قسمت عمده گفتگو های نخست وزیرا شنیده و با نگرانی زیادی در گوشه و کنار عمارت مشغول مشورت بودند.

یکساعت باین وضع سپری شد. ساعتی که همه را خسته کرده و اضطراب بی پایانی در دلها ایجاد کرده بود. ساعت بزرگ دیواری فرا رسیدن نیمه شب را اعلام داشته ولی از تلفن مسکو هنوز خبری نبود در این گیرودار ناکهان دویا سه نفر پیش خدمت بدقت نخست وزیری وارد شده و بنوبه اظهار داشتند...

تلفن مسکو

سر لشکر سیموویچ با شتاب پشت تلفن حاضر شد وزیر مخار یو کوااسلاوی در - مسکو پشت تلفن بود.

سرلشکر سؤال کرد،

آیا پیمان را امضا کردی؟ بلی آقای نخست وزیر پیمان اتحاد امضاء شد.

اما آقای وزیر مختار این اقدام شما خیلی ارزش دارد و برای یو کوااسلاوی ارزش حیاتی دارد. من بشما تبریک می گویم من یک دنیا از شما سپاسگزارم و این خدمت شما را که بکشور خود کرده اید هیچوقت فراموش نخواهم کرد.

چطور میخواهید متن پیمان را برای من بخوانید، نه لزومی ندارد! گوشی را داشته باشید من یکنفر از منشی های مورد اطمینان خود را پای تلفن خواهم فرستاد آن وقت شما متن پیمان را باو دیکته کنید و او پس از پاکت نویسی به من ارائه خواهد داد.

در این هنگام سر لشکر سیموویچ باثاق کار خود وارد شده و بی دزدک یکنفر

منشی پای تلفن رفته و گفته های وزیر مختار را دیکته کرد . نخست وزیر جلو پنجره ایستاده از هوای آزاد استفاده می کرد . سیموویچ در این اتاق اینقدر تنها ماند که متن پیمان دیکته شده و سرعت بوسیله ماشین با کتویس گردید پس از پایان این اقدامات نخست وزیر متن پیمان را از دست منشی گرفته و بدون آنکه بخواند سراسیمه راه اتاق سرلشکرها را پیش گرفت . با حالت پیروزمندانه ای داخل این تالار شده و کاغذها را نشان داده و بهمکار های ارتشی خود اظهار داشت .

آقایان کشور ما را تبریک گوئید . در ضمن بخود شادباش گفته بمن نیز تبریک بگوئید . ما با مسکو پیمان مهمی امضا کردیم .

سرلشکرها و افسران ارشد بسیار خوشوقت شدند . یکی از آنها متن پیمان را از دست نخست وزیر گرفته ولی نتوانست آن را بخواند زیرا همه افسرها با تفاق سیموویچ بحرکت آمده و تالار را ترك گفته بودند . در سرسرای عمارت که به تالار جلسه هیئت وزیران منتهی میشد افسران ارشد گرداگرد نخست وزیر حرکت کرده اورا تبریک گفته و فریادهای شادی از خود بر میآوردند سیموویچ با این وضعیت داخل تالار جلسه هیئت وزیران شد .

همه وزیران در تالار جلسه سر پا ایستاده اظهار شادمانی افسران ارشد و نخست وزیر را که از راهرو بگوش میرسید می شنیدند ، این وضعیت بخوبی ثابت میکرد که خبر تازه ای هست

در این هنگام سرلشکر سیموویچ و سایر افسران ارشد وارد تالار جلسه شدند نخست وزیر اظهار داشت که یوگوسلاوی يك پیمان دوستی با دولت اتحاد جماهیر شوروی امضا نمود وزیران نیز از این خبر اظهار مسرت کردند .

سیموویچ که خوشحال بنظر میرسید متن پیمان دوستی را بوزیر امور خارجه « نین چیش » ارائه داد . وزیر امور خارجه بلافاصله بخواندن آن شروع کرد . پس از آنکه « نین چیش » متن پیمان را خواند يك لحظه سکوت کامل در تالار جلسه حکمفرما شد و از آن پس وزیر امور خارجه با توجه باوضاع سیاسی کشور همه گونه اختلاف نظر خود را با نخست وزیر از یاد برده و نطق مختصری بشرح پائین

ایراد کرد:

« آقای سرلشگر سیموویچ در مورد امضای این پیمان کاملاً حق باشماست تنها این مسئله که ما با دولت اتحاد جماهیر شوروی پیمانی امضا کرده ایم موجب خرسندی فراوان ملت شده و آنها را بطرفداری از سیاست دولت و ادار خواهد ساخت نیم ساعت بعد سرلشگر سیموویچ دستور داد بدون معطلی مراتب امضای پیمان مودت شوروی و یوگوسلاوی بتمام استان و شهرستان های کشور تلگراف شود و بوسیله ای بین مردم منتشر گردد پس از آن سیموویچ بدفتر کار خود رفت و متن پیمان را مورد مطالعه قرار داد.

چندین بار آن را مرور کرد و چنان بنظر میرسید که پیمان تازه نیز نقشه های او را قابل اجرا نمی سازد.

در این موقع وزیر مختار اتازونی « بلیس لان » در اتاق سرلشگر پیدا شد و بنخست وزیر برای چهارمین بار تکرار کرد که « آلمانها نمیتوانند خود را در بالکان بخطر انداخته و بعملیات جنگی دست زنند و اداره اطلاعات انگلیس این خبر را از منابع بسیار موثق ارتشی بدست آورده است پس شما باید از هر حیث مطمئن باشید و کوچک ترین نگرانی بخود راه ندهید »

در ضمن اینکه وزیر مختار اتازونی سرلشگر سیموویچ را نسبت بحوادث و چگونگی اوضاع مطمئن می ساخت از مرزهای کشور یوگوسلاوی خبر رسید که واحدهای جنگی آلمان پیشروی خود را شروع کردند.

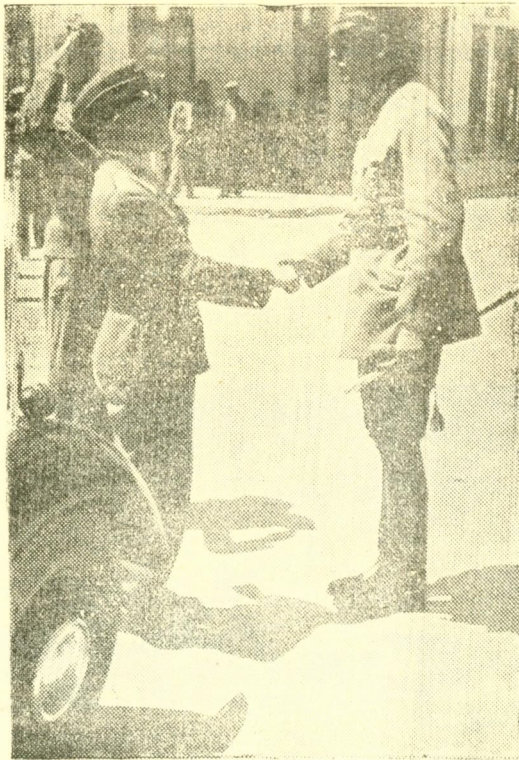
آغاز جنگ

روز ۶ آوریل ۱۹۴۱ واحدهای جنگی آلمان که تحت فرماندهی مارشال « لیست » در سرتاسر مرزهای یوگوسلاوی و یونان متمرکز شده بودند طبق نقشه ای که از پیش تنظیم یافته بود بعملیات جنگی مبادرت جستند.

ساعت چهار صبح

شب ۷ آوریل ۱۹۴۱ جنبش شگفت آوری در سراسر مرزهای یوگوسلاوی و یونان در قسمت بلغار حکمفرما بود طبق دستور های رسیده چنین بنظر میرسید که

دو یا سه ساعت دیگر کارهای بسیار مهمی آغاز و لشگرهای موتوریزه از مرز گذشته و برای اجرای نقشه فرماندهی دست بکار خواهند شد.



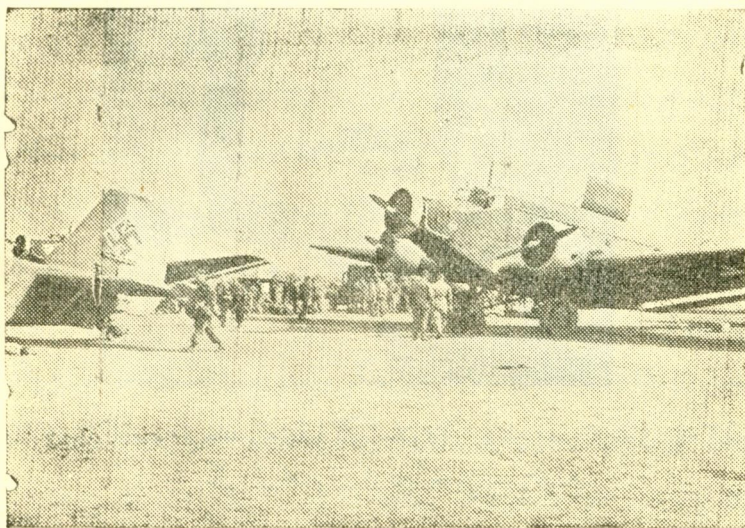
مارشال ژنرال لیست «فرمانده جبهه یوگو اسلاوی و یونان» پس از پایان یک کنفرانس با یکی از افسران ارشد خود دست میدهد

از روز اول آوریل چند لشگر موتوریزه آلمان برای عبور از مرزهای یوگو اسلاوی در قصبه های نزدیک مرز بلغار متمرکز و آماده کار بودند این روزها خیلی بکندی میگذشت و تهیه های مهم جنگی ثابت میکرد که نقشه بزرگی در دست اقدام است و بهمین زودی جزئیات آن بین واحدهای جنگی پخش شده و انجام خواهد گرفت.

تمام این قصبه ها که زمستان بسیار سخت و طاقت فرسا و بهار و تابستان بی نهایت زیبایی دارد با سرباز و هنگهای مختلف پیاده و سوار و موتوریزه مشغال گردیده

و در همه شهرهای کوچک و حتی دههای ناحیه مرزی واحدهای نیرومندی از توپخانه صحرایی سبك و سنگین و توپهای ضد هوایی جا گرفته و منتظر بودند که بیک اشاره حمله سریع خود را آغاز نمایند .

پس از نبردهای شدیدی که در جبهه های مختلف اروپا رخ داده بود و در همه آنها بدون استثناء واحدهای آلمان پیروز شده بودند چنان بنظر میرسید که سرباز ها و واحدهای متمرکز در مرزهای یوگوسلاوی و یونان زباد نگران اوضاع نیستند و همه با خونسردی منتظر بودند که آخرین فرمان بانها داده شود و چرخ های بزرگ ماشین جنگ هر چه زود تر بکار افتد تا مگر زود بدورم آرامش و صلح نزدیک شوند .



در یکی از فرودگاههای نیروی هوایی آلمان عده ای بمب افکن ها پیش از پرواز دیده میشوند

جلسه فرماندهان

ساعت چهار بعد از نصف شب ۷ آوریل ۱۹۴۱ فرمانده لشکر ها و سایر واحدهای مأمور حمله در نزدیکی مرز جلسه خود را تشکیل دادند و برای آخرین بار طرح عملیات جنگی را که دو ساعت دیگر میبایستی آغاز گردد مورد مطالعه قرار داده از آن پس به قسمتهای خود رهسپار گشتند .

بامداد ۷ آوریل

نخستین ساعت بامداد ۷ آوریل «روز دوشنبه» حمله واحد های آلمان در سراسر مرز یوگوسلاوی و یونان از طرف لشکر های موتور دار و نیروی هوایی آغاز گردید.

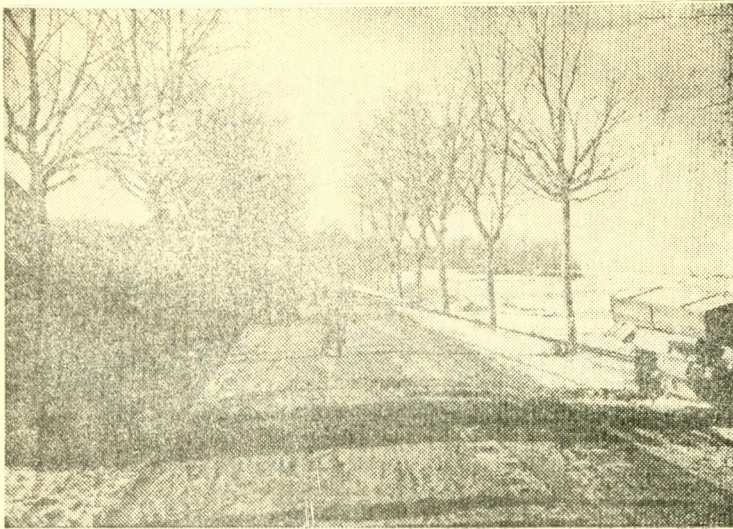
حمله بزرگ هوایی ببلگراد

ساعت ۵ صبح روز ۷ آوریل که هنوز حمله عمومی واحد های جنگی و - لشکر های موتوریزه آغاز نشده بود شماره زیادی از بمب افکن های اشتوکا «۸۷» و هینکل «۱۱۱» و سایر هواپیما های جنگی از فرودگاه های رومانی و بلغارستان از نزدیک مرز پرواز گرفتند بامداد روز ۱۰ مه ۱۹۴۰ «هنگام آغاز حمله در - جبهه باختر» در جلو چشم همه افسر ها و سربازها مجسم شده بود زیرا در آن روز تاریخی شماره فراوانی از نیروی هوایی حمله خود را بنقاط دور دست و مراکز - صنعتی و حیاتی کشورهای باختر شروع کرده و نخستین ضربه خود را بسازمان جنگی آنها زدند. امروز نیز همان دسته های بمب افکن که در جریان نبرد های مختلف آزموده تر شده بودند در آسمان ناحیه بالکان اوج گرفته و با سرعت زیاد از مرز رومانی و بلغارستان گذشته و بسوی مقصد پیش میرفتند. غرض موتورهای بمب افکن و شکارها آخرین انتظار لشکرهای موتور دار و پیاده نظام را بیابان رسانیده وثابت کر که جنگ شروع شده است.

بمب افکن های سریع که در تمام جبهه های جنگ پشتیبان واقعی پیاده نظام و واحد های موتوریزه بشمار میروند بمحض اینکه در میدان نبرد پیدا شدند واحد های دیگر نیز بجنبش آمده و با يك حد نسبی «در هر ۱۰۰ کیلو متر منطقه عملیات نیروی هوایی» در حدود ۱۰ کیلو متر پیشرفت کرده و مقاومت جزئی لشکرهای طرف را در هم شکسته و صحنه عملیات را از وجود دشمن پاك کردند. بامداد روز ۷ آوریل ۱۹۴۱ هنوز چند لحظه از حمله عمومی واحد های زمینی آلمان نگذشته و ارايه های جنگی تازه از مرز های یونان و یوگوسلاوی عبور کرده بودند که ناگهان قسمت بزرگی از آسمان را بمب افکن ها و شکارها

فرا گرفته و این مرغهای پولادین با سرعت شگفت انگیزی واحد های پیاده و نیرو - های موتور دار را بحال خود گذاشته و بسوی سر زمین یوگوسلاوی و یونان پرواز نمودند .

اصولا نخستین ضربه شدیدی که بوسیله نیروی هوائی بطرف وارد آمد در - تعیین سر نوشت جنگ بی نهایت موثر است بویژه اگر این ضربه به نقاط حساس و مراکز حیاتی و مهم وارد آید . حمله هوائی بزرگ و دامنه داری که به بلگراد و پایتخت یوگوسلاوی صورت گرفت از همین قبیل بود .



عده از واحد های موتوریزه آلمان هنگام پیشروی در یکی از جاده های یوگوسلاوی

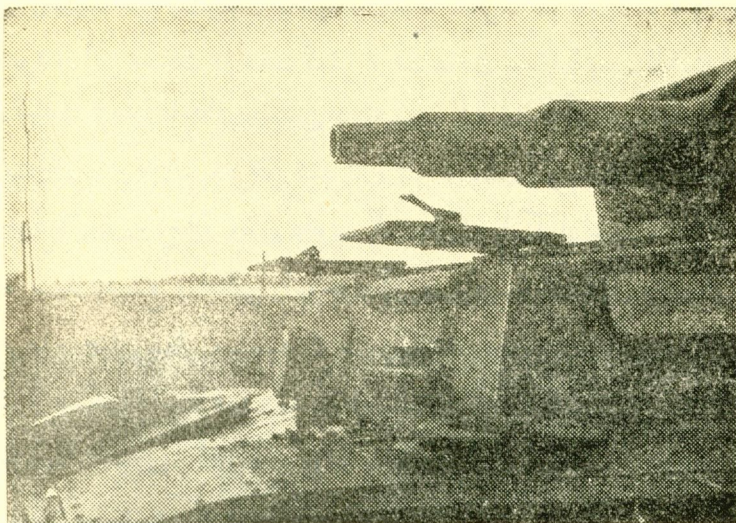
ساعت ۵ صبح چند بخش نیرومند از بمب افکن ها و شکاری ها بسوی این هدف مهم پرواز کردند در سر راه گردانهای حمله آلمان در طول مرز و در داخل خاک یوگوسلاوی دیده میشدند که مشغول پیشروی بودند توپخانه سنگین از همان دقیقه اول بکار پرداخته و دور ترین آماجها را زیر آتش سریع خود قرار داد با پشتیبانی چنین توپخانه قوی حرکت لشکرها خیلی آسان بود در صورتی که واحد های مدافع یوگوسلاوی و لشکر های یونان که در ناحیه « تراس » و در قسمتی از خط دفاعی متاکراس موضع گرفته بودند دچار آشفتگی شده و نمی توانستند برای

جلو گیری از حمله کار مهمی انجام دهند .

از مبداء حرکت بمب افکنها تا آماج بلغراد در حدود ۲۰۰ کیلو متر فاصله بود و این مسافت در مدت کمتر از نیم ساعت بوسیله بمب افکنها طی میشود درست ساعت ۵ و نیم بامداد نخستین دسته بمب افکنها به آسمان بلغراد رسیدند هوا بی نهایت خوب و ملایم بود خورشید تازه سر از پشت کوه بدر آورده و شعاع طلایی رنگ خود را روی رودخانه عظیم دانوب که از مرکز بلغراد عبور می کند انداخته و منظره بسیار بدیع و جالبی را بوجود آورده بود سکوت کامل بر سراسر این شهر حکمفرما و چنان بنظر میرسید که هنوز پایتخت کشور یوگوسلاوی بفعالی عادی خود شروع نکرده است هدف بمب افکنها پلهای بزرگ عمارت ستاد ارتش و چند کارخانه مهمات سازی و انبار های مواد انفجاری در جنوب و شمال شهر بود .

باری ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه حمله هوایی بلغراد با چنان شدت و دهشتی آغاز گردید که حدی بر آن نمی توان تصور کرد و سائل دفاعی این شهر برخلاف صور همه خلبان ها خیلی نیرومند بود و توپهای ضد هوایی سبک و مسلسل های ویژه بهمکاری پرداخته و صد آتش خطرناکی در جلو بمب افکنها تشکیل داده بودند تا ساعت ۱۱ روز ۷ آوریل این حمله سه بار تجدید شد و سر انجام تمام مقاومت پایتخت در هم شکسته و هیئت دولت مجبور شد تغییر مکان داده و این شهر را در حال ویرانی ترك گویند عمارت ستاد ارتش که یکی از بزرگترین ساختمان های کنار دانوب در بلغراد بود در نتیجه اصابت سه بمب ۲۵۰ کیلو گرمی با خاک یکسان شده و تنها چهار دیوار آن ثابت می کرد که در این محل عمارت مجملی بوده است برخلاف سایر شهر های بزرگ که بمباران آنها با اشکال فراوان روبرو میشد حمله هوایی بلغراد در نهایت آسانی انجام پذیرفت زیرا علاوه بر آنکه از شکارهای یوگوسلاوی هیچ خبری نبود هوا نیز بی نهایت خوب بود و بمب افکنها در سر راه خود تنها گاهی با مقاومت های محلی اسلحه های ضد هوایی برخورد کرده و با دوسه حمله آنها را از بین می بردند باری در نتیجه چهار حمله هوایی بزرگ بلغراد بکلی ویران شده و ساکنین آن شهر را ترك نموده پیرامون آن رفتند .

بایک لشکر ارا به جنگی سنگین بسوی بلغراد



توپهای ۷۵ میلی متری ارا به های جنگی همواره آماده کار زار است روز دوشنبه ۷ آوریل ۱۹۴۱ پس از آنکه يك بخش از هواپیما های بمب افکن و شکای در آسمان یوگوسلاوی و یونان رسوخ کرد و در همه جا باشدت هر چه تمامتر بهدفعهای مهم لشکری حمله بردند در نخستین ساعت بامداد که هوا هنوز بخوبی روشن نگشته بود ارا به های جنگی سنگین بجنبش آمده از مرز بلغار و یوگوسلاوی و یونان گذشتند یکی از این لشکرها ی موتوریزه که با ارا به های سنگین مجهز بود مأموریت داشت بطور مستقیم پیشروی کرده و بلغراد را تصرف کنند و نیروی ایستادگی صرب را درهم شکند «اریکا» که نام ارا به جنگی فرماندهی این لشکر بود در سر ستون جلو تر از همه حرکت می کرد ، در حین عبور از مرز مقاومتی دیده نشد و اگر در برخی جاها نیز واحدهای یوگوسلاوی حال ایستادگی داشتند با حمله سریع گردانهای آلمانی روبرو شده از انجام نقشه خود منصرف شدند .

ستون های موتوردار ارتش آلمان در این روز هر قدم که جلو تر میرفتند با مقاومت جدی واحدهای یوگوسلاوی روبرو میشدند برای در هم شکستن آخرین حد مقاومت طرف توپخانه سنگین بیدرنك داخل میدان کار زار شده و ناحیه مرزی را

که واحد های آلمان در آنجا رسوخ کرده بودند زیر آتش خرد گرفته و چند لشکر یوگوسلاوی را که بمنظور دفاع از پایتخت در این نزدیکی ها موضع گرفته بودند مجبور بفرار ساخت در این قسمت نخستین موضع جنگی که هدف توپخانه سنگین آلمان قرار گرفت سرباز خانه زراد خانه بزرگ «تزارینورد» بود چندلشکر یوگوسلاوی که مأموریت داشتند از نزدیک شدن واحدهای آلمان بپایتخت جلوگیری کرده و در عین حال از زرادخانه «تزارینورد» دفاع نمایند در پیرامون این موضع جنگی حلقه زده و تمام وسایل جنگی خود را بکار انداخته بودند .

توپخانه سنگین آلمان با اهمیت جنگی این موضع پی برده و نخستین گلوله های سنگین خود را روی آن فرو ریخت ساعت ۷ صبح این محل مورد بمباران وحشتناکی قرار گرفته و هنوز نیم ساعت نگذشته بود که راه پیشروی برای ارا به های سنگین باز شده و «اریکا» در پیشا پیش همه آنها دیده میشد جاده بزرگی که موسوم بجاده «اروپا آسیا» است و بسوی یونان پیش رفته از آن پس بسرزمین ترکیه میرسد در نتیجه این حمله سریع بدست ارا به های جنگی افتاده و هنوز طولی نکشیده بود که توپخانه آلمان استحكامات یوگوسلاوی را در ناحیه کوهستانی زیر آتش گرفت و مقاومت واحد های یوگوسلاوی در اینقسمت خیلی سخت بود بهمین جهت علاوه بر توپخانه سنگین و تیر اندازی سریع ارا به های جنگی از «استوکاها» نیز کمک خواسته شد بین ساعت ۱۱ و یک بعد از ظهر مختصر آرامشی در جبهه پدیدار گشت ولی توپخانه همچنان مشغول کار بود و پیوسته سرباز های یوگوسلاوی را زیر آتش سهمگین خود قرار داده بود ، هوا بی نهایت ملایم و در گوشه و کنار چمن های سبز و خرم و باغهای سر سبز دیده میشد گاهی از دور کله بزرگی از کوهسند ها دیده میشد که در دامنه کوه مشغول چرا هستند آتش جنگ بسرعت توسعه یافته و پیش رفته ولی باهمان تندی نیز خاموش میشد ، یعنی هربخشی که بتصرف واحد های آلمان درمی آمد بلا فاصله آرامش در آنجا برقرار و همه مشغول کارهای خود میشدند .

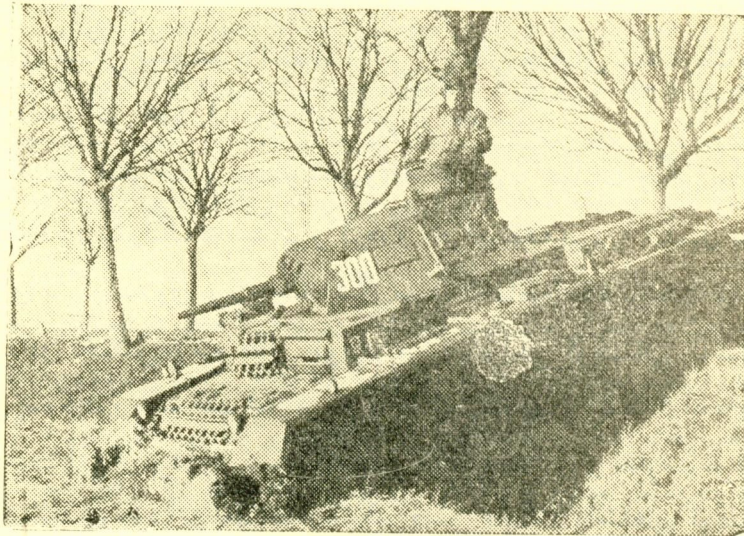
تا ساعت یک بعد از ظهر نخستین پیشروی قابل ملاحظه و پر اهمیتی نصیب واحد های آلمان شده و موضع جنگی مهم یوگوسلاوی تزارینورد از مقاومت دست

کشیده و به نل خاکستری تبدیل یافته بود ولی ایستادگی لشکرهای یوگوسلاوی در ناحیه کوهستانی چنان سخت بود که چند لحظه سران لشکر را بتأمل و بررسی وادار کرد. ساعت يك و نیم بعد از ظهر توپخانه سنگین پس از تهیه مقدماتی بسیار دقیق بمیراندازی شروع نمود، در این هنگام سایر اسلحه‌های خودکار نیز بکار برداختند این تیراندازی شدید باحمله بی سابقه بمب افکنهای عمودی تکمیل شده و ساعت ۲ بعد از ظهر چند دسته از « استوکاها » در آسمان میدان نبرد حاضر شده و با حمله خود کار جنگ را یکسره کردند، غرش مونتور هواپیماها و صدای گوش خراش توپخانه سنگین و سایر اسلحه‌های خودکار حرکت ستون‌های بزرگ لشکرهای معمول و صدای خش خش زنجیر ارابه‌های جنگی دست بدست هم داده و باینقسمت از اروپا که تاروزشش آوریل از آرامش و صلح برخوردار بود منظره دهشتناکی بخشیده بود دامنه آتش خانمانسوز جنگ با سرعت توسعه می‌یافت ولی باتوجه بعملیات جنگی سریع جبهه باختر که با شدت زیادی آغاز و بیابان رسید چنان بنظر میرسید که در این بخش از اروپا نیز رزم‌های خونین و دامنه داری رخ نخواهد داد.

در همین هنگام که لشکرهای تحت فرماندهی « مارشال لیست » در یوگوسلاوی

متوجه نخستین هدف خود « بلگراد » بودند و در سرزمین یونان نیز بخش « تراس »^۷ را منطقه عملیات خود قرار داده سعی داشتند « سالونیک » را بدست آورند رزم‌های دیگر در سرزمین آلبانی بین لشکرهای ایتالیا و یونان در جریان بوده و بعلاوه جبهه دیگری نیز در قسمت شمالی تر یوگوسلاوی تشکیل یافته و واحدهای ایتالیا با عبور از مرز یوگوسلاوی در ناحیه « تریست » در طول يك جبهه ۴۵ کیلومتری بحمله دست زده و در نظر داشتند با سرعت تمام پیش رفته و با پادگان شبه جزیره « زارا » ارتباط یافته و به بیشتر کرانه‌های دریای آدریاتیک دست یافته و از این راه موقعیت جنگی خود را در این دریا مستحکم نماید. زیرا بیش از همه چیز تصور میرفت که انگلیسها بمنظور کمک به یوگوسلاوی بانیروی دریائی خود از تنگه « اوترانت » که چندی پیش نیز محل رزمهای خونین دریائی میان واحدهای دریائی ایتالیا و انگلیس واقع شد گذشته و با سرعت در کرانه‌های یوگوسلاوی موضع گیرند ولی

این اقدام جنگی هیچوقت لباس حقیقت به تن نکرد و واحد های دریائی انگلیس تنها در کرانه های یونان و بیشتر در دریای اژه و کناره های جزیره کرت پیاسداری مشغول گشتند.



آرابه های جنگی همه مشکلات را بر طرف و پیشروی میکنند
باری ساعت ۶ بعد از ظهر روز نخست جنگ « ۷ آوریل » چند لشکر زره
پوش و آرابه جنگی که در رده اول میدان کارزار حرکت میکردند با کمک و پشتیبانی
جدی توپخانه سنگین و هواپیما های « استوکا » مقاومت شدید واحدهای یوگوسلاوی
را درهم شکسته و مواضع بسیاری را در نقاط کوهستانی اشغال کردند با فرا رسیدن
شب و افزون شدن تاریکی جبهه جنگ خاموشی و سکوت خسته کننده ای بخود
گرفته ولی برخی اوقات این آرامش در اثر تیراندازی توپخانه و انفجار گلوله های افشان
برهم می خورد.

حمله شبانه به سنگرها

لشکر های زره دار و پیاده آلمان هنگام شب نیز دست بکار شده و رزم را هم -
چنان ادامه دادند با اینکه هنوز ۱۲ ساعت بیشتر از آغاز نبرد نگذشته بود پیروزی
قابل ملاحظه ای بدست آمده و از همین روز نخست ممکن بود پیش بینی کرد که

ایستادگی دشمن تا چه پایه خواهد بود هنگام شب جنگ اصولاً مشکل و دهشت آور تر است ولی زمانی که دهکده و یا قصبه و یا هدف بزرگ و مهمی مورد اصابت گلوله های انفجاری و بمبهای آتش را قرار میگیرد و حریق دامنه داری شروع شده و همه جای جبهه را روشن میسازد اجرای نقشه چندان مشکل نیست و واحدهای زرهدار و ارابه های جنگی میتوانند با استفاده از این روشنائی هدفهای نیمه تاریک خود را تشخیص داده و آتش خود را بسوی آنها متمرکز سازند.

یکساعت استراحت و پدیدار شدن وقفه ناچیزی در عملیات جنگی بواحدهای مسلح اجازه داد بیدرنگ تجدید نیرو کرده و اجرای نقشه نبرد را تکمیل نمایند. واحدهای یوگواسلاوی بویژه چند لشکر صرب که مأمور دفاع پایتخت بودند پس از دست دادن نخستین موضع دفاعی خود در مرز در نواحی کوهستانی به سنگرهای محکمی پناه برده و با سماجت تمام شروع به مقاومت نمودند با اینکه ارابه های جنگی در تمام مدت آنی از پیشروی دست نکشیده و در همه جا نیروی مقاومت طرف رادر هم میشکستند با وجود این به توپخانه سنگین دستور داده شد دامنه های کوهستان را که بدژهای محکمی تبدیل یافته بود زیر آتش خود گرفته و گلوله های بزرگ خود را روی استحکامات واحدهای یوگواسلاوی فرد ریزد آتشبارهای سنگین بیدرنگ شروع بکار نموده و از چند کیلومتر فاصله در این شب تاریک غوغائی برپا ساخته و با شدت غیر قابل تصویری بمباران را آغاز کردند.

صدای تیراندازی مخوف توپخانه و گوش خراش توپها و مسلسل های ارابه های جنگی منظره شگفت انگیز و هولناکی در جبهه جنگ ایجاد کرده و چنان بنظر میرسید که در هر آن یک قسمت بزرگ و وسیعی از این جبهه پهناورد چهار زمین لرزه و انفجارهای شدیدی میشود در پس هر رشته از تیراندازی توپخانه و لشکرهای زرهدار بخشی از میدان نبرد دچار حریق شده و روشنائی آن قسمت وسیعی از صحنه عملیات را روشن میساخت. پس از یکساعت و نیم تیراندازی جلو داران ارتش یوگواسلاوی که از مرز رانده شده و در ناحیه کوهستانی موضع گرفته بودند این رشته استحکامات را نیز از دست داده و با استفاده از تاریکی شب راه داخله کشور و پایتخت را پیش گرفتند.

بسوی پروت

پس از بین رفتن مقاومت های جدی صرب چند لشکر زره دار عملیات جنگی را تعقیب کرده و در امتداد « پروت » راه افتادند این محل از نظر اینکه بدست حاصلخیز و هموار و سبز و خرم « موراوا » مسلط است اهمیت جنگی بسیاری دارد زیرا بهترین و مطمئن ترین فرودگاههای نیروی هوایی یوگوسلاوی در این قسمت قرار داشت گو اینکه در نخستین ساعت آغاز جنگ همه فرودگاهها و مبدا های هوایی این کشور بمباران شده بود با وجود این سران لشکر با شغال این ناحیه اهمیت زیادی می دادند .

ساعت دو بعد از نصف شب يك لشکر زره پوش آلمانی در ضمن پیشروی بسوی این هدف با عناصر جلو دار لشکر (موراوا) که دفاع پروت را بعهده داشت برخورد کرد ، آتشبارهای لشکر یوگوسلاوی بلافاصله به تیراندازی سختی شروع کرده و با شدت هر چه تمامتر بجناح چپ لشکر زره پوش حمله بردند ، تا موقعی که آتشبارهای سنگین لشکر رسیده و در مقام پاسخ دشمن بر آیند لازم بود که لشکر حالت دفاعی بخود گیرد درست است که لشکر زره دار همه نوع وسایل آتش از ارابه های سنگین گرفته و تازره پوشهای سریع در اختیار داشت ولی برای نابود و منهدم کردن توپخانه طرف نیاز زیادی بتوپخانه سنگین بود . در همان هنگام که ارابه های جنگی باتوپهای خود بتیر اندازی دست زده تا اندازه ای از شدت بمباران توپخانه لشکر « موراوا » کاسته بودند چگونگی امر برده های عقب سری اطلاع داده شده و چند آتش بار از توپخانه سنگین بیدرنگ محل حادثه شتافته و پس از تشخیص محل تیراندازی آتشبار های صرب به بمباران هر اس انگیزی دست زد .

رزم بین دو توپخانه خیلی شدت یافته و چنان بنظر میرسد که واحدهای یوگوسلاوی در این بخش توپخانه نیرومندی در اختیار دارند ولی پس از آنکه آتشبار های آلمان با رسیدن چند توب سنگین دیگر تقویت شد از حدت تیر اندازی توپخانه طرف کاسته شده و پس از نیم ساعت بجای آن همه غرش مخوف سکوت مرگباری

سراسر میدان رزم را فرا گرفت ، توپخانه لشکر « موراوا » از کار افتاده و راه پیشروی از هر جهت بازو بلا مانع بود ، در تاریکی شب لشکر های زره دار پیشا پیش سایر واحدها به حرکت آمده و با آتش توپ و مسلسل های خود آخرین مقاومت گردان های طرف را از بین می بردند .

شب پیاپیان رسیده و روز دوم جنگ آغاز میشد ، بامداد هوا بی نهایت خنک و لطیف بود ارباب جنگی « اریکا » که در مدت ۲۴ ساعت نخست نبرد آبی از انجام وظیفه باز نمانده بود با سرعت تمام دشت سبز و خرم « موراوا » را می نوردید ، در تاریکی شب تشخیص نتایج يك بمباران هر چند هم هوا خوب و صاف و مهتابی باشد مشکل است مگر اینکه چشم انسان خیلی تاریکی آشنا شده باشد ولی اکنون که بامداد فرا رسیده و شعاع زرین خورشید همه را روشن ساخته بود تشخیص نتایج ۲۴ ساعت نبرد کاملاً ممکن بود گلوله های سنگین توپخانه چمن زار ها و مزارع را شیار کرده و گودالهای ژرفی در سر راه ایجاد نموده و بسیاری از درخت های کهن را واژگون ساخته و دهات و قصبه ها را دستخوش حریق نموده بود ، در سر راه از هر جا و از هر طرف که صدای تیراندازی بلند میشد و واحد های کوچک صرب خیال ایستادگی داشتند بیدار توپها و مسلسل ها و ارباب های جنگی به آن سمت برگشته و با سرعت شکفت آوری سرباز های یوگوسلاوی را مجبور بسکوت و تسلیم شدن میکردند از آنجائیکه در سرزمین یوگوسلاوی استحکامات جنگی وجود نداشت و لشکر های یوگوسلاوی بیشتر در مراکز مهم و حیاتی کشور گرد آمده خیال ایستادگی داشتند روی این اصل هدفها و آماج های جنگی هر روز در حرکت و تغییر و تحول بود . با این ترتیب مسئله اکتشاف دچار اشکال زیادی میشد و واحد های ویژه استحکامات در این مورد با موانع بسیاری روبرو میشدند . بدین مناسبت از روز آغاز جنگ یونان نیروی هوایی علاوه بر وظیفه مهم خود عملیات اکتشاف را نیز بعهده گرفته و از طرز حرکت و عقب نشینی و موضع گرفتن لشکر های یوگوسلاوی دقیق ترین اطلاعات را بدست آورده و از همه مهمتر همیشه بالا سر ستون سربازهای آلمان پرواز کرده و آنها را از چگونگی اوضاع میدان رزم آگاه می ساخت .

در پیدا کردن هدفهای توپخانه نیز مهمترین نقش را بازی کرده و با پروازهای دور و دراز خود هدف توپخانه را بطور دقیق تعیین و تشخیص داده و نتیجه بمباران را بفرمانده ارتش اطلاع میداد کوچکترین جان پناه لشکرها یوگواسلاوی از نظر دید و واحدهای اکتشافی نیروی هوایی در امان نبود این مرغهای پولادین در سراسر جبهه بدون اینکه کوچکترین خستگی در خود احساس نمایند پرواز کرده و از همه کارهای جنگی طرف آگاه گشته و مراتب را با سرعت زیاد بستاد ارتش خبر میدادند اصولاً نیروی هوایی فعالیت بیمانندی در این جبهه نشان میداد و چون از شکاری های طرف هیچ خبری نبود و فرمانروایی در آسمان در همان حلقه نخست جنگ بدست آمده بود بدین سبب دسته های نیرومندی از بمب افکنها و شکاریها در آسمان اوج گرفته و گاهی بجای توپخانه با شدت تمام استحکامات و محل تمرکز لشکرها یوگواسلاوی را بمباران کرده و زمانی با کتشاف پرداخته و تک تک در نبرد شرکت می جستند .

در یک جاده باریک

گروه حمله و چند واحد از سربازهای صنف مهندس از ارابه های جنگی نیز جلوتر افتاده و به پیشروی خود ادامه میدهند ، ارابه های سنگین با ثانی بسیار بطور دائم در حرکت میباشند از ۴۸ ساعت باینطرف کوچکترین وقفه ای در کار این ماشین ها رخ نداده و چرخهای آنها پیوسته روی زنجیرهای خشن چرخ خورده است ساعت دو بعد از ظهر است هوا بی نهایت خوب و آفتاب بسیار ملایمی تمام این منطقه را گرمای مطبوعی بخشیده است ، چهار ساعت پیش کردان های « ضرب » از این محل گذشته و برای این که جلو پیشروی سریع لشکرها ی آلمان را بگیرند موانع زیادی در این راه ایجاد کرده اند .

مسئله پیشروی با سرعت تمام و رسیدن به هدف بر خلاف پیش بینی عموم خیلی هم به آسانی صورت پذیر نیست ، زیرا واحدهائی که با سرعت پیش میروند قدم بقدم با اشکالات روبرو شده و از انجام نقشه خود باز میمانند و اگر خدمات شایان توجه و نخستین واحدهای ویژه مهندس نباشد انجام کار و وظیفه خیلی مشکل خواهد شد باری در ضمن پیشروی از طرف فرماندهی دستور داده شده بود که گردانها ضمن

انجام عملیات مراقب پیرامون خود باشند که مبادا دشمن جاده ها و گذرگاههای مهم را مین گذاری کرده باشد، برای اینکه پیش آمد سوئی رخ ندهد دسته های گردان مهندس با لوازم کافی چند کیلومتر جلوتر حرکت کرده بودند، در جاده باریکی که بسوی دشت «موراوا» پیش میرفت گردان های حمله و صنف مهندس با چند منطقه خطرناک مین برخورد و ارا به های جنگی را از نزدیک شدن باین محل مانع شدند ارا به ها تقریباً در دو کیلومتری منطقه مین گذاری شده توقف کرده و منتظر بودند که واحدهای مهندس کار خود را پایان داده و مینهارا منفجر و بی اثر سازند پس از چند دقیقه صدای انفجار مدتها بگوش رسیده و خبر داده شد که مین ها ازین رفته و جاده برای پیشروی باز است در نتیجه کوشش واحدهای صنف مهندس تنها چند دقیقه عملیات جنگی دچار وقفه شد.

در جلو آلکزیاناز

شب دوم جنگ یوگوسلاوی خیلی زودتر فرا رسید. تاریکی و حشتناکی همه جا را فرا گرفته و جنبش واحدهای زره دار و گردانهای حمله را تا اندازه چهار وقفه ساخت با وجود این ارا به های جنگی عملیات خود را ادامه داده و از پیشروی شبانه دست نکشیده بودند. شهر آلکزیاناز هدف اساسی لشکر زره پوش بود ولی واحدهای یوگوسلاوی در قصبه کوچکی که در چند کیلومتری جلوتر این شهر قرار داشت موضع گرفته و سخت پایداری می کردند.

توپهای ۳۷ میلی متری ضد ارا به و مسلسل های گردانهای «صرب» غوغائی در این شب تاریک برپا کرده بود از هر سو صدای تیر اندازی بگوش میرسید قصبه کوچک دچار حریق دهشتناکی شده و در نتیجه اصابت گلوله های سنگین توپخانه یکانون بزرگی از آتش تبدیل یافته و بیشتر قسمت میدان رزم را روشن ساخته بود. این وضعیت بسود ارا به های جنگی بود زیرا از فاصله دور میتوانستند هدف نیمه روشن خود را تشخیص داده و بسوی آن شلیک نمایند.

سرباز های یوگوسلاوی از تاریکی شب و هوای مه آلود بیشینه استفاده را کرده و با شدت تمام در گوشه و کنار ایستادگی میکردند ولی از همان وهله اول

تیر اندازی توپخانه و آتش گرفتن بسیاری از خانه های قصبه معلوم بود که واحد های « صرب » در حال عقب نشینی هستند ساعت ۹ و ۱۰ و ۱۱ شب با سرعت سپری شد ولی هنوز از نتیجه نهائی این نبرد شبانه چیزی در دست نبود ، هر دقیقه صدای تیر اندازی و غرش توپخانه سنگین مخوف تر کشته و بحریق توسعه می بخشید هزاران گلوله صفیر زنان رو به هدف رفته و در نزدیکی های « آلکزیناتز » زمین می خورد باری کمی بعد از نصف شب مقاومت واحد های یوگو سلاوی در هم شکسته شده و قصبه کوچک در حالی که بکانونی از آتش تبدیل یافته بود از طرف گردان های هجومی آلمان اشغال شده و ارابه های جنگی راه شهر « آلکزیناتز » را پیش گرفتند .

قصبه لاکودینا

صدای تیر اندازی گاهی بگوش میرسید ولی گردانهای یوگو سلاوی مقاومت جدی از خود نشان نمیدادند ، ارابه های جنگی و ستونهای پیاده نظام آلمان در تاریکی شب برای پیمائی خود ادامه داده و در عین حال مراقب پیرامون خود بودند که مبادا مورد حمله قرار گیرند . ساعت دو و نیم بعد از نصف شب دستور رسید که قسمت هادر حدود دوساعت یعنی تا هنگامی که بامداد فرارسد استراحت نمایند بیدرنگ وسایل آسایش فراهم آمده در حالی که ارابه های جنگی در اطراف این اردوی بزرگ پاسبان داری مشغول بودند سربازها بخواب عمیقی فرو رفته و خستگی خود را رفع نمودند ، اینجا سکوت کامل حکمفرما و درخت های کهن و سرسبزی از هر سو واحد هارا احاطه کرده بود :

ولی در سایر قسمتهای جبهه غرش مخوف توپخانه و حرکت کامیونهای حامل افراد و ارابه های جنگی بگوش میرسید حتی در بخش های نزدیک آتش جنگ دیده دیده شده و افق سرخ رنگ نمونه ای از فعالیت واحدهای جنگی را نشان میداد . ساعت ۴ بعد از نصف شب مدت استراحت پایان یافته و واحدهای مختلف عملیات جنگی را از سر گرفتند هوا کم کم روشن میشد . باد خنکی از جانب شمال وزیدن گرفته و سر و روی همه را نوازش میداد

هوایی نهایت لطیف بود شبنم زیادی روی چمن ها و علف های خودرو دشت «موراوا» نشسته و قسمتی از چکمه سربازها را تر کرده و گرد و خاک آنها را زدوده بود: توپخانه ستون فعالیت خود را از سر گرفته و جنگل مقابل را زیر آتش خود قرارداد و با سرعت شگفت انگیزی خمپاره های سنگین را روی واحدهای یوگوسلاوی فرو میریخت.

کامیونهای بزرگ حامل افراد با سرعت حرکت کرده و یکی پس از دیگری از نظر دور میشدند اینها گردانهای حمله بودند که بایستی پس از شلیک شدید توپخانه و پیشروی ارباب های جنگی سنگرها و استحکامات دشمن را اشغال و آخرین مقاومت آنها را درهم شکنند در پیرامون «لاکودینا» هنگامه شگفت آوری برپا بود کامیون ها و ارباب ها با سرعت زیاد در حال پیشروی بودند توپخانه هم چنان به شلیک منهدم کننده خود ادامه میداد. گردانهای حمله با کامیونهای بزرگ و سریع تا ۳۰۰ متری استحکامات و سنگر های دشمن پیشرفته و منتظر بودند که پس از خاتمه شلیک شدید توپخانه در پناه آتش ارباب های جنگی با یک خیز سرباز های یوگوسلاوی را عقب رانده و این موضع را نیز اشغال نمایند پس از چند لحظه افراد گروه حمله با سرعت و شتاب بی مانندی از کامیونها بیرون پریده و بطرف هدف روان شدند اینها همه با مسلسل های قابل حمل و نارنجک های دستی مجهز بودند. در یک چشم بهم زدن چند دسته از سربازها در شیار پشت سنگر واحد های یوگوسلاوی خیزیده و با مسلسل های خود بنای شلیک گذاشتند در همین لحظه دو آتش بار ضد هوایی نیز که تازه از راه رسیده و در ۲۰۰ متری این محل موضع گرفته بود بجای تیراندازی بسوی هواپیما ها آماج های زمین را مورد حمله قرار داده و چند خانه را که مورد استفاده واحد های صرب قرار گرفته و بسنگر تبدیل یافته بود با خاک یکسان کرد دشمن در تمام خانه ها موضع گرفته و سخت ایستادگی میکرد و چنان بنظر میرسید که در کوچه های قصبه «لاکودینا» رزمهای خونین رخ خواهد داد ولی رسیدن چند دسته بزرگ از ارباب های جنگی و تیراندازی شدید توپخانه سنگین دشمن را از مقاومت جدی باز داشت در نتیجه حریق های دامنه داری که در قصبه رخ داده بود ساعت یک بعد از

ظهر هوا خیلی گرم شده بود ولی جنگ هم چنان ادامه داشت ساعت يك و نیم بعد از ظهر واحدهای « صرب » در حالیکه دستها را بالا گرفته و با پرچم های سفید تسلیم شدن خود را اطلاع میدادند از خانه های نیمه خراب و سوزان بیرون آمده و اسلحه های خود را تحویل دادند با این ترتیب « لا کودینا » نیز سقوط کرده و ارا به های جنگی در حالی که به پیروزی دیگری نائل شده بودند راه پایتخت یوگوسلاوی را پیش گرفتند

۹ آوریل

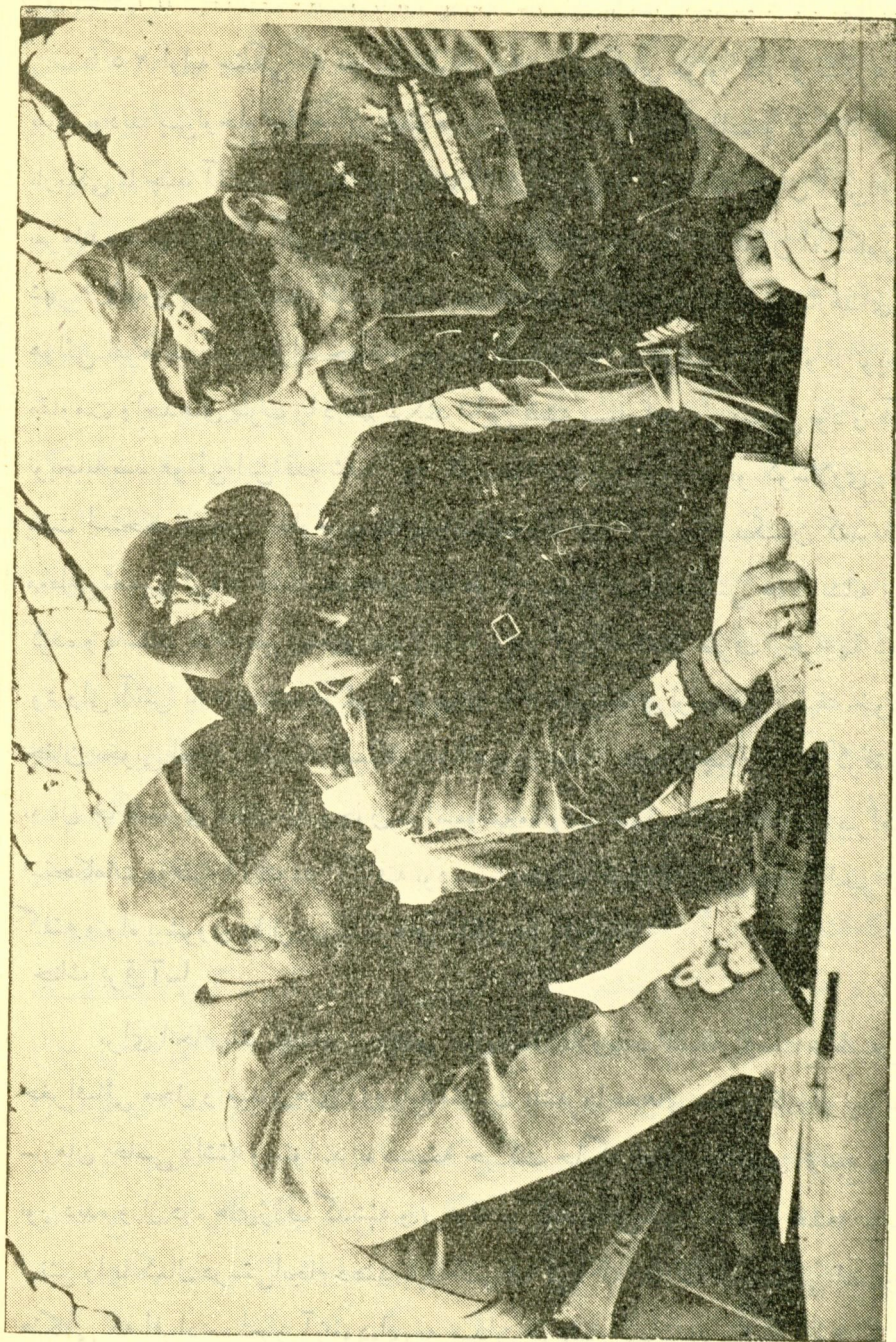
بامداد روز ۹ آوریل لشکرهای آلمان دوباره فعالیت خود را از سر گرفته و در دشت « موراوا » بسوی بلگراد بنای پیشروی را گذاشتند نقشه جنگ که با دقت کامل تنظیم یافته بود با احتیاط زیادی انجام شد لشکرهای یوگوسلاوی در ضمن ایستادگی و انجام یکسلسله عملیات جنگی بیشتر بسوی پایتخت ورشته کوههای مرکزی عقب نشینی نموده و مواضع خود را از دست میدادند - بسیاری از اوقات نیز رزمهای خونین منجر به تسلیم گردانهای صرب شده و بدینوسیله هر روز بر شماره بندی ها افزوده میشد گردانهای هجومی و ارا به های جنگی آلمان در ضمن پیشروی در دشت حاصل - خیز و سبز و خرم « موراوا » هنگام عصر به پیرامون « لا بوو » رسیدند نیروی هوایی و بویژه دسته های شکاری از نظر اکتشاف و مشخص ساختن سنگر و محل مقاومت و تمرکز دشمن خدمات شایانی انجام داده و بمب افکنها بطور مستقیم در نبرد شرکت جسته و لشکرهای یوگوسلاوی را سخت فرسوده و ناتوان می ساختند.

پس از حمله های شدید هوایی که از طرف نیروی هوایی آلمان به بلگراد شد واحد های هوایی انگلیس متمرکز در یونان و چند بخش از هواپیماهای یوگوسلاوی به صوفیه پایتخت بلغارستان و چند فرودگاه رومانی و شهرهای مرزی مجارستان و حتی و حتی (بوداپست) حمله بردند در مورد بلغارستان این خطر خیلی زود برطرف شد یعنی هواپیماهای انگلیسی پس از آنکه نزدیکترین فرودگاهها را از دست داده و شروع به عقب نشینی کردند از بمباران شهرهای این کشور صرف نظر کردند ولی تجاوز نیروی هوایی یوگوسلاوی به مجارستان و اکنش شدیدی ایجاد کرده و باعث تیرگی روابط دو کشور گشت.

عصر روز ۹ آوریل يك قطار از کامیونهای حامل سرباز و چند آتش بار سنگین یوگوسلاوی به نزدیکی «لابوو» که در قسمت میانه دشت «موراوا» قرار دارد رسیدند. آتشبارهایی در نك موضع گرفته و بسوی گردانهای هجومی آلمان بنای شلیك را گذاردند. توپهای ۳۷ میلیمتری ضد تانك نیز در نبرد شرکت جسته و با شدت هر چه تمامتر در صدد جلو گیری از پیشرفت ازابه های جنگی برآمدند. این حمله متقابل که با حداث فراوانی آغاز یافته بود با دقت و احتیاط کاملی اجرا میشد و آتش توپهای یوگوسلاوی سربازهای آلمان و ازابه های جنگی را زیر گرفته و بیداد میکرد. پاسخ این نوع تیر اندازی با توپخانه سنگین بود. بهمین جهت آتشبارهای سنگین بیدر نك دست بکار شده و با تغییر موضع از راست بچپ پیچیده و با غرش مخوفی خمپاره های خود را یکی بعد از دیگری روی ستون سربازان یوگوسلاوی ریخت. توپخانه ها بر زم دشتناکی دست زده و سرانجام ساکت شدند. معلوم بود که توپخانه یوگوسلاوی آسیب دیده است زیرا در دومین مرحله تیر اندازی توپخانه آلمان هیچ صدائی از آتشبار های صرب شنیده نمیشد.

در این هنگام يك دسته ۲۵ تائی از رابه های جنگی بحر کت آمده و بایشتیانی آتش توپخانه بسوی «لابوو» و درهم شکستن آخرین مقاومت طرف روان شدند. از فعالیت توپهای ضد تانك و توپخانه صحرائی یوگوسلاوی هیچ خبری نبود. چند توپ ۳۷ میلیمتری و ۱۵۰ در نزدیکی هدف دیده میشد که در نتیجه اصابت خمپاره های سنگین آلمان از کار افتاده و شش نفر سرباز زخمی نیز که گویا توتچی بودند در محل دیده میشدند بدون فوت وقت چند نفر پزشک و بکمرک زخمی ها شتافته و زخم آنها را که چندان خطرناك نبود پانسمان کرده و بعقب جبهه اعزام داشتند.

در این هنگام توپخانه گوشه از جنگل را که واحدهای پیاده یوگوسلاوی بدانجا پناه برده بودند زیر بمباران خود قرار داد. درست پس از ده دقیقه در حدود ۱۰۰۰ نفر از سربازهای صرب که جز و لشکر «موراوا» بودند در حالیکه دستمال و پرچمهای کوچک سفید در دست داشتند از میان درختهای کهن بیرون آمده و تسلیم شدند. جنگ کار خود را کرده و سربازهای یوگوسلاوی پس از مقاومت و عدم موفقیت دسته بدسته تسلیم



پیشوای ایتالیا موسیلمنی در جبهه ایتالیا هنگام بررسی نقشه های جنگی پس از آغاز حمله شدید واحدهای ایتالیا

۲۵ ارا به جنگی که تقریباً جلو دار سایر واحدهای موتور دار و لشکرهای پیاده بودند پس از خلع سلاح این عده ها به پیشروی خود ادامه داده و در يك جاده باریکی با چند آتشبار ضد هوایی سبك آلمان برخورد کردند کارکنان آتشبارها بفرمانده دسته ارا به جنگی اطلاع دادند که واحدهای دشمن در پیرامون ایستگاه بزرگ شهر « لاوور » سنگربندی کرده و مقاومت میکنند ، در ضمن فرمانده آتشبارهای ضد هوایی بفرمانده گروه ارا به جنگی خبر داد که خیال دارد موضع گرفته و با توپخانه مقاومت واحدهای صرب را درهم شکند ، این نقشه بسیار خوب و منطقی بود و آتش توپخانه ضد هوایی این قدر شدید بود که میتوانست سربازهای یوگوسلاوی را از پشت استحکامات خود خارج ساخته و ایستگاه راه آهن را با خاک یکسان کند بدون معطلی تصمیم گرفته شده و توپخانه ضد هوایی بسوی هدف زمینی خود نشانه روی کرده و با شدت تمام به تیراندازی دست زد ایستادگی واحدهای طرف از هرجهت شدید بود ولی آتش بارهای ضد هوایی و توپهای ۳۷ میلی متری ارا به ها وظیفه خود را چنان بخوبی انجام دادند که ایستگاه راه آهن در مدت بسیار ناچیزی آتش گرفته و به تل خاکستری مبدل شد و چون در این موضع مقاومت جدی سودی نداشت و پیرامون استحکامات موقتی را آتش فرا گرفته بود سربازهای یوگوسلاوی این محل را نیز ترك گفته و راه پیشروی را بروی لشکرهای آلمان باز کردند .

جنگ برق آسا

برای انجام يك سلسله نبردهای برق آسا علاوه بر اینکه اوضاع طبیعی و جغرافیائی محل و میدانهای رزم باید مناسب باشد واحدهای داخل کارزار نیز باید سازمان خاصی داشته و بتوانند با پیشینه حرکت جلگه ها و دشتهای وسیع را در نور دیده و از دره های ژرف گذشته و بر نواحی کوهستانی دست یافته و نقشه ستاد ارتش را با کمال درستی انجام دهند باید اعتراف کرد که جنگ کار مشکلی است ولی هنگامی که افراد مسلح و آزموده ای به میدان نبرد قدم گذاشتند وظیفه خود را با برد باری و خونسردی کامل انجام میدهند و چون تمام نیروی فعال يك کشور از این منظور

پشتیبانی مینمایند گروههای ارتشی نیز کوشش میکنند کار جنگ را هر چه زودتر یکسره نمایند. با در نظر گرفتن این نکته که هدف مهم لشکریهای زره دار آلمان پس از عبور از مرز یوگوسلاوی پایتخت این کشور «بلگراد» بود باید اعتراف کرد که پس از دست یابی بدشت سبز و خرم «موراوا» انجام يك سلسله جنگهای برق-آسا «برخلاف جبهه یونان» با مشکلات زیادی روبرو نمیشد. ارابه های جنگی و زره پوشها بدون احساس کوچکترین زحمت در این جلگه همواره بسوی هدف پیش میراندند در صورتیکه در سایر قسمتهای کوهستانی مقاومت واحد های یوگوسلاوی خیلی جدی بود جنگ برق آسا با خصوصیات خاصی آغاز و پایان میرسد.

واحد هایی که در این نوع نبردها شرکت میکنند عملیات خود را با یکدیگر تطبیق کرده و یکی پس از دیگری در صدد تکمیل آن برآمده و چرخ جنگ را با سرعت غیر قابل تصویری بحرکت در می آورند یعنی نخست دسته های نیرومندی از بمب افکنها و شکاری ها بحرکت آمده و در آسمان دشمن رسوخ کرده تمام نقاط حساس و مراکز جنگی و صنعتی را با شدت بمباران میکنند پیش از اینکه انجام این نقشه شگفت آور و منهدم کننده پایان پذیرفت توپخانه سنگین لوله های دهشتناک خود را بسوی هدف نشان کرده و هزاران خمپاره بزرگ و کوچک بر واحدهای طرف فرو میریزد در پس این رشته عملیات گروه بر گزیده ای از واحدهای اکتشافی استحقاقات (مهندس) با سرعت تمام بحرکت آمده و پیش رانده و بطور تحقیق از جنبش و حرکت سربازان دشمن اطلاع دقیقی بدست می آورند گروه اکتشاف که با ارابه های جنگی سبك مجهز است میتواند به آسانی در خطوط دفاعی دشمن رسوخ کرده و بدون اینکه تماس خیلی نزدیکی با آن پیدا کند محل واحدهای طرف را مشخص ساخته و با وسایل ارتباطی مطمئن که در اختیار دارد از قبیل رادیوهای گیرنده و دهنده با موج کوتاه و تلفن و تلگراف بی سیم چگونگی اوضاع میدان کارزار بنزدیکترین ستاد خود اطلاع دهد. تمام این عملیات با سرعت زیادی باید انجام پذیرد و از آن پس ارابه های متوسط و سنگین که رده دوم و سوم خط آتش متحرک را تشکیل میدهند به سنگرها و خطوط دفاعی و استحکامات دشمن نزدیک

شده و با آتش شدید و تیراندازی هولناك خود كار جنگ را يكسره ميكند با انجام چنین مانور جنگی كه با شركت و دخالت تمام اسلحه‌های آتشین : هواپیما - توپخانه سنگین - توپهای ضد هوایی - توپهای ضد تانك - ارابه‌های مختلف ، صورت ميگيرد نخستین ضربت مهلك را ميتوان بر پيكر واحد های جنگی دشمن وارد آورد .

بر حسب تصادف جلگه پهناور «موراوا» برای انجام چنین مانوری كاملاً مناسب بود ارابه های سنگین بدسته های بزرگ تقسیم شده و هر يك در بخشی از این منطقه سبز و خرم بعملیات دست زده و پیش ميرفتند روز سوم جنگ واحد های آلمان پیش-رفتهائی نمودند و علاوه بر آنكه در حدود ۶۰ كيلومتر در داخل خاك يوگواسلاوی پیش رفته و بخش های حساس کشور را مورد تهدید قرار داده بودند - شماره زیادی نیز بندی گرفته بودند با وجود این پیش بینی اينكه جنگ تا چند روز ديگر پایان خواهد یافت غير ممكن بود زیرا عمده قوای این کشور هنوز دست نخورده و سعی داشت با يك حمله سریع رابطه ارتش های آلمان و ایتالیا را در خط «متاكزاس» قطع و با واحد های انگلیس و یونان تماس پیدا کند ، چون ستاد ارتش يوگواسلاوی چاره جز این كار نداشت و برای جلوگیری از انهدام كامل مجبور بود با متحدین خود «يونان و انگلیس» تماس پیدا کند و در انجام این منظور پافشاری ميكرد بدین مناسبت ستاد ارتش کشورهای محور صلاح در آن دید كه لشگرهای ایتالیا متمرکز آلبانی علاوه بر اجرای يك حمله عمومی به یونان از عقب سرنیز به لشگرهای يوگو-اسلاوی حمله برد روز سوم جنگ این نقشه بمورد اجرا گذاشته شده و پیشوای ایتالیا « موسیلینی » كه شخصاً در جبهه آلبانی حضور داشت پس از رایزنی با ستاد ارتش خود فرمان این حمله را صادر كرد .

از همان دقیقه نخست معلوم بود كه هر كدام از طرفین زودتر بجنبد بهتر خواهند توانست بمقصود نائل آمده و شاهد پیرروزی را در آغوش گیرند با این ترتیبی كه پیش آمده بود ارتش يوگواسلاوی ناگزیر بود روز سوم جنگ در چهار جبهه دست بجنگ زدند در مرزهای بلغار و رومانی با عمده قوای ارتش آلمان در مرزهای آلبانی با لشكر های برگزیده ایتالیا در ناحیه « زارا » با يادگان ایتالیا باز در مرزهای شمالی خود با

چند لشگر زره پوش ایتالیا که در ناحیه تریست بخاک یوگوسلاوی رسوخ کرده و در نظر داشت با سرعت تمام پیش رانده سراسر کرانه‌های دریای آدریاتیک این کشور را اشغال و با یادگان زارا تماس حاصل کند گذشته از همه اینها واحد های اعزامی انگلیس و لشگرهای یونان در ناحیه سالونیک با اشکالات فراوانی رو برو شده و نمیتوانستند بکمک یوگوسلاوی بشتابند از همه مهمتر مرزهای بخش مجارستان این کشور نیز مورد تهدید سخت قرار گرفته بود .

باری کشور یوگوسلاوی در سومین روز نبرد بامشکلات بسیاری روبرو گشته و بمباران هوائی مدهش لطمه بسیار شدیدی بسازمان جنگی این کشور وارد ساخته و چنان بنظر میرسید که آتش جنگ خیلی زود در این سرزمین خاموش خواهد شد
روز ۱۰ آوریل

واحد های حمله و لشگر های زره دار بدون اینکه استراحت زیاد بکنند مشغول انجام وظیفه بودند شب گذشته با ۳ ربع استراحت سریائی پیاپیان رسیده و در بامداد کار جنگ شدت بیشتری پیدا کرد ، توپخانه سنگین و سبک بدون اینکه کوچکترین وقفه ای در کارش رخ دهد دور ترین هدفها را زیر آتش خود قرار داده و سد آتش خطرناکی در جلو واحدهای یوگوسلاوی ایجاد کرده و بدین وسیله آنها را از دست زدن بهر گونه اقدام جدی باز میداشت .

مقاومت واحد های یوگوسلاوی در روز چهارم جنگ شدید تر گشته و بویژه سربازان صرب با استفاده از کوچکترین جان پناه و سنگر ایستادگی کرده و تا آخرین لحظه منظور خود را اجرا میکردند ولی اینگونه عملیات مانع پیشروی واحد های موتور دار آلمان نمی شد و طرز عمل نشان میداد که نقشه نبرد برق آسا بانهایت دقت و تندی انجام می گیرد زیرا منطقه عمل و میدان رزم برای انجام چنین نقشه ای بسیار مناسب بود .

تاکنون چند شهر نسبتاً مهم و ۱۶ قصبه و آبادی فراوان از طرف دولشگر زره دار اشغال شده و بواحد های پیاده نظام که مانند خط زنجیری در عقب ارابه های جنگی حرکت می کردند تحویل داده شده بود . بامداد فرا رسیده ولی هنوز روشنایی

خورشید بدشت پهناور و زمر دین فام « موراوا » نماینده بود هوا کمی سرد بود ارا به ها در پناه درختهای کهن جاده باریکی را پیش گرفته بسوی قصبه دیگری که در فاصله ده کیلومتر قرار داشت روان بودند .

توپخانه سنگین از چند دقیقه پیش این هدف را زیر آتش خود گرفته و گویا با این عمل می خواست اعلام بدارد که حمله سایر واحدها نیز آغاز گردیده است « درحقیقت باید هم متوجه این موضوع بود که هنگامی که توپخانه با شدید ترین وجهی هدفی را مورد بمباران قرار داد قطعی است که حمله سایر واحدها را آسان میسازد زیرا آتش توپخانه همیشه بمنزله جلو دار سایر واحدهای داخل نبرد بشمار رفته و تقریباً می رساند که حمله عمومی آغاز شده است البته این پیشبینی در جبهه هایی که تعرض سریع از خصوصیات جنگ بشمار میرود و نبرد با روش برق آسائی پیش میرود بیشتر باحقیقت قرین است »

خمپاره های سنگین توپخانه از بالای سر واحدهای موتور دار و ستون سرباز های پیاده و ارا به های جنگی عبور کرده و در نقطه دور دستی زمین خورده و منفجر می شد . غرش مخوفی بامدادان سراسر جبهه را فرا گرفته و چنان بنظر میرسید که سه ربع ساعت استراحت نیروی تازه ای بگردانهای حمله و لشکر های موتور دار بخشیده است .

صدای موتور هواپیماها که دسته دسته در آسمان یوگوسلاوی پرواز آمده و گاهی نیز بطور مستقیم در نبردهای زمینی شرکت می جستند بیش از پیش بروحشت میدان کار زار افزوده و می رساند که آتش جنگ با شدت تمام در گوشه و کنار سر زمین یوگوسلاوی توسعه می یابد زیرا نه تنها جلگه سبز و خرم و وسیع « موراوا » در آتش جنگ میسوخست بلکه در مرز های شمالی این کشور نیز اسلحه های خودکار بکار افتاده و هزاران نفر سربازهای مسلح رودر روی هم قرار گرفته و دست بگریبان شده و هر يك برای منظوری جنگ می نمودند این آتش هولناك در سومین روز جنگ بمرز های آلبانی نیز سرایت کرده و در آن نقطه دور دست نیز لشکر های ایتالیا بتعرض دست زده و در صدد بودند از تشبث لشکر های یوگوسلاوی جلوگیری و با واحد های

آلمان که در جبهه مقدونیه و سالونیک دست بحمله زده بودند تماس پیدا کند .

روز ۱۱ آوریل

حمله های متعدد هوائی شهرهای مرزی و پایتخت مجارستان سرانجام کار خود را کرده و رابطه دو کشور را تا آنجائی تیره ساخت که ستاد ارتش مجارستان مجبور بد خالت شده و چند لشکر از سپاهیان این کشور از مرز یوگوسلاوی عبور کردند روز پنجم جنگ واحد های یوگوسلاوی مجبور بودند در ۵ جبهه بالشکر هائی که دارای سازمان جنگی بهتر و تسلیحات مرغوب تری بودند دست و پنجه نرم کنند .

در جبهه مرکزی لشکر های موتوردار آلمان طبق نقشه پیشروی خود ادامه داده و چیزی نمانده بود که به هدف خود «بلگراد» برسند عمده قوای یوگوسلاوی در برابر واحد های آلمان جنگ می کردند ولی از طرز عقب نشینی آنها چنان برمی آمد که سازمان جنگی یوگوسلاوی در نتیجه حملات هوائی مؤثر لطمه سختی دیده و لشکرهای صرب دوسه روز بیشتر تاب ایستادگی نخواستند - شهر بلگراد که بوضع بسیار شدیدی بمباران شده بود دچار حریق هولناکی گردید و اهالی شهر خانه و کاشانه خود را ترك گفته دسته دسته بمهاجرت شروع کردند و حرکت واحد های یوگوسلاوی را دچار اشکال فراوانی کرده بودند چون دسته های ویژه ای برای جلو گیری از حریق در شهر وجود نداشت دامنه آن هر ساعت وسعت یافته تقریباً بلگراد بطور متمادی در آتش میسوخت .

حمله های هوائی بخطوط ارتباط و راه آهن ها و جاده های شوسه که مورد استفاده لشکر های یوگوسلاوی بود صورت و حشت آوری بخود گرفته و دسته های چندی از بمب افکنها بر فراز استحکامات و سنگرها و محل تمرکز گردانهای مدافع صرب پرواز کرده و در دوردترین نقاط این کشور وظیفه توپخانه سنگین را با سرعت و شدت هرچه تمامتر انجام میدادند وسایل دفاع ضد هوائی برخلاف «جبهه شمال و جنوب فرانسه» در یوگوسلاوی خیلی کم بود شکاریهای این کشور هیچوجه در آسمان

پیدا نمی شد فرمانروائی کامل در آسمان بمعنای حقیقی خود از همان روز نخست بدست آمده و خلبانها بدون اینکه در خود احساس کوچکترین نگرانی بکنند هرروز چندین بار درروی جبهه جنگ پیرواز آمده و بطور مستقیم در رزم های زمینی شکت جسته و در حقیقت بهترین و مطمئن ترین اسلحه ترفیقه پیاده نظام آلمان بودند.

هر عملیات جنگی که صورت می گرفت واحد های آلمان يك قدم به هدف اصلی خود نزدیکتر شده و برعکس لشکرهای صرب با مشکلات بیشتری روبرو میگشتند حرکت وزیران از بلگراد و کسبخته شدن انتظام امور و دخالت مجارستان در جنگ و افزون شدن ترس و وحشت اهالی غیر نظامی و سایر پیش آمدها بطور واضح نشان میداد که نقشه های جنگی ستاد ارتش صرب نه تنها از روی دقت و احتیاط تنظیم نشده بلکه در حین اجرا با مشکلات فراوانی روبرو شده که مهمترین آنها باید نبودن اسلحه و مهمات و نیروی هوائی کافی بشمار آید.

باری با سرعتی که جنگ برق آسا پیشرفت داشت و با وضعیت دفاعی که سپاهیان انگلیس و یونان « که شرح آن بعد خواهد آمد » در میدان های جنگ یونان پیش گرفته بودند . انهدام واحدهای جنگی یوگوسلاوی حتمی بنظر میرسید در جبهه شمال لشکرهای موتوریزه ایتالیا بسرعت پیشرفت می کردند و محل حرکت این لشکرها بیشتر کرانه دریای آدریاتیک بود در ناحیه « زارا » پادکان ایتالیا چند حمله شدید گردانهای صرب را دفع کرده و برای نگهداری مواضع خود همه نوع فداکاری کرده بود.

چند دسته از بمب افکنهای ایتالیا نیز در فرودگاههای « زارا » تمرکز یافته و حمله خود را بحساس ترین بخش های یوگوسلاوی ادامه میدادند. در جبهه جنوب نیز واحد های آلمان و ایتالیا سعی می کردند هر چه زودتر بایکدیگر تماس یافته و از رسیدن چند لشکر یوگوسلاوی بخاک یونان و برقراری ارتباط بالشکریان انگلیس و یونان جلوگیری کنند. با اینکه هنوز واحد های آلمان و ایتالیا ارتباطی با

یکدیگر برقرار نکرده بودند ولی سقوط سالونیک و عقب نشینی لشکر های یونان و واحد های انگلیس در این مورد نیز امید ستاد ارتش یوگوسلاوی را بیأس مبدل میساخت بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که محاصره واحد های یوگوسلاوی در پنجمین روز آغاز نبرد انجام یافته و لشکر های این کشور هیچ چاره بجز تسلیم شدن نداشتند.

شب در پاسگاه فرماندهی

از ساعت ۶ بامداد پیشروی واحدهای جنگی آغاز یافته و عملیات جنگی جدی برخلاف روز پیش صورت نه گرفت حرکت واحدهای آلمان بیک راه پیمائی مسلح بیشتر شباهت داشت تا بجنک معلوم میشد که حمله های هوائی متوالی و بمباران های شدید توپخانه سنگین کار خود را ساخته و لشکر های یوگوسلاوی را از مقاومت جدی باز داشته گاهی در سمت چپ و راست ستون سربازان و واحد های موتوریزه خمپاره هائی افتاده و منفجر میشد ولی چون سنگرها و دژهای جنگی زود سرکوب میشد بدین سبب آرامش خاطر افراد بهم نمیکشید و ستونها با احتیاط کامل وظیفه خود را انجام میدادند.

فرماندهی لشکرهای پیاده و موتوردار و ارابه های جنگی که در جبهه مرکزی بعملیات مشغول بودند و مهمترین آماجشان «بلگراد» بود بعهده سرلشکر «فن کلایت» بود سرلشکر «فن کلایت» با یک ارابه جنگی سنگین حرکت کرده و پیوسته مراقب اوضاع جبهه جنک و حرکت گردانهای حمله بود.

ساعت ۸ بعد از ظهر ارابه جنگی «اریکا» پس از طی ۹ کیلومتر راه و انجام چند عمل مهم جنگی در حالیکه زنجیرهای آن سخت بصدا درآمده بود بیک اردوگاه بزرگ که در نزدیکی جنگل کوچکی برپا شده بود رسید چون شبها هوا بطور عموم سرد بود آتش زیادی افروخته شده و عده زیادی از سربازها و افسران دور آن حلقه زده و مشغول خواندن بودند دودسته دیگر با خوردن غذا خود را سرگرم ساخته بودند روشنائی خیره کننده آتش منطقه اردوگاه را روشن ساخته و حدود آن را مشخص

میساخت در اطراف آن پاسداران دیده میشدند که مشغول قدم زدن بودند، کمی دور تر از اردوگاه چادر کوچک و سفیدی دیده میشد تشخیص چگونگی امر و اینکه چادر از آن کیست در حمله اول کمی مشکل بود ولی پس از آنکه «اریکا» در ردیف سایر اراکه ها توقف کرد معلوم شد که اینجا پاسگاه فرماندهی است و سرلشگر «فن-کلایت» در چادر سفید با رئیس ستاد خود مشغول بررسی نقشه جنگ میباشد زیرا هنوز نیم ساعت نگذشته بود که فرمان حرکت و پیشروی صادره شده و اراکه ها بحرکت آمده و در میان تاریکی مبهم شب در توی جنگل ها فرو رفتند.

۱۲ آوریل

واحد های زره دار و گردانهای حمله با وجود اینکه مقاومت لشکریان یوگوسلاوی افزون شده بود در تمام مدت شب بجنگ و پیشروی ادامه داده و بدون اینکه کوچکترین وقفه در عملیات رزمی رخ دهد وظیفه خود را انجام داده و در آغاز بامداد روز ۱۲ آوریل در سمت جنوبی دشت «موراوا» با قسمت برگزیده چهار لشکر صرب روبرو شدند.

واحد های یوگوسلاوی مأموریت داشتند خط دفاعی خود را در جلو پایتخت حفظ کرده و بهر شکلی هست از پایداری دست نکشند.

ممکن بود رزم بیدرنک آغاز و گردانهای حمله در خطوط دشمن رسوخ کنند ولی این نقشه بجهانی انجام نیافته و سر لشکر فن کلایت صلاح در آن دید نخست قسمت های اصلی این چهار لشکر را به دسته های کوچکی تقسیم و يك يك آنها را با سرعت از میان بردارد. از همه مهمتر ستاد ارتش «کلایت» در نظر داشت چند پل مهم را دست نخورده و بدون آسیب اشغال نماید زیرا اگر واحد های یوگوسلاوی دست بخرابی میزدند مسئله پیشروی و انجام نقشه های جنگ برق آسا دچار اشکالات فراوانی میشد بهمین جهت گردان های حمله رده بندی کرده و هریک بسمتی از جبهه روان شدند.

در زیر آتش مستقیم دشمن

پنج روز و پنج شب بیخوابی و حرکت سریع واحدها زیر آتش بمباران توپخانه واقع شدن و هزاران اشکالات دیگر درست است که افراد را بی اندازه خسته میکند ولی چنین بنظر میرسد که در روحیه سربازان گروه حمله و رانندگان و سرنشینان ارا به های جنگی و زره پوش ها و توپچی ها اساساً تأثیر نکرده است مشخص ترین نشانه جنگ کرد و خاک زیادی بود که روی ارا به ها و کامیونها و زره پوشها را گرفته و بلباس و چکمه و تسلیحات افراد پیاده نیز سرایت کرده بود از دور چنان بنظر میرسد که برف مختصری باریده ولی تنها ماشینهای جنگی و توپها و پوشش تجهیزات سرباز ها را سفید کرده است در جبهه پهناور جنگ در هر آن ممکن بود که افراد خود را تمیز کرده و آب تنی نموده و گرد و غبار خود را برطرف نمایند ولی چون حرکت چرخهای عظیم جنگ تا هدف ضروری بود بدین سبب همه دست بدست هم داده و کوشش میکردند که کار جنگ زودتر یکسره شود نقشه جنگ مانند ساعت منظمی قدم بقدم اجراء میشد .

ستون واحد های موتوردار و پیاده نظام با کمال احتیاط بحرکت آمده و در میان درختان انبوهی پیش میرفتند گروه اکتشاف در سه کیلو متری مشغول انجام وظیفه بود و مأموریت داشت بمحض اینکه با جلو دار های دشمن تماس پیدا کرد مراتب را بمستاد ستون اطلاع دهد حرکت ستون سرباز ها بیک راه پیمائی ساده بیشتر شباهت داشت تا بیک لشکر کشی مهم زیرا در جبهه جنگ هیچ خبری نبود تنها برخی اوقات این سکوت و آرامش در اثر پیدا شدن بمب افکن ها و شکارها بهم می خورد .

این سکوت شگفت آور و خسته کننده در حدود ۳۰ دقیقه در سراسر جبهه حکمفرما بود و ستونها به سرپیچ بزرگی رسیده و در صدد بودند نیم دایره ای زده و بسوی هدف حرکت نمایند . در فاصله دو کیلومتری دره ماهورهای نسبتاً پست و درخت های کهن که جنگل بزرگی را تشکیل داده بودند دیده میشد .

راه پیمائی و رسیدن تا این موضع خالی از خطر نبود برای اینکه پیش آمد بدی رخ ندهد ستون بخط دشتبان در آمده و در حالیکه ارا به های سبک و سنگین در پیشابیش

حرکت میکردند بطرف جنگل رهسپار شدند هنوز پنج دقیقه نگذشته بود که آتش هولناك و مخوفی از روبروی جنگل جستن کرده و غرش گوش خراشی سراسر جبهه را فرا گرفته و گردانهای حمله خود را با صد آتش مرگباری روبرو دیدند. بیدرنك آن سكوت خسته كننده بهم خورده و مسلسل های سبك و سنگین و زره پوشها و ارايه ها بكار افتاده و فعالیت شگفت انگیزی در این قسمت از جبهه حكمفرما شد. توپخانه سنگین فوراً دست بكار شده و تا جائی را كه می توانست زیر بمباران مدھش خود قرار داد تیر اندازی واحد های یوگوسلاوی خیلی شدید بود ولی پس از آنكه بر شماره آتش بازهای توپخانه افزوده شد و ارايه های سنگین بخطوط دفاعی صربها نزدیک شدند از شدت عملیات جنگی آنها كاسته شد با وجود این واحد های یوگوسلاوی در این جبهه ایستادگی سختی از خود نشان میدادند بویژه پیاده نظام در حفظ سنگر و موضع خود سماجت میکرد.

يك ابتكار جنگی

در همان موقع كه واحد های زره دار در جهت مستقیم به جنگل و سنگر های سه لشكر از یوگوسلاوی ها نزدیک میشدند. لشكر های پیاده نظام با يك حرکت دورانی سریع پیرامون جنگل را پیموده و ارتباط سه لشكر صرب را با عمده نیروهای یوگوسلاوی قطع کردند. در نتیجه این ابتكار جنگی دو پل از ۳ پل مهم مورد بحث بدون آسیب از از طرف گردانهای هجومی آلمان اشغال گردیده از آن پس بین واحد های محاصره شده صرب و لشكر های زره دار آلمان در حدود ۱۲ ساعت نبردهای خونین رخ داده سرانجام در حدود ۳۰ هزار نفر از سرباز های یوگوسلاوی بندی واسیر شده و اسلحه را زمین گذارده و تسلیم شدند و هنگامی كه آخرین شعاع خورشید در گوشه باختری افق از نظر ناپدید میشد جبهه جنگ آرامشی پیدا کرده و واحد های جنگی برای بیمائی شبانه شروع نمودند. ارايه جنگی اريكا همچنان به جلو داری خود ادامه میداد تنها رنك آن تغیر یافته و از خاكستری بسفیدی كرائیده و گرد و خاك عجیبی روی زره های آن را پوشانده بود.

برقراری ارتباط بین ارتش آلمان و ایتالیا

واحد های ایتالیا پس از حمله به لشکر های یونان که در سر زمین آلبانی موضع گرفته بودند مجبور بودند بر خلاف ماههای گذشته عملیات خود را بایک نوع خشونت انجام دهند زیرا این سرباز ها زحمت زیادی کشیده و همواره عقب نشسته و دقیقه ای مجال نیافته بودند ایستادگی کرده و از پیشروی سرباز های دلاور ورشید یونان جلو گیری کنند.

ولی در این هنگام که یونان مورد مهاجمه ارتش آلمان واقع شده بود و این کشور کوچک در تمام مرزهای خاکی خود بدفاع قابل تقدیس و تحسینی دست زده و بار دیگر میخواست بدنیا ثابت کند که ملت یونان زنده و سلحشور و بزرگ است ایتالیائی ها فرصتی یافته و در نظر داشتند هر چه زودتر بادوستان آلمانی خود رابطه مطمئنی برقرار سازند زیرا میترسیدند که مبادا واحدهای یوگوسلاوی، زودتر بلشکریان یونان و واحدهای اعزامی انگلیس ملحق شده و خط دفاعی مستحکمی در مقابل پیشروی آنها تشکیل دهند.

بالاخره در نتیجه فداکاری واحدا های ایتالیا و بیشتر شدن فشار آلمان در یونان این منظور انجام شده و ارتش ایتالیا و آلمان با همدیگر رابطه یافته و تقریباً محاصره ارتش یوگوسلاوی تکمیل شد در همین روز معلوم شد که ستاد ارتش یوگوسلاوی نمی تواند وظائف مربوط بخود را انجام دهد.

۱۳ آوریل

روز ۱۳ آوریل جنگ با شدت هر چه تمام تر ادامه یافت.
موانعی که برای رسیدن به هدف « بلگراد » در پیش بود یکی پس از دیگری از میان برداشته می شد هوا نسبتاً خوب بود ولی شبها خیلی سرد میشد.

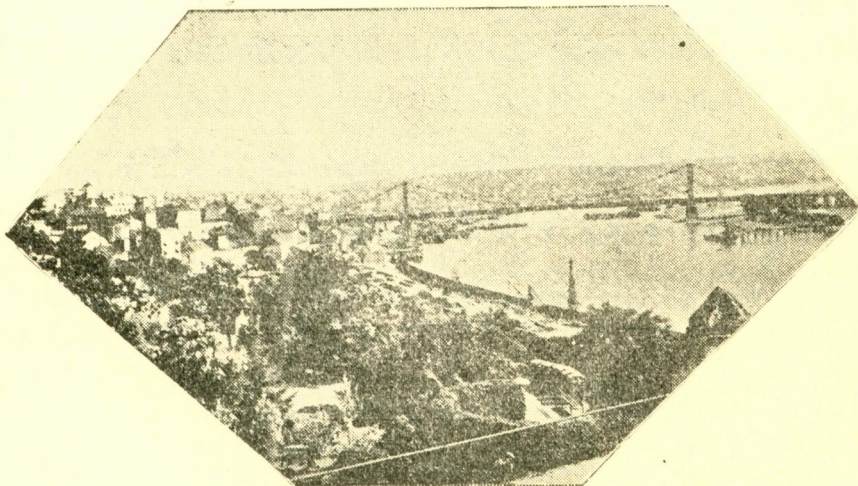
۱۴ آوریل

روز چهاردهم آوریل ساعت ۷ صبح در حالی که بادی سرد میوزید واحد های چندی از اربابه های جنگی وزره پوشها بسه کیلومتری شهر بلگراد رسیدند. پس از ۷ روز جنگ اربابه های جنگی و لشکر زره پوش « سرلشکر فن کلایت » بدروازه

های شهر رسیده و توپخانه سنگین آتش خود را متمرکز به کز مراکز نظامی این شهر کرده بود مقاومت و ایستادگی واحدهای یوگوسلاوی خیلی جدی بود و لازم بود که در این مورد واحدهای زبده ارتش آلمان داخل کارزار شوند در حدود ۱۴ لشکر از ارتش یوگوسلاوی مأمور دفاع پایتخت و مواضع جنگی پیرامون شهر بودند در مورد « بلگراد » نیروی هوایی بیش از هر اسلحه ای مؤثر واقع شده و بمواضع توپخانه طرف حملات شدیدی کرده و آنها را مجبور بسکوت کرد.

تزدیک ظهر واحدهای جلودار ارتش آلمان ببلگراد وارد شدند ولی توپخانه یوگوسلاوی همچنان در بعضی جاها تیراندازی نموده و مزاحم بوده تلفات بیشتری سربازهای آلمان وارد میآورد تا ساعت ۴ بعد از ظهر اشغال شهر تکمیل شده و بلگراد در حالیکه بیشتر قسمت های آن از بمباران هوایی آسیب دیده و دود زیادی از هر جای آن باسماں بلند بود بدست لشکرهای آلمان افتاد در صورتیکه پل بزرگ روی رودخانه دانوب در اثر انفجار دینامیت خراب شده بود.

در نتیجه عملیات جنگی دیگری که در سایر بخش های جبهه یوگوسلاوی انجام یافت ۱۴ لشکر از ارتش یوگوسلاوی اسلحه را زمین گذارده و تسلیم شدند چنان بنظر میرسید که آتش جنگ با سرعت زیادی در این سرزمین رو بخاموشی است.



منظره عمومی شهر بلگراد و رودخانه عظیم دانوب

۱۵ و ۱۶ آوریل

دوشنبه عید پاک بود همه ما در ستاد گرد آمده بودیم و بسنخان رئیس ستاد گوش میدادیم: او میگفت: «تصور میکنم که کار صربى ها یکسره شود. سپس به گذارشهاییکه در آنروز رسیده بود اشاره نموده گفت: «چنانکه از این گذارشها بر می آید. روز بروز بر تعداد بندیها افزوده میشود و هر آن از نیروی مقاومت دشمن کاسته میگردد.

چندین لشکر که در خطوط مقدم مشغول پیکار بودند دست از جنگ کشیده و تسلیم شدند مأموریت ارتش در روز ۱۵ آوریل ۱۹۴۱ در يك جمله خلاصه شده و عبارت از این بود «پیشروی بسوی سرازوا» همه ما میدانستیم که چه مأموریت بزرگی بعهد ارتش واگذار شده و در چه سرزمین وسیعی باید شروع بکار کنند.

هدف نیروی ارتش یعنی سرازوا از محل مبادخیلی دور بوده اگر زمان پیش بود راه پیمائی تا آن نقطه چندین روز طول میکشید.

ولی امروز تازمان پیش خیلی تفاوت پیدا کرده است لشکر های موتور ریزه درپیشروی بسوی زا کراب و بلغراد بخوبی ثابت کردند که عبور از جاده های مشکل برای آنها مانعی ندارد و در هر نوع زمینی که باشد میتوانند با حفظ سرعت لازم بسوی دشمن حرکت نمایند.

همه ما بروی نقشه خم شده و بادقت آن را مطالعه می کنیم. علامت پرچمهای سه گوش در روی آن نماینده لشکر ها بوده و از روی نقشه می توانستیم بخوبی بمحل و موقعیت آنان آگاه شویم محل ستون اصلی نیز در روی نقشه ترسیم و بخوبی دیده می شد.

وضعیت ما و خصم بخوبی نشان داده شده بود و میشد گفت دومین جنگ سدان و آن نبردهای خونین تجدید خواهد شد.

سرازوا دایره وار از سه طرف مورد محاصره قرار گرفته و جز از یکطرف راه دیگری باز نبود. يك لشکر زره پوش آلمانی روز دو شنبه پس از تلافی بایک ارتش ایتالیا در

فیوم پیشروی بزرگی بسوی جنوب خاوری و بسنی نموده و باموفقیت پیشرفت نمودند.
يك لشكر موتوریزه توانست که حدنصاب را شکسته و گوی سبقت را در عملیات
پیشروی از لشکر زره پوش بر باید.

لشکرهای موتوریزه و زره پوش همه بیکبار از بلغراد و از دره موراوا
و از خاور و شمال خاوری از زمینهای ناهموار گذشته و کوشش داشتند که بیکدیگر
رسیده و از همه طرف لشکر دوم صربی هارا محاصره نموده و نابود سازند:

شب در رسید اتفاقاً شب مهتابی بود همه مامنتظر رسیدن گذارش بودیم و می-
خواستیم هر چه زودتر از وضعیت خصم و پیشرفت نیروهای خود آگاه شویم.
هیچیک از ما نتوانست بخوابد از اینرو دسته جمعی بسر بام خانه که
در آن بودیم رفته و در کوههای بسنی خیره شده بودیم تا شاید اثری از لشکرهای خود
مشاهده کنیم.

اتفاقاً ابدأ اثری از آنها دیده نمیشد بر خلاف معمول نه شعله حریق دهکده
که در حال اشتعال بود دیده میشد و نه از دهانه لوله توپ آتش جستن میکرد سکوت
شب بر همه جا حکمفرما بود و ستاره ها در آسمان چشمک میزدند.

اگر گاهی صدای غرش هواپیماهای بمب انداز که از فراز سرما عبور
نموده و بسوی دشمن پرواز میکردند بگوش نمیرسید هیچکس باور نمیکرد که در
میدان جنگ زیست میکند و شهرها دستخوش حریق گردیده و در هر دقیقه
عده ای قربانی میشوند.

جنگهای هوایی بر فراز صربستان با تمام رسیده و دیگران مناظر دلخراش خاتمه
داده شده بود.

صبح روز بعد امواج بی سیم خبرهای خوشی آورد. صربها کمک میطلبیدند
معلوم بود که وضعیت آنها خیلی سخت و ناگوار است.

فرمانده کل نیروی صربستان توسط راديو بکلیه سربازان در جبهه جنگ پیام
فرستاده و ایشان را بیاباداری در مقابل ارتشهای آلمان تشویق مینمود، از سربازان
درخواست میشد که تا آخرین قطره خون خود مقاومت نموده تسلیم نشوند.

دستگاههای تلگراف مابکار نمیافتاد. مثل آن بود که جنگجویان حتی فرصت
مخابره را ندارند.

یکی از افسران لبخندی زده گفت: «از قرار معلوم بچه ها بطوری سرگرم
هستند که وقت مخابره را هم ندارند.

ابدا برای ما جای نگرانی نبود. زیرا هواپیماهای اکتشافی از پروازهای خود
برگشته و اخبار خوبی برای ما می آورند.

چنانکه هواپیماهای اکتشافی گزارش دادند عده زیادی از سربازان دشمن
پراکنده شده و در حال فرار دیده میشوند. در جاده مقابل سرازوا راه بسته شده و آمد
شد غیر ممکن بود.

دیری نگذشت که خبر رسید تیراندازان موتور سوار وارد دسته سربازان فراری
دشمن شده و از ایشان پیشی میگیرند.

این مسئله تازگی نداشت زیرا عین همان در فرانسه نیز روی داده بود، پس از
رسیدن گزارش دانستیم که انتهای کار نزدیک است.

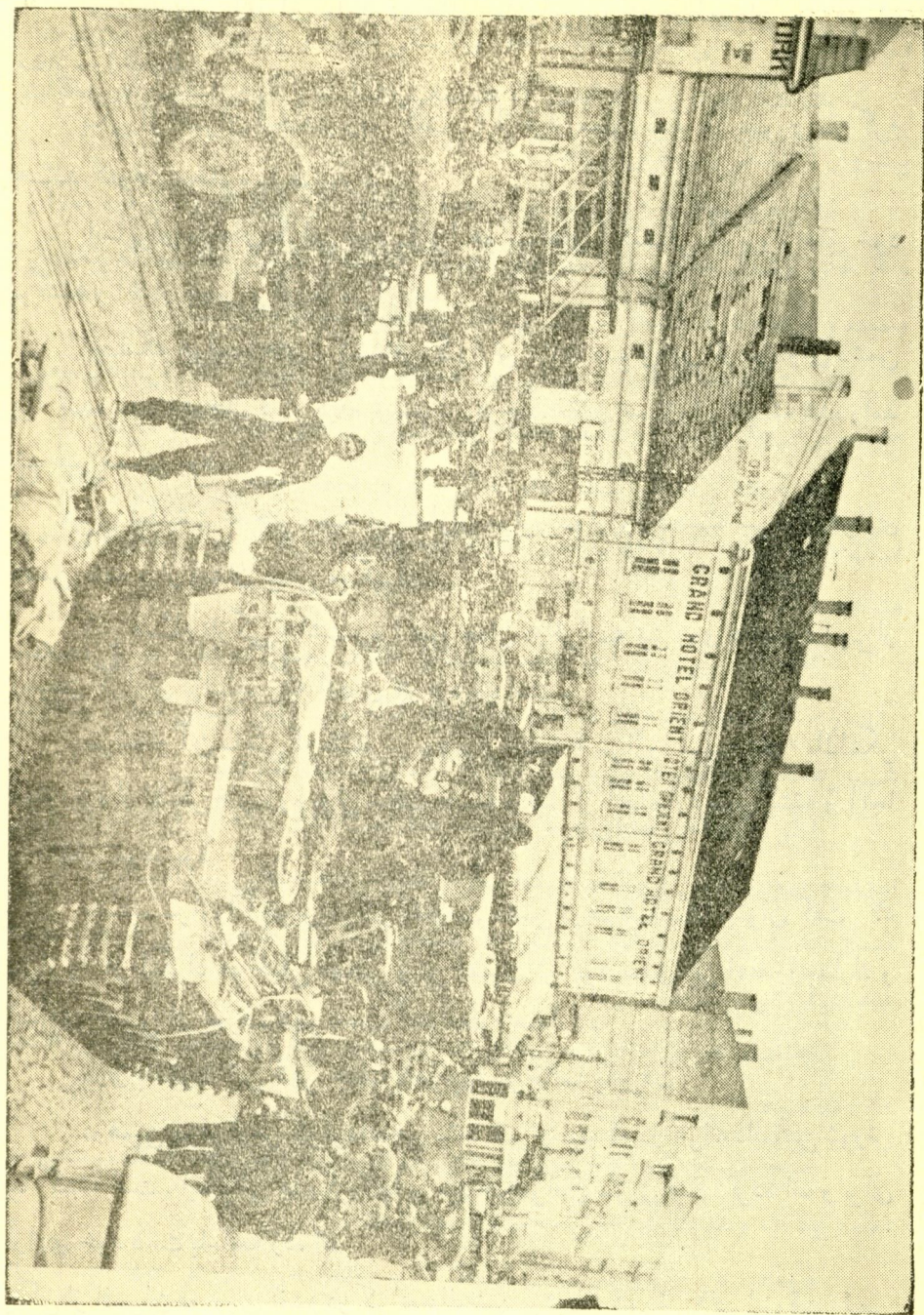
سرانجام آن ساعتی که منتظرش بودیم فرارسید «سرازوا تسلیم شد» يك لشکر
موتوریزه از لشکرهای زره پوش سبقت بسته و قبل از آنها وارد شهر گشته و آنجا
را اشغال نموده بود.

باتسلیم سرازوا آخرین مرکز مقاومت دشمن درهم شکست میتوان گفت که
سرازوا از بلگراد هم خیلی مهمتر و پراهمیت تر بود صدق این ادعا را مدارك و
اسنادی که پس از تصرف شهر بدست آمد معلوم میدارد.

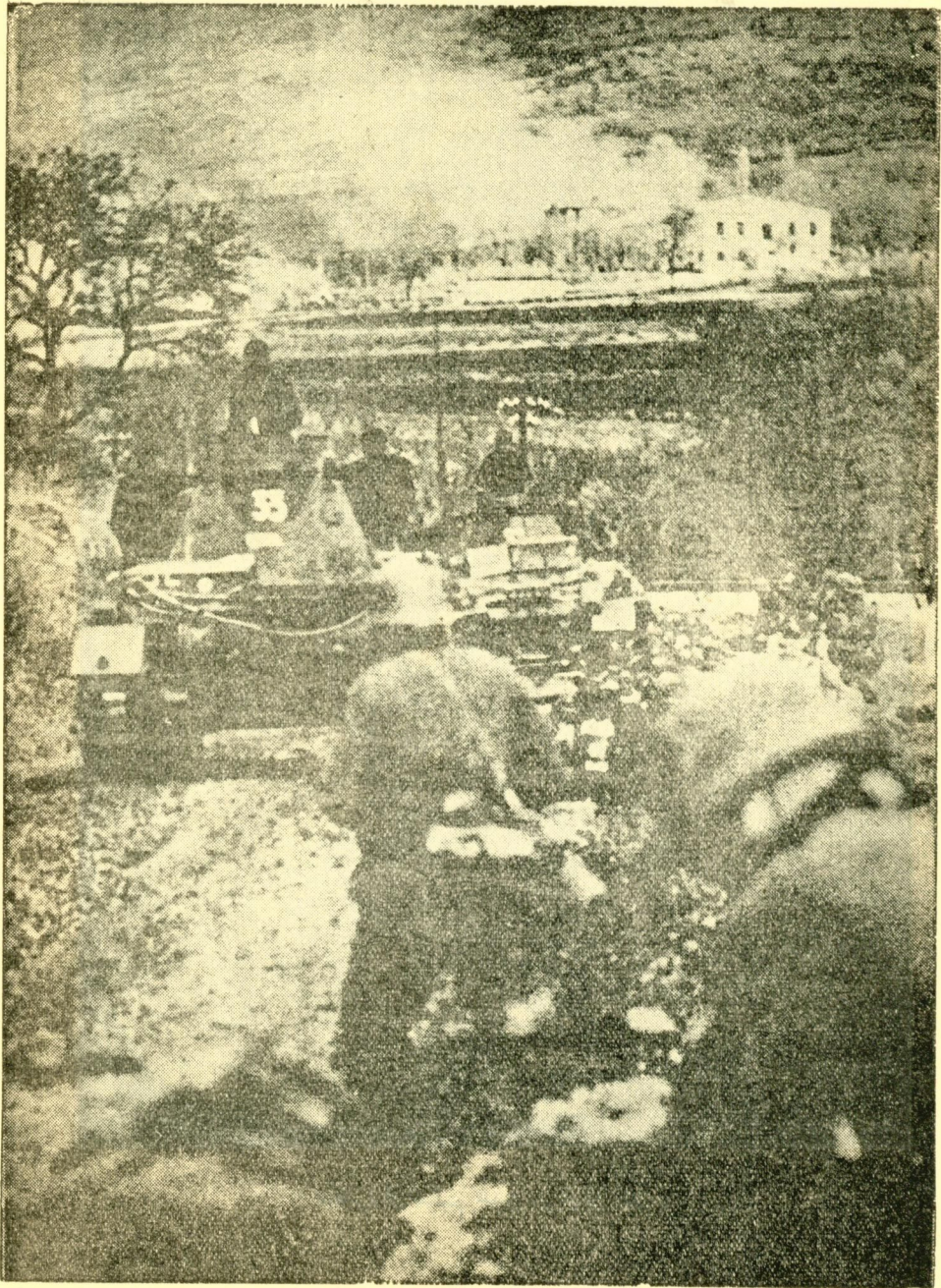
باری باسقوط این شهر جنك باصربیها نیز خاتمه پذیرفت.

در همین موقع از مرکز فرماندهی ستاد خبر رسید که در کرانه دالماتین شورش
پیا گشته است. ایتالیائی ها و کروانها بر ضد حکمرانان صربی قیام کرده اند و برای
آزادی خود دست باسلحه زده اند.

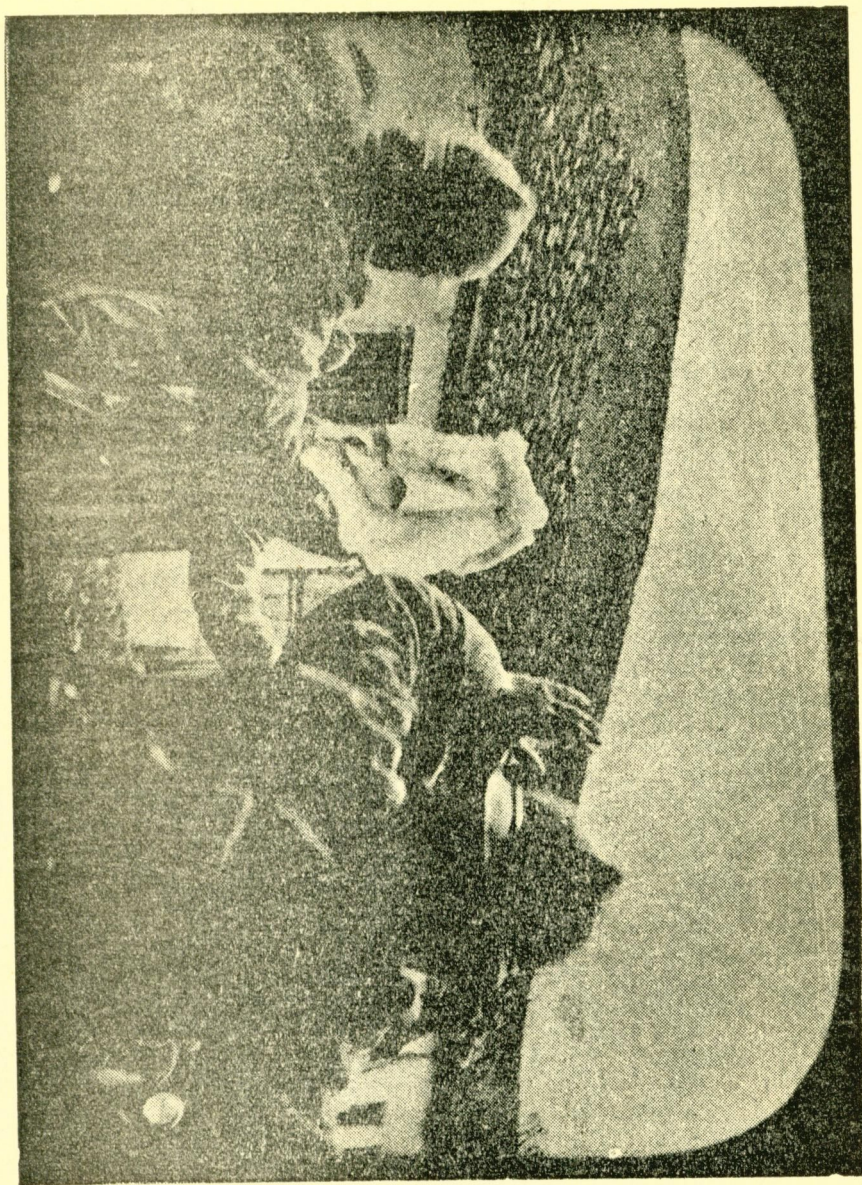
یکی از افسران در روی نقشه در کرانه دالماتین نوشت «شورش» در اینوقت رئیس
ستاد نیروی های آلمانی وارد شد تا با فرمانده نیروهای محلی صحبت بدارد.



عده از واحد های زره دار و ارايه های جنگی آلمان در يکي از شهرهای صرب



واحدهای زره دار آلمان در نزدیکی بلسگراد



منظره از تسلیم شدن سربازان صرب

از این پس نتیجه که مدن‌ها انتظارش را داشتیم یکی پس از دیگری صورت
حقیقت بخود گرفت،

لشکر دوم صرب در سرژوا تسلیم شد از آن پس پی در پی خبر میرسید دسته
های دیگر صرب‌ها که در کوه‌ها پایداری مینمودند و یا آنهاییکه محاصره بودند یکی
پس از دیگری پرچم سفید برافراشته و تسلیم میشدند.

در تمام خاک صربستان حتی در نقاطی که هنوز بتصرف نیروهای آلمانی در نیامده
بودند پرچم‌های سفید افراشته شده بود.

پس از آن برای بازدید سوار شده و روان گشتیم.

چهره سربازان همه از خاک پوشیده شده و ارا به ها از فرط کرد و خاک بکلی
سفید بنظر میآمدند.

همه ایشان از دیدار فرمانده نیروی محلی و رئیس ستاد شادمان بوده و بانگاههای
خود از ایشان اظهار تشکر مینمودند.

۱۷ آوریل

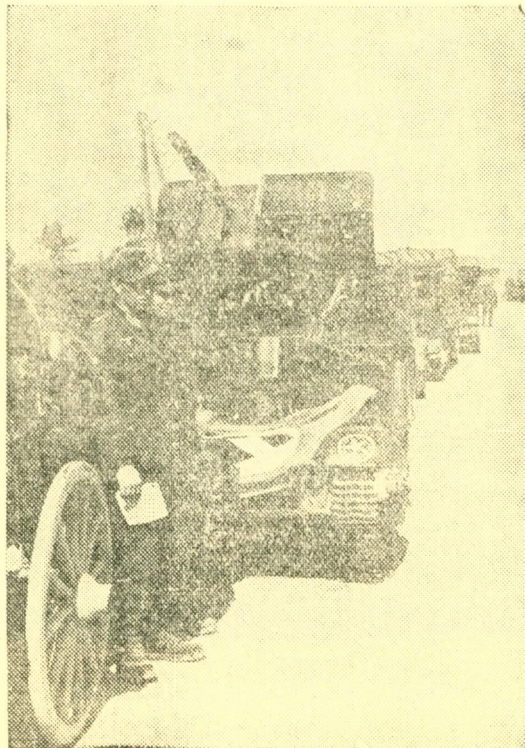
روز ۱۷ آوریل یعنی پس از از بین رفتن نیروی مقاومت واحدهای یوگوسلاوی
در (سرژوا) ارتش این کشور از هر گونه مقاومت دست کشیده و شرایط متار که
بین نمایندگان ستاد ارتش کشورهای مهاجم و یوگوسلاوی باءضا رسید.

جنگ دریونان

نیروی فلد مارشال (لیست) فرمانده کل نیروی آلمان در جبهه جنوب خاوری از روز ششم آوریل یعنی همان موقعی که جنگ بایوگواسلاوی آغاز شد با نیروی یونان داخل کارزار شدند نیروی یونان در پشت خط دفاعی (متاکزاس) که از رودخانه (واردار) تا مرز ترکیه کشیده بود قرار گرفته و در تحت فرماندهی ژنرال (باکوپولوس) آماده دفاع بودند.

نبرد در مرزها

راههای کوچک و محدودی که تا داخل یونان ممتد است، بیشتر گذرهای



یک آتش بار ضدهوایی یونان که روی یک ارابه جنگی حمل میشود — تنگی داشته که از دره های ژرف و گردنه های سخت کوهستانی میگذرد برای حمله

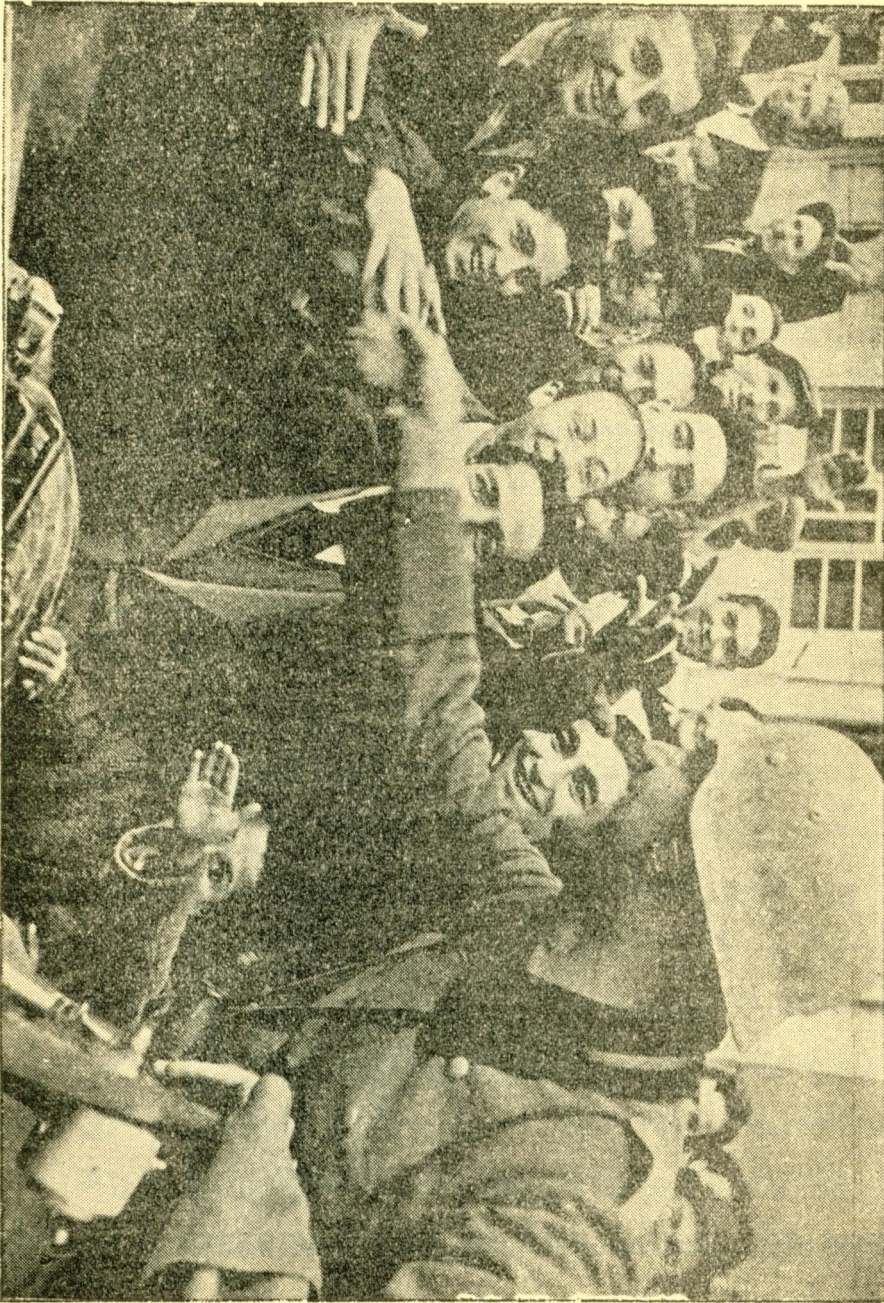
یونان جز این راههای سخت کوهستانی، گذرگاه دیگری وجود نداشت، بیشتر این راهها که برای حمله تشخیص شده بود همه در مرز داخل یونان قرار گرفته و در بیشتر آنها استحکامات و دژهای فراوانی وجود دارد.

سپاهیان یونانی از آغاز جنگ و پیش از آن در تمام این راهها علاوه بر ایجاد استحکامات موانع فراوان و بیشماری در آنها ایجاد کرده بودند که عبور از آن بسیار دشوار مینمود به علاوه در بیشتر این راهها خطوط دفاعی اطمینان بخشی ساخته و بهترین اسلحه و سپاهیان نیرومند را در این خطوط تمرکز داده بودند.

نخستین تصمیم فرماندهی سپاه مهاجم آلمانی و منظور حمله در جنوب خاوری اروپا عبارت بود از: شکافتن این خطوط دفاعی و برچیدن موانع و درهم شکستن مقاومت ها، تا راه پیشرفت در یونان بسوی « تراس » و مقدونیه و سالونیک تا کنار دریای اژه باز و آزاد گردد.

این تصمیم در روز ۶ ماه آوریل ۱۹۴۱ بموقع اجرا گذارده شد.
موقعیت یونانیها در روز حمله

جبهه های دفاعی کوهستانی یونانیها در يك رشته کوهستان بر پیچ و خم در خط مستحکمی که بنام خط « متاکزاس » ساخته شده بود قرار داشت.
ساختمان این خط شکرف از آغاز سال ۱۹۳۸ شروع شده و در سال ۱۹۴۰ با کمال شدت و عجله پایان یافت، پس از پیروزی آلمان در باخت یونانیها سعی کردند بهترین و آخرین وسائل فنی جنگ را در این خط برای دفاع بکار برند، در تمام این خط گردونه های فولادی و آشیانه هایی از بتون مسلح برای توپها و مسلسل های سنگین ساخته شد، در ارتفاع کوه چندین متر زیر سنگها بهترین وسائل الکتریکی و اسلحه های نوین در دست سربازان دلیر یونانی بود، در حملات نخست چنین بنظر میآمد که شکافتن این خط بی نهایت دشوار و پایداری سربازانی که در آن جای دارند زیاد خواهد بود، بویژه تصرف دژهای زیر کوه که چند اشکوب رویهم ساخته شده و در تمام نقاط آن جز سنگ و پولاد و بتون مصالح دیگری بکار نرفته بود این نظر را بخوبی تأیید میکرد.



رسیدن یکی از سربازهای موتوسیگلت سوار آلمان بشهر سالونیک

در تمام خطوط دفاعی درون دژها و پشت سر آن سپاهیان یونانی « در بخش خاوری مقدونیه » که عبارت از چهار لشکر ثابت و يك لشکر احتیاط « تقریباً ۵۰۰۰۰ هزار تن » بود و تحت فرماندهی و هدایت سرلشکر با کوپولس قرار داشتند .

بیشتر این سربازها بیش از ۲۳ سال نداشته و از سال ۱۹۳۹ وارد خدمت ارتش شده بودند شاید قسمت اعظم آن متجاوز از ۶ ماه بود که در خط « مستأکراس خوانده شده بودند بنا براین از هر جهت بموقعیت محل و اسلحه و ساز و برگ خود بخوبی آشنا شده و در مانور های گذشته نیک کار آزموده شده بودند .

مهمترین و مستحکمترین دژها در طرفین گذرگاه راه مرزی یونان بطرف داخل آن کشور قرار داشت ، در این دژها بهترین سربازان یونانی و مکملترین ساز و برگها را برای دفاع تمرکز داده بودند .

در روز ۶ ماه آوریل ۱۹۴۱ ساعت ۵ و ۲۰ دقیقه سپاهیان بی شمار آلمانی از تمام راههای مرزی یونان گذشته و بداخل آن کشور شدیداً حمله ور شدند .

در نخستین حمله نخستین خط دفاعی یونانی ها بدست آمد ، بزودی در همان حمله نخست شجاعت و دلوری بیمانند و شگرف سربازان یونانی دستگیر سپاهیان آلمانی گردید زیرا در جناح راست این خط با وجود حملات متوالی و شدید هوا-پیماهای اشتوکا و با وجود شدت آتش آتشبارهای سنگین آلمانی یونانیها بزودی مواضع خود را رها نکرده و تا آخرین نفر سعی میکردند مقاومت نمایند ، بنا بر این حمله عمومی بتمام خط ممکن نشد ، بایستی اکنون کوشید که دژها و استحکامات این جناح قسمت بقسمت گرفته شود .

از آنجائی که مواضع آتشبارها و دژهای سمت راست یونانیها در این خط بسیار خوب بود و سربازان جنگجوی یونانی با روحیه عالی و از خود گذشتگی بیمانندی در آن میجنگیدند بیم آن میرفت حمله آلمان در این خط متوقف ماند .

پس از آنکه نخستین دسته جلودارها و سربازان مهندس دژها را تصرف میکردند سربازان یونانی از همه سمت بدژهای مزبور شلیک میکردند با اینسکه توپخانه آلمانیها میکوشید با تمرکز آتش این آشیانه ها و نقاط مقاومت را خراب و یونانی ها را مجبور بسکوت کند نتیجه ای نمیبخشید و همه جا سربازان یونانی سخت مقاومت می کردند

دژها و استحکامات این خط طوری درهم و پیچیده بود که با وجود آنکه سربازان آلمانی با نهایت سرعت قسمت قسمت آنرا تصرف میکردند باز هم پایداری یونانیان از بین نرفته و از بخش دیگر آن آتش میشد، همه جا ویران و درهم پاشیده شد، کلیه این بخش خراب گردید ولی مانند این بود که این دژها پایان ندارد و هنوز در سینه کوه بخشهای بزرگتر و مهمتری وجود دارد!

پس از زحمات زیاد و پس از آنکه کلیه راهها و دره‌های ورودی و خروجی دژها خراب و فرو ریخته شد، پس از آنکه آتشبارها و هواییماها بخش‌های بزرگی از آنرا ویران ساختند، تمام دژها بتصرف سربازان آلمانی درآمد.

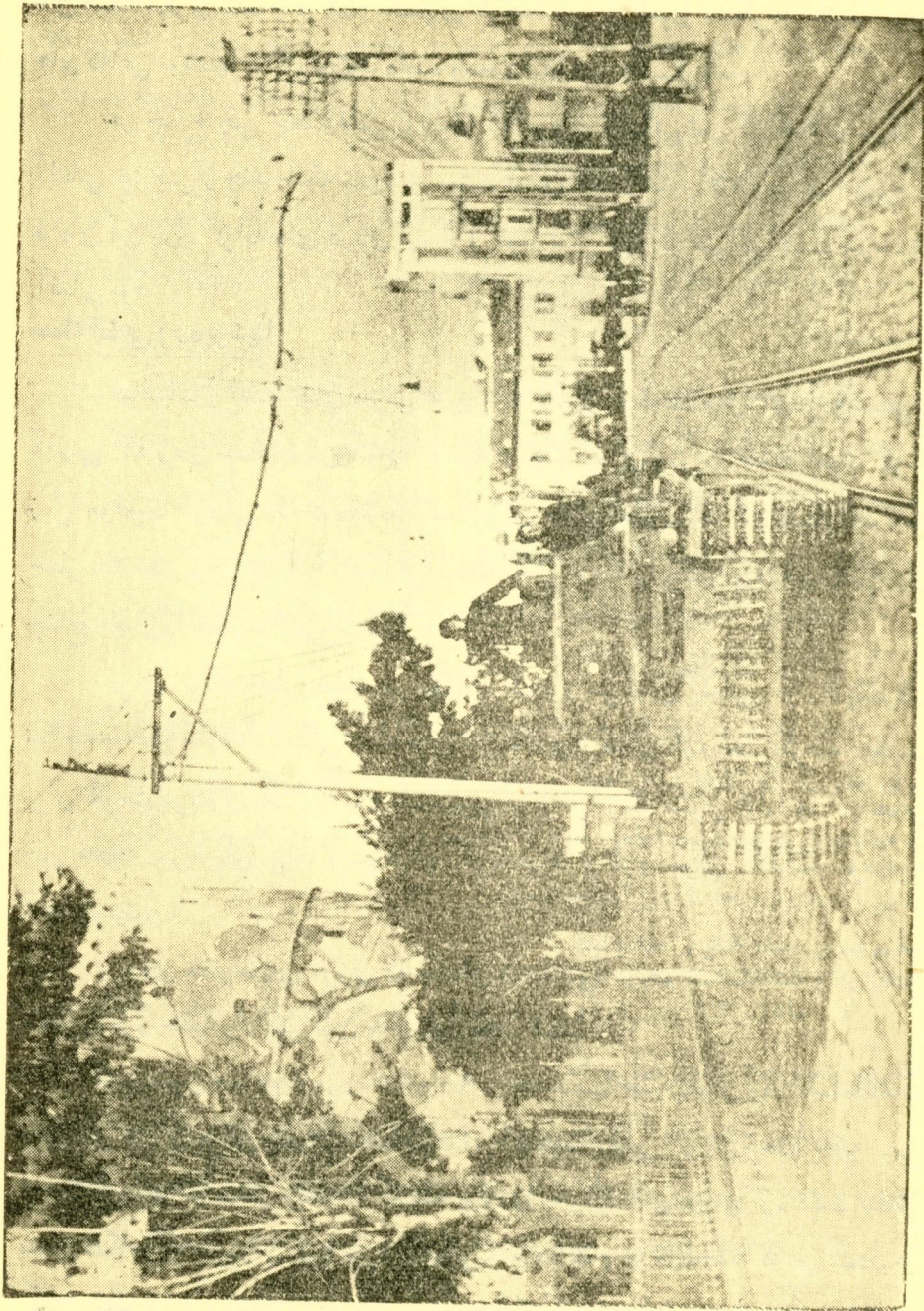
سپاهیان یونانی با وجودی که مواضع و سنگرهای کوهستانی خود را از دست داده بودند بهیچوجه حاضر به تسلیم نشده باشجاعت و سختی و خونسردی بخوبی دفاع می‌کردند.

فرماندهی ارتش آلمان دریونان همه جا روحیه عالی جنگجوئی سربازان جوان و دلیر یونان را که تا واپسین دم از خود و سنگرها دفاع کرده و جنگیده اند ستوده و اذعان کرده که سربازان یونانی بهترین روحیه را دارا میباشند.

شب همان روز نخستین حمله و روز دوم باران شدید و مه و ابر غلیظی که روی این کوهستان را پوشانید اندکی عملیات جنگی را دشوار و حمله را مشکل ساخت دفاع در هوای طوفانی و مه آلود کوهستانی نیز برای سربازان یونانی کار مشکلی شده بود.

با وجود مه سربازان مهاجم آلمانی از تاریکی آن استفاده کرده و در پناه آن آتشبارها را بکار انداخته و شروع بحمله کردند، چندین دره و نقاط استکائی دفاعی یونان بدست آمد، در شب روز نخست جنگ نتیجه بزرگی از این حملات بدست آمد سپاهیان آلمانی پس از شکستن این خط در پشت آن نفوذ کرده و چند بخش مهم منجمله يك پل بزرگ را که تنها راه عبور بود سلامت بدست آوردند.

با وجود تصرف این پل بدست هنگ جلودار تمام گردان‌ها و گروهان‌های



ورود اربابه های جنگی به بندر سالونیک پس از سقوط آن

آن هتك متفوق شده و در تمام بخشهای کوهستانی، پیرامون سنگرها، دژها، بخش های دفاعی یونانیها در گیر جنگ مانده و سخت زرد خورد میکردند.

در جناح چپ خط دفاعی یونانیها که نیروی چندانی تمرکز نداشت سربازان آلمانی نیز پس از چند حمله شدید توانستند در آن خط رخنه یافته و پشت آن برسند فردای آن روز کرانه های دریای اژه از (کوموتینی) تا کزانتی در دست سربازان آلمانی بود.

حمله قطعی زره پوشها

مناقشات و اعتشاشهای صربی ها بر علیه آلمان موقعیت ویژه ای برای سپاهیان آلمانی که برای حمله یونان آماده بودند در چند روزی پیش از حمله ایجاد کرد، زیرا موقعیت نیروئی که در جناح راست برای حمله بجنوب حرکت میکردند کاملاً خطر ناک شده بود و تهدید صربیها هر لحظه خطر حمله را بیشتر و موقعیت سربازان جناح راست را خطرناکتر مینمود.

برای اینکه خطر حمله صربیها دفع شود و سربازان آلمانی در راه پیشرفت مواجه با خطر نشوند، بایستی دسته های نیرومندی در همان کوه بخش گردند، نخست برای تقویت سربازان بخش راست يك ستون ازابه اعزام شد ستون ازابه ها، در همان روز که سربازان پیاده و سپاهیان کوه نورد از مرز یونان گذشته بودند به آنها پیوستند.

بزودی مقاومت های مرزی که چندان شدید نبود در هم شکسته شد و در بخش باختری مرز حلقه وار پیرامون مقاومتها پخش شدند.

این ستون مهاجم از مرز باندازه ۹۰ درجه بسمت جنوب قوس زده، استحکامات و دژهای مرزی یونان را درهم شکسته و در تمام خطوط دفاعی یونان رخنه یافته، پس از شکستن آنها از باختر مقدونیه گذشته بزودی بکرانه های دریای اژه دست یافتند همان هنگام که سربازان کوه نورد آلمانی و پیاده نظام در خط متاکزانتی سخت در گیر جنگ بود و یونانیان را در این خط محاصره کرده بودند.

ستون ازابه ها پس از گذشتن از کنار دریای اژه و قطع ارتباط با نیروی شمال

بسوی جنوب رفته و شهر سالونیک مرکز مقدونیه را سخت محاصره کرده بودند. ستون اربابه های تندرو آلمانی از پشت سر بدشمن حمله کرده، و خط ارتباط یونان را بانبروی شمالی قطع و پس از پیمودن قوس بزرگی در خاور مقدونیه سپاهیان یونانی را در حلقه بزرگ محاصره قرار دادند.

بامحاصره اربابه ها یکقسمت بزرگ از خط دفاعی (متأثر از اس) اهمیت خود را از دست داد و دیگر دفاع از آن معنی و مفهومی نداشت و سر بلزان طرف خود بخود تسلیم میشدند.

بنابر این ستون های اربابه های جنگی اینجا یعنی در جنوب خلوری یونان یکبار دیگر بدنیا نشان دادند که حمله بارابه ها تاچه اندازه میتواند مؤثر باشد همانطور که اربابه ها در (اسن) پشت خط ماژینو تا سویس حمله و پیشرفت کرد و زحمت و کار بقیه نیروی مدافع فرانسه را در استحکامات و دژها عقیم و خنثی کردند.

بطوری که فرانسویها در الزاس لوترنیکن و بور کنی ناگزیر تسلیم شدند نظیر آن در خط استحکامات متأثر از اس دیده شد.

حمله شدید و پیشرفت سریع ستون اربابه ها و زره پوشهای آلمانی از مقدونیه بسوی جنوب که کاملاً بدون خطر و دادن هیچگونه تلفاتی بود، پس از سه روز در کوهستانهای یونان نتیجه قطعی خود را بخشید و مدافعین يك قسمت بزرگ از دژهای یونانی را مجبور برها کردن اسلحه نمود.

تسلیم شدن سپاه خاور مقدونیه

در ساعت ۱۳ روز ۹ آوریل ۱۹۴۱ پس از سه روز و نصفی جنگ سپاه باختری «مقدونیه» یونان تسلیم شد.

نخستین ماده متار که چنین بود «سپاهیان یونانی در خاور مقدونیه تسلیم میشوند» و همه آنها بدون شرطی برای خلع سلاح حاضرند، باین ترتیب یکقسمت اعظم از دلاوران یونانی مجبور بتسلیم و خلع اسلحه شدند. بخشی که دفاع آن بمهدد این سپاه واگذار شده بود از مرزتر کیه تا رودخانه ماردار ممتد بود باصرف این بخش و تسلیم مدافعین آن یکقسمت اعظم از جنگ یونان خاتمه پذیرفت.

مخرج راههای کوهستانی بلغارستان تمام در دست سربازان آلمانی افتاد بزودی
حمله بر راههای دیگر، جنوب و باختر یونان شروع گردید.



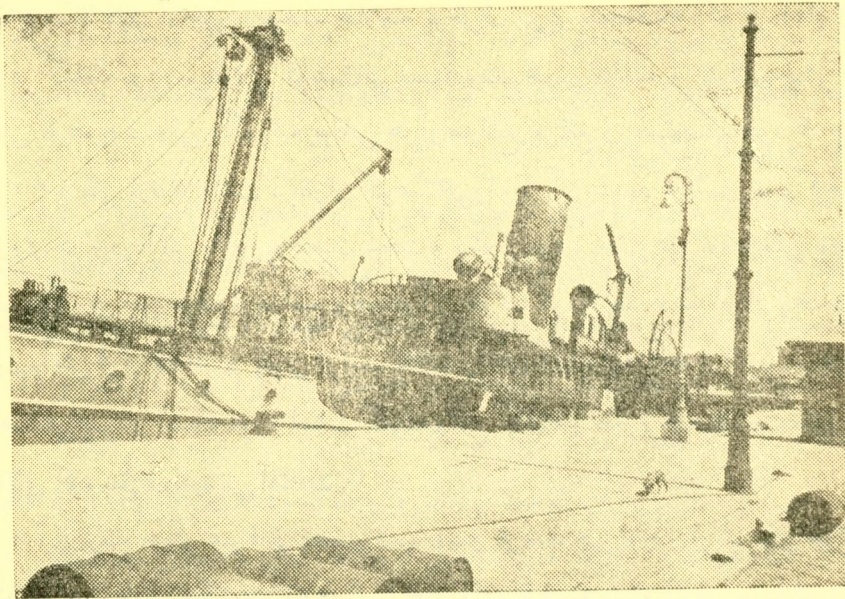
رژه يك گروهان پیاده نظام آلمان در خیابانهای سالونیک
شکست خط متاکزاس

نیروی آلمان پس از تجاوز از مرز یونان با حملات سریع خود در مدت سه
روز موفق بشکستن خط دفاعی متاکزاس شده و در سالونیک و (کسانتی) بدریای
اژه رسیدند چون پلهای رودخانه (واردار) قبلاً از طرف نیروی یونان و انگلیستان
خراب شده بود عقب نشینی مدافعين دلاور خط متاکزاس غیر ممکن شده و در نتیجه
ژنرال (باگوبولوس) بانیروی خود تسلیم شد.

نخستین موضع دفاعی یونانی ها در مرز بلغارستان خط دفاعی مستحکم و
بزرگ متاکزاس بود که در تمام طول مرز امتداد داشت و نیروی آلمان پس از حمله به
یونان بمقاومت شدید یونانی ها در پشت این خط برخورد.

شش ساعت تمام هواپیماهای اشتوکا مرتباً قسمتی از مواضع کوهستانی این
این خط را که نیروی آلمان از آنجا میگذشت بمباران نموده و آتشبارهای سنگین
توپخانه آنجا را زیر آتش گرفته بود.

در طول رودخانه نزدیک مرز، جاده ای قرار داشت که بیهکی از شهرها و نقاط



یکی از بنادر کنار دریای اژه یونان که در روز سوم جنگ سقوط کرد

مهم یونان منتهی میگردید. نیروی آلمان میخواست نخست این جاده را برای پیشروی خود تصرف کند در دو طرف رودخانه مزبور کوههای بزرگی با ارتفاع ۲۰۰۰ متر سر با آسمان کشیده بودند یونانیها در دامنه این کوهها مواضع مستحکم و مهم خط متاکزاس را که اغلب زیر زمینی بوده و از زیر یکدیگر ارتباط داشتند بنا نموده بودند این مواضع پادکان نسبتاً نیر و مند و تجهیزات کافی در اختیار خود داشتند و با وضع دشوار طبیعی و کوهستانهای سخت دست یافتن بر این مواضع و شکست دادن آنها برای طرف مهاجم کار بس خطرناک و سختی بود و تقریباً محال مینمود.

سربازان کوهستانی آلمان پیش از دمیدن سپیده بامدادان با مهارت و زبردستی زیاد دستبرد هائی به مواضع و سنگرهای مقدم یونانیها زده و آنها را تصرف کرده بودند پس از روشن شدن هوا آتشبارهای سنگین و سبک توپخانه آلمان از ارتفاعات و همچنین از جلگه سرزمین مقدونیه مواضع یونانیها بسختی زیر آتش خود گرفتند یونانیها نیز با شدت هر چه تمامتر پاسخ میدادند ولی سربازان کوهستانی در پناه سد

آتش توپخانه شروع بیلا رفتن از کوهها نموده و بیش از اینکه یونانی ها متوجه شوند بارتفاع نسبتاً قابل توجهی رسیدند خلاصه در ظرف سی و پنج دقیقه که از آغاز زدو خورد گذشته بود سربازان کوهستانی نسبتاً وضع خوبی داشته و کارشان پیشرفت شایانی کرده بود. ولی یگمربته یونانی ها از مواضع مرتفع و مستحکم خود که بیش از ۱۳۰۰ متر ارتفاع داشت سربازان کوهستانی را زیر آتش شدید مسلسل توپ گرفتند پیشروی در زیر آتش با این وضعیت سخت و دشوار بود و حتی غیر ممکن بود از طرف دیگر در این موقع از مواضع واقع در آن طرف کوه از جناح سربازان کوهستانی را زیر آتش قرار دادند و بدین ترتیب تلفات زیادی بآنها وارد آمد و اغلب سربازان کوهستانی پس از اینکه مورد اصابت گلوله واقع گشته و مجروح میشدند معالقمندان از بالای کوه بطرف دره می افتادند.

این وضع دیگر غیر قابل تحمل شده بود و فرماندهی ناچار از نیروی هوایی کمک خواست طوایف نگهبان که هواپیماهای اشتوگا دسته دسته از دور پیدا شدند و بطور عمودی مواضع یونانیها را بمباران کردند، توپخانه نیز با هواپیماهای اشتوگا همکاری نموده و مواضع مقدم یونانی ها را زیر آتش گرفتند. در نتیجه سربازان یونانی مدافع سنگر ها و مواضع جلو دیگر مقاومت را جائز ندانسته و عقب نشینی کردند.

سربازان کوهستانی نیز دوباره شروع بیلا رفتن از کوهها کرده و سنگرهای دشمن را یکی یکی تصرف میکردند.

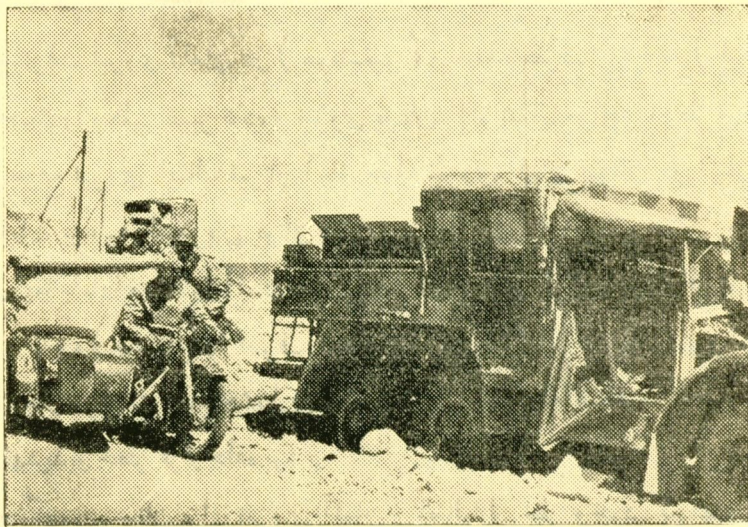
سربازان یونانی باوجود این حمله های سخت از میدان در نرفته و از جاهای عقب خود بشدت با توپخانه بطرف مهاجمین شلیک مینمودند فرمانده یونانی ها تصمیم بپایداری سختی گرفته بود زیرا بخوبی میدانست این کوهها در حقیقت کلید خط متاکزاس بوده و با افتادن آنها بدست نیروی آلمان دیگر تمام خط مزبور خود بخود شکسته شده و راه پیشروی آلمان ها باز میشد.

مواضع و استحکامات خط نخست یونانیها در زیر آتش توپخانه سنگین آلمان پس از مدت کمی تبدیل بمشقی خاک و سنگ شد از سربازان کوهستانی و پیشا پیش

آنها سربازان دسته مهندس کوهستانی از موضع مزبور گذشته و پیشروی خود را ادامه دادند. سربازان مزبور بسختی خود را بمواضعی که در اثر آتش توپخانه آسیب دیده بودند نزدیک نموده و سربازان مدافع آنها را باشعله افکن ها و نارنجک ها و مواد منفجره مجبور به تسلیم میکردند.

خلاصه در دامنه کوههای مزبور نبرد تن به تن و شدیددی میان سربازان کوهستانی و پیاده نظام مدافع سنگرهای مواضع مقدم یونانی ها در گرفته بود هواپیماهای شتوکا نیز دسته دسته از عقب رسیده و بمب های سنگین خود را بروی یونانیها میریختند. میدان نبرد وضعیت بسیار موحش و خرنینی پیدا کرده بود از زمین و آسمان گلوله و آتش میبارید.

در این میان سربازان کوهستانی پیشروی نموده و قسمت دیگری را از ارتفاعات کوه را متصرف شدند آتشبار های سنگین توپخانه آلمان با تشکیل سد غلطان آتش و حمله بمواضع یونانیها کمک بزرگی بآنها مینمود.



چند اتومبیل جنگی واحدهای اعزامی انگلیس پس از خراب شدن در جاده (ارگو) دیده میشود

بدین ترتیب مواضع و استحکامات دیگری از یونانیها خراب و منفجر گردید

ولی یونانی ها پایداری و استقامت زیاد و قابل تمجیدی از خود نشان دادند و دست از شلیک برنداشته و توپخانه و مسلسلهایشان مرتباً تیراندازی مینمود .

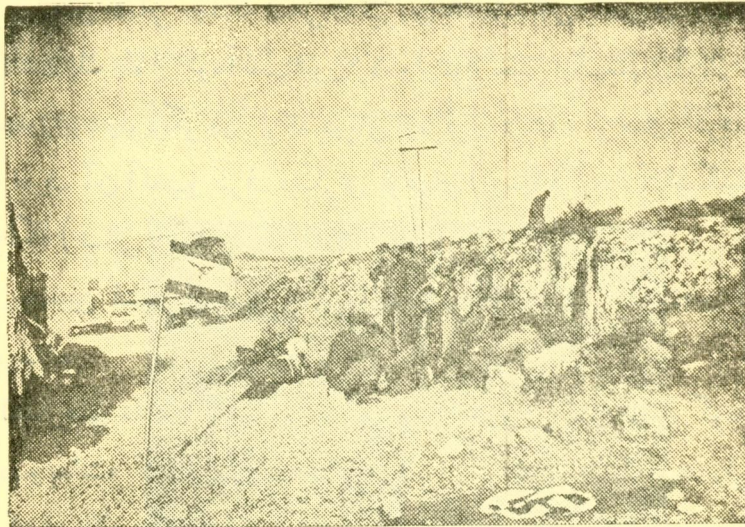
ولی بمب های هواپیماهای اشتوکا و آتش شدید توپخانه مقاومت و پایداری آهنین مدافعین را بکلی درهم میشکست و سربازان کوهستانی پیشرفت حاصل کردند . شش ساعت تمام این جنگ خونین در کوهستان های اطراف ادامه داشت . آتش توپخانه یونانیها در این هنگام ضعیف شده و ظاهراً مقاومتشان تخفیف یافته بود . سربازان کوهستانی تا کنون نقاط بسیار مهمی را تصرف نموده و در دست داشتند سنگرها و استحکامات یونانی ها یکی پس از دیگری مرتباً از کار افتاده و تسلیم میگرددید . پس از یکساعت دیگر تمام سنگرها و مواضع دشمن در دست آلمانها افتاد و راه عبور نیرو باز گشت .

پس از پایان این سلسله از عملیات و یکسرم شدن کار جنگ در یوگو سلاوی واحد های آلمان از شمال نیز به یونان حمله برده و خط دفاعی یونانی ها و نیروی انگلیس را درهم شکستند .

پیشرفت نیروی آلمان در (موناستیر) و حمله بطرف رودخانه (الیکامول) وضعیت جنگ را بکلی تغییر داده و نیروی یونان را از شمال مواجه با خطر سختی کرد . در همین موقع نیروی ایتالیا نیز از آغاز حمله نیروی آلمان بیونان در آلبانی بیک رشته عملیات بر علیه لشکریان یونان دست زده و در روز ۱۳ یعنی همان روزی که لشکرهای ایتالیا با واحد های آلمان تماس پیدا کردند شهر (کورتیز) واقع در جنوب باختری دریاچه (پرسیا) را تصرف کردند . پیشروی ایتالیا در این قسمت و واحد های یونان را دچار موقعیت بسیار دشواری ساخت زیرا این حمله مستقیماً ناحیه (ایبر) را مورد تهدید و خطر قرار داده بود .

جنگهای یونان برای نیروی آلمان و ایتالیا از نظر وجود کوههای بلند و صعب العبور در این کشور و مناسب نبودن میدانهای نبرد آن بمراتب مشکل تر و سخت تر از جنگهای یوگوسلاوی بود و از همین جهت مدت آن بیشتر بطول انجامید . نیروی یونان و انگلستان با وجود اینکه از حیث شماره و توانائی جنگی بمراتب ضعیف

تر از نیروی آلمان و ایتالیا بودند از این وضعیت مناسب طبیعی استفاده خوبی کرده و در کوهها و گردنه های این کشور موضع گرفته و در پشت تخته سنگهای بزرگ جان- پناهی تهیه دیده و سخت ایستادگی کردند .



راحتی کوتاه چند واحد جنگی

شهامت و دلاوری سربازان یونان که از روی ایمان کامل در راه دفاع از میهن جنگ می کردند موجب شگفت تمام جهانیان گردید .

فرماندهی آلمان ظاهراً این پایداری شدید را پیش بینی کرده و به همین ملا حظہ واحدهای برگزیده و نیروی خیلی زیادی را که از هر جهت به لشکریان یونان و انگلیس برتری داشت مأمور تصرف این سرزمین ساخته بود تا بزودی بتوانند هر گونه مقاومتی را از بین برده و کار را یکسره کنند .

در آغاز حمله آلمان بیونان عده از واحدهای یونان در مرکز آلبانی متمرکز بودند ولی پس از چند روز قسمت مهمی از آنها بجهت شمال که مورد تهدید آلمانها قرار گرفته بود منتقل شده و با سه لشکر اعزامی انگلیس بیونان در مقابل لشکریان آلمان جبهه ای تشکیل دادند .

جنگ بر فراز کوه آلپ

جنگ بر فراز کوه المپ که يك از استحكامات و خط دفاعی مشترك لشکریان

انگلیس و یونان را تشکیل میداد یکی از قسمتهای مهم و قابل ملاحظه جنگهای یونان است که اساساً در سرنوشت این کشور تأثیر بسزائی داشت.

جنگونگی تصرف استحکامات آلمپ

از یونان شمالی جلگه تسالی که نیروی مامیاید آن را تصرف کنند فقط دوراه وجود داشت يك راه از کوه آلمپ عبور کرده و ارتفاع بعضی از قسمتهای آن از ۱۰۰۰ متر متجاوز بود راه دیگر در کرانه دریای اژه قرار داشته و از میان کوه بزرگی که يك طرف آن آلمپ و طرف دیگرش کوههای (اوسا) قرار داشت میگذشت و بعد وارد جلگه (تسالی) میشد.

چندین لشکر از نیروهای ما قرار بود از راه اخیر گذشته و خود را به تسالی برسانند.

لشکرهای ما ۳۵ کیلو متر از این راه را بدون برخورد بهیچ گونه مقاومتی طی کرده و بدامنه کوه آلمپ رسیدند و میباید از کوه آن عبور نمایند ولی يك دژ بزرگی که در بالای کوه قرار داشت و نیروی زلاند جدید در آن استقرار یافته بودند راه را بر نیروی ما بستند و بسختی بنای شلیک و مقاومت را گذاشتند.

در این قسمت میان کوه المپ و دریای اژه جلگه مسطحی بعرض ۵ تا ۶ کیلو متر واقع شده بود جلگه مزبور بسیار حاصلخیز بود و سراسر آنرا جنگل های کوچک فرا گرفته بودند. دژی که زلاند جدیدی ها در آنجای داشتند بر فراز کوهی با ارتفاع ۲۰۰۰ متر در کنار جلگه مزبور واقع شده بود کوه مزبور از باختر متصل بدامنه های المپ می گشت این دژ بخوبی بر جاده مارپیچی که از دامنه کوه می گذشت بهم چنین به تونل راه آهن مسلط بود تونل راه آهن را سربازان یونان و انگلیس قبلاً خراب کرده و بدین ترتیب دیگر از راه آهن استفاده نمیشد و آلمانیها مجبور بودند از جاده مارپیچ دامنه کوه عبور نمایند.

کوهی که دژ بر فراز آن قرار داشت شیبش زیاد بود و در سربگاه راه آن نیز مدافعين دژ موانع زیادی از سیم های خاردار ایجاد نموده بودند و بدین ترتیب هجوم بطرف دژ تقریباً محال و غیر ممکن بنظر میرسید.

دژ مزبور دیوارهای بسیار محکم و قطوری داشت که مدافعین را از آتش شدید مهاجمین حفظ میکرد. دواز برج‌های مرتفع آن مدافعین بخوبی میتوانستند اطراف کوه را دیده بانی نموده و نیروی مهاجم را زیر آتش سخت و شدید توپخانه خود بگیرند. این دژ در حقیقت جلودار استحکامات و مواضع مهم المپ محسوب میشد که می-بایستی پیشرفت نیروی آلمان را متوقف نمایند و بطوریکه اشاره شد شکست آن خیلی مشکل و دشوار بود.



پرچم آلمان بر فراز کوه المپ

در شب پانزدهم آوریل که ما باین دژ رسیدیم مدافعین آن با آتش شدید خود راه را بر ما بستند. ناچار نیروی ما متوقف شد از بامداد پانزدهم آوریل توپخانه سنگین ما که شش تا هشت کیلومتر از دژ فاصله داشت شروع بشلیک بطرف آن نمود و در تمام مدت روز آنجا را زیر آتش خود گرفت. دیوارهای قطور و کلفت دژ در اثر اصابت

گلوله های توپ اغلب سوراخ شده و بعضی بخشهای آن آسیب دیده بود. چند گلوله توپ نیز بیرج مرتفع و بلند آن اصابت نمود مدافعین دژ بشدت هرچه تمامتر نیروی ما را زیر آتش توپخانه خود گرفتند بطوریکه ما مجبور بعقب نشینی شده و خود را در پس پناهگاهی قرار دادیم راه شوسه و آهن در زیر آتش توپخانه دژ بکلی خراب شده بود توپخانه مانیز دست از آتش خود برنمیداشت.

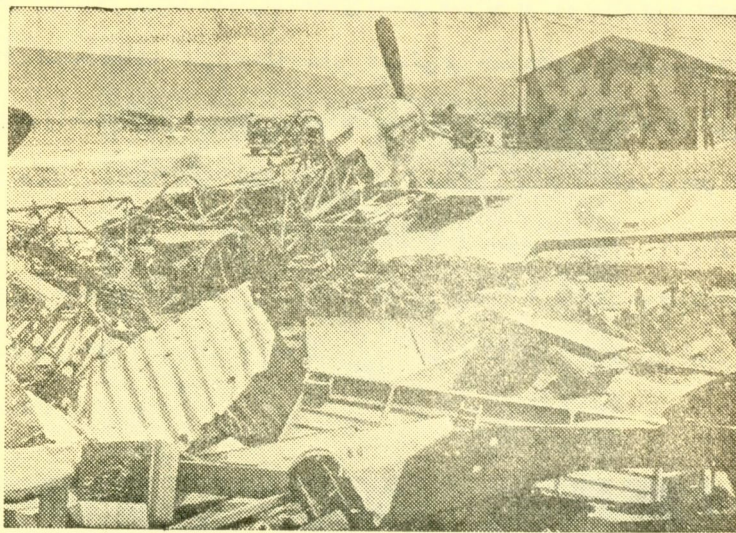
در بعداز ظهر فرماندهی يك دسته موتورسیكلت سوار را بجلو فرستاده و مأمور کرد که خود را از پشت سر بکوه المپ رسانید و از جناح بدژ حمله نمایند. موقع شب عده زره پوش تاسه کیلومتری دژ پیش رفتند برای اینکه از دسته های حمله کننده پیاده نظام و مهندس خودی حمایت نمایند ولی دشمن دست از شلیك خود برنداشته بود و با شدت هرچه تمامتر بطرف دامنۀ کوه تیراندازی مینمود دسته های موتور سیکلت سواران، زره پوشها و پیاده نظام حمله کننده در این شب وضع خیلی بدی داشتند دشمن از مواضع مسلسل های خود از خارج دژ و از داخل دژ مرتباً از هر طرف شلیك مینمود آنها مجبور بودند با احتیاط خیلی زیاد حرکت نمایند.

سربازان خارج از دژ دشمن در بعضی از نقاط از مقابل مهاجمین عقب نشینی کرده و دوباره در قسمتهای دیگری استقرار یافته و بسختی مقاومت مینمودند بعضی از آنها نیز دلاوری زیادی از خود نشان میدادند بدینمعنی که از تاریکی استفاده نموده و بامسلسل هایشان به زره پوشها نزدیک می شدند و یکمرتبه آنها را زیر آتش خود گرفته و فرار میکردند.

این وضع تا سپیده بامداد شانزدهم آوریل ادامه داشت تا اینموقع زره پوشها و دسته های موتورسیكلت سوار و پیاده نظام قدری پیشروی نموده بودند تلفات پیاده نظام در این پیشروی زیاد بود چند زره پوش مجروحین را از محل نبرده خطوط عقب حمل کردند.

ساعت ۹ صبح توپخانه آلمانی ها قدری پیشروی نموده و در نقاط نزدیکتری استقرار یافت، دسته های موتورسیكلت سوار در جناح راست مشغول عملیات بودند و پیشروی مینمودند پیاده نظام و دسته های مهندس نیز از جناح چپ باهستگی پیشروی

کرده و از پس سنگهای کوه بدژ نزدیک میشدند، زره پوشها از جلو بدژ حمله می- کردند و با نیروی خارق العاده و شگفت آوری از تخته سنگها و نقاط سخت کوه بالا میرفتند و موانع سیمهای خاردار و غیره را در جلو خود نابود مینمودند. بدین ترتیب نیمی از کوه را طی نموده و بدژ نزدیک شده بودند: در این میان یکمرتبه دو سه صدای انفجار بلند شد سربازان زلاند جدید ظاهراً در موقع عقب نشینی خود سر راه زره پوشها مین گذاشته بودند،



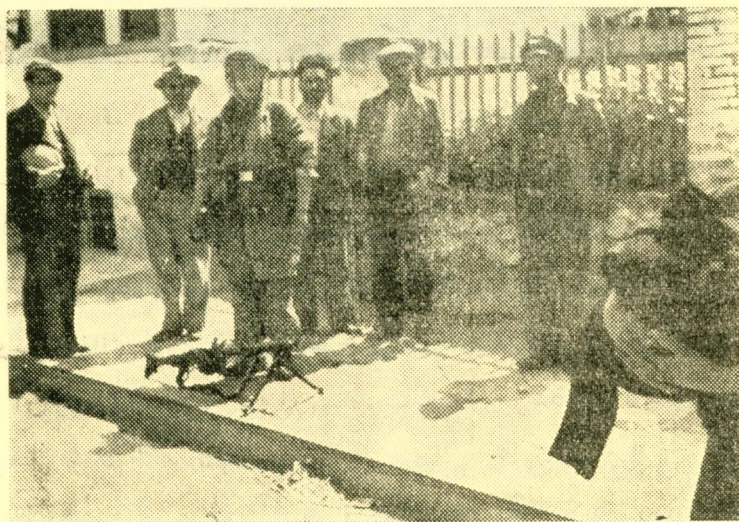
عده ای از هواپیماهای خراب شده یونان دریکی از فرودگاهها یکی از زره پوشها از کار افتاد و سرنشینانش بکلی نابود گشتند بقیه زره پوشها راه دیگری برای خود انتخاب نموده و پیشرویشان را ادامه دادند پای قلعه که رسیدند چندین صدای انفجار بدنبال یکدیگر بلند شد یک زره پوش سنگین دستخوش آتش گردید و سرنشینانش فوری خود را بخارج پرتاب نمودند آتش بمرکز مهمات زره پوش رسید و آن را منفجر نمود، سه زره پوش سبک دیگر نیز شدیداً آسیب دیدند، دشمن هم مرتباً از دژ شلیک می نمود.

در این میان پیاده نظام آلمانی از جناح چپ خود را بدژ رسانیده و از دیوار آن که در اثر گلوله توپ شکاف برداشته بود داخل آن شدند مدافعین دژ پس از ده دقیقه

تسلیم شده و پرچم صلیب شکسته بر فراز دژ باهتزاز در آمد بدین ترتیب راه عبور لشکرهای آلمانی باز گشته و آنها بطرف جلگه تسالی حرکت نمودند . هنگامی که جنگ در دامنه کوه در گیر بود هفت سرباز کوهستانی آلمانی بدون اسلحه شروع به عبور از کوه المپ نموده و خود را بقله آن که ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد رسانیدند پرچم صلیب شکسته را در میان بر فها افراشتند .

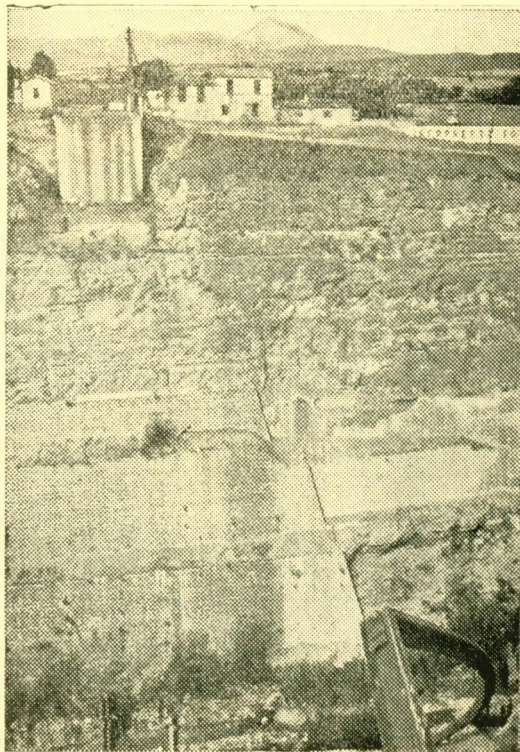
حمله بسایر قسمتهای خط دفاعی

روز ۱۷ آوریل که مقارن با امضای پیمان متار که یوگوسلاوی و آلمان بود پس از تصرف استحکامات المپ حمله بسایر قسمتهای خط دفاعی انگلستان و یونان شروع گردید واحدهائیکه در تصرف استحکامات المپ شرکت داشتند در این رزمها نیز شرکت جسته و بالتکریانی که از کشور یوگوسلاوی سرازیر شده بودند تقویت یافته و شهرهای (گرونا) (کالاباکا) (تریکالا) را تصرف نمودند ایتالیائی ها با بدست آوردن (مکیزورا) واقع در کنار رود (وبوزا) در ۱۶ آوریل موفقیت بزرگی نصیبشان گشته و خط آتش خود را به بندر (پالرمو) که در کنار دریای ایونی واقع است رسانیدند .



شهر کورنت

روز ۲۱ آوریل قسمتی از واحد های آلمان بطرف گردنه (سیگوس) پیش رفته و خط عقب نشینی قسمتی از واحد های یونان را که در برابر ایتالیائی ها جنگ میکردند قطع نمودند این وضعیت لشکر های یونان را در تهدید و خطر سختی دچار ساخته و روز ۲۲ آوریل نیروی یونان در جبهه (ایمر) که شماره آن به ۲۵۰۰۰۰ نفر بالغ میشد اسلحه را زمین گذاشتند تسلیم شدند با تسلیم شدن لشکر های جبهه ایمر سایر جبهه های یونان و انگلیس بکلی متزلزل شد از طرف دیگر واحد های ایتالیا ب سرعت پیشرفت کرده سایر واحدهای یونان را تحت فشار قرار دادند .

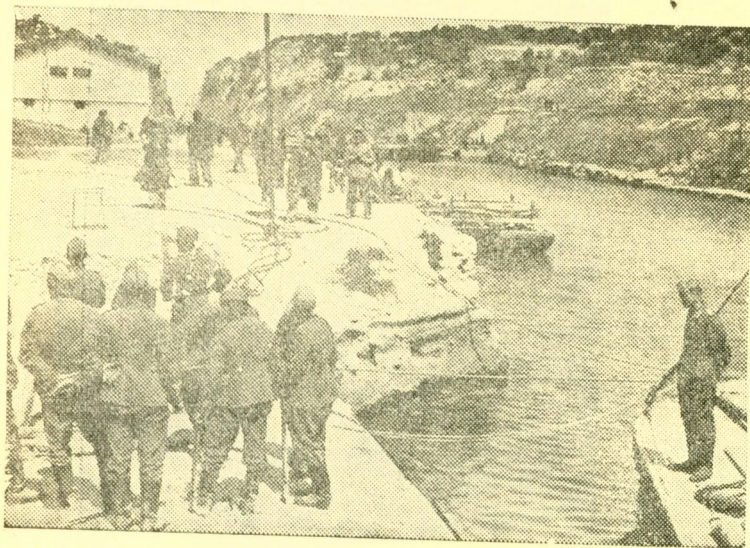


در تنگه گورنت يك بل روی ترعه كه بوسیله واحد های یونان منفجر شده است

وضعیت داخلی یونان نیز در این هنگام چندان صورت خوشی نداشت (کورتیز)
نخست وزیر یونان ناکهانی در ۱۷ آوریل فوت نمود و پس از چندی (سودزو)

جانشین او گردید .

روز ۲۳ آورل پیمان متار که جنگ میان نیروی یونان درایمر و نیروی ایتالیا و آلمان در بندر سالونیک بامضاء رسید و این واحدها اسلحه را زمین گذاشته از ادامه هرگونه عملیات جنگی خودداری نمودند پس از درهم شکسته شدن خط دفاعی المپ واحدهای مدافع این جبهه خود را به تنگه (ئیلن) واقع در میان خلیج (آرتا) و خلیج (لامیا) رسانیده و خط دفاعی جدیدی برای خود ایجاد نمودند ولی نیروی آلمان در این جبهه با سرعت پیشرفته و چون بمب افکن های زیادی در اختیار داشت با حملات خود واحدهای دلیر یونان و انگلیس را فرسوده ساخته و روز ۲۱ آوریل بمصرف (ولوس) و (لامیا) موفق شده و توانستند جناح چپ نیروی خود را بتنگه (ترموپیل) که لشکریان یونان بسختی از آن دفاع مینمودند نزدیک نمایند در این موقع در نتیجه رسیدن چند لشکر تازه نفس آلمان به صحنه کارزار تنگه (ترموپیل)

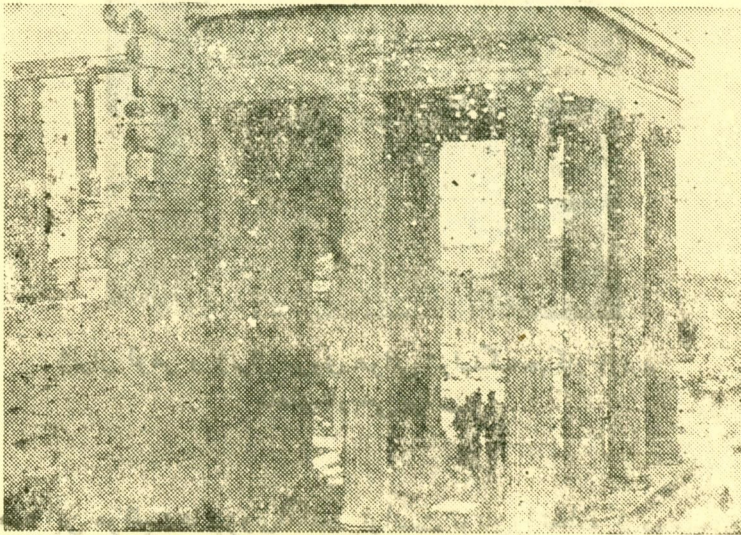


یکی پل جنگی در خاور ترعه کورنت

نیز پس از دفاع شجاعانه سقوط کرد از این پس عقب نشینی واحدهای انگلیس و یونان سریع تر شد و نیروی هوایی آلمان نیز خطوط عقب نشینی آنها را بشدت بمباران میکردند بدین ترتیب نیروی آلمان در بامداد ۲۷ آوریل وارد آتن گشتند .

چترنازان آلمانی در ۲۶ آوریل در تنگه (کورنت) فرود آمده و تنگه نامبرده و بندر کورنت را متصرف شدند تا بدین ترتیب خط عقب نشینی نیروی انگلستان و یونان را به جزیره (پلوپونیز) قطع کنند در کورنت عده زیادی اسیر بدست آلمانیها افتاد در ۲۸ آوریل پیشرفت نیروی آلمان بطرف جزیره (پلوپونیز) شروع شده (تریسوالی) واقع در میان جزیره مزبور اشغال گردید .

قسمتی از نیروی یونان و انگلیس برای تأمین عقب نشینی عمده قوای خود را دوباره در پلوپونیز خط دفاعی جدیدی میان (آراگوس - پیرگوس) تشکیل داده و بسختی در پشت آن مشغول پایداری شدند ولی این خط دفاعی نیز در مقابل حملات پی در پی واحدهای هوایی در زمینی تاب مقاومت نیاورده و درهم شکست و واحدهای یونان راه بنادر شبه جزیره را پیش گرفتند .

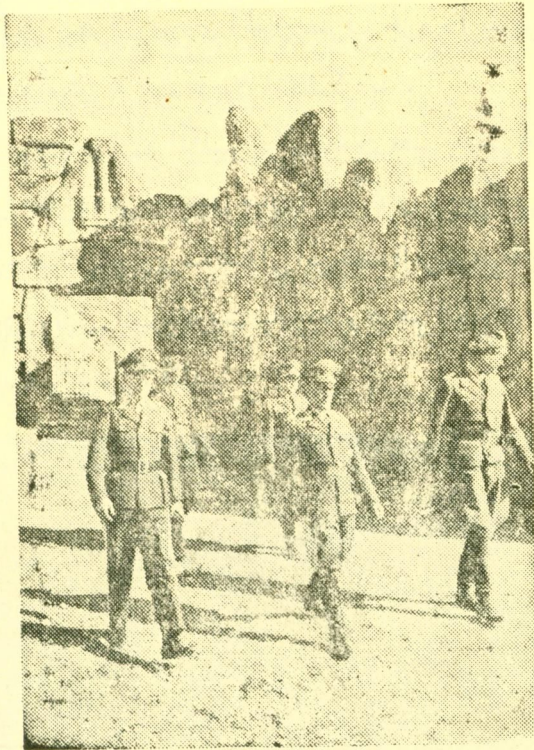


روی آکروپولیس

ایتالیائی ها در این میان پس از تسلیم نیروی اپیر در ۲۸ آوریل وارد شهر (پروزا) واقع در کنار خلیج آرنا شدند .

جزیره (کرخو) در ۲۷ آوریل بدون زرد خورد اشغال شد در ۳۰ آوریل نیز چترنازان ایتالیائی جزایر (کفالونیا) و (ماکنیتوس) را بدست آوردند .

در این هنگام چند واحد از نیروی دریائی و زمینی آلمان جزایر (هاتوس) (لمنوس) (ساموتزاک) را مورد حمله قرار داده آنها را تصرف کردند.



ژنرال لوهر و ژنرال نیروی هوایی ژولهنک هنگام بازدید
بناهای تاریخی یونان

با همه این موفقیت‌ها نیروی انگلیس توانست یونان را تخلیه کرده و جزیره کرت
برود طبق اخبار محافل مطلع انگلیسی تلفات سه لشکر اعزامی انگلیس بیونان در
حدود ۱۲۰۰۰ نفر بوده است.

پایان